

聖訓

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَقْتَهُ سَلْوَةٌ؛

کسی که با کتاب آرامش یابد، هیچ آرامشی را از دست نداده است.<sup>۱</sup>

تقدیم به:

ای خواننده ترا خدا «ولی» ادرکنی

بر تو ز نبی «نص جلی» ادرکنی

دستم تهی و لطف توبی پایانست

یا حضرت مرتضی علی ادرکنی<sup>۲</sup>

و

پدر مهربان و مادر دلسوزم

---

۱. تصنیف غرر الحکم و دُرر الکلم، ح ۲۹۳.

۲. ابوسعید ابوالخیر، رباعی، ۶۹۴.

گزیده‌ای از تربیت و اخلاق در نهج البلاغه و عُرْوَةُ الْحَكَمِ  
به ضمیمه داستان‌هایی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام

رحمت پوریزدی

هادی احمدی

سرشناسه: پوریزدی، رحمت، ۱۳۶۵ -

عنوان قراردادای: نهج البلاغه. فارسی- عربی- برگزیده. شرح  
Nahjol-Balaghah. Persian- Arabic. Selection. Commantries

غررالحکم و دررالکلم. فارسی- عربی. برگزیده. شرح  
عنوان و نام پدیدآور: گزیده‌ای از تربیت و اخلاق در نهج البلاغه و غررالحکم به ضمیمه داستان‌هایی از امام علی علیه‌السلام / رحمت پوریزدی، هادی  
احمدی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات قدس، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۴۷ص: ۲۱/۴۰۵/۱۴۰۵س.م.

شابک: 978-600-379054-4

وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- اخلاق  
Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Ethics

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره اخلاق

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on ethics

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. غررالحکم و دررالکلم -- اخلاق

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Ghurar al - Hikam va Durar al - Kilam -- Ethics

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Criticism and interpretation

موضوع: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. غررالحکم و دررالکلم -- نقد و تفسیر

موضوع: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Ghurar al - hikam va Durar al - Kilam -- Criticism and interpretation

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: Islamic ethics

موضوع: اخلاق اسلامی -- داستان

موضوع: Islamic ethics -- Fiction

شناسه افزوده: احمدی، هادی، ۱۳۶۴ مرداد-

شناسه افزوده: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. برگزیده. شرح

شناسه افزوده: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah

شناسه افزوده: علی بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. غررالحکم و دررالکلم. برگزیده. شرح

شناسه افزوده: Ali ibn Abi-talib, Imam I. Ghurar al - hikam va Durar al - Kilam. Selections . Commantries

رده بندی کنگره: ۴۲۳ / B۲۳۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۷۳۰۹۳



## گزیده‌ای از تربیت و اخلاق در نهج البلاغه و غررالحکم به ضمیمه داستان‌هایی از امام علی علیه‌السلام

رحمت پوریزدی، هادی احمدی

صفحه‌آرا: سید رضا حسینی

طرح جلد: نجف نجفی

قطع: رقعی/ ۱۴۷ صفحه

نوبت چاپ: اول/ پاییز ۱۳۹۹

ناشر: انتشارات قدس

چاپ: کمال الملک

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قم، خیابان شهدا، کوچه ممتاز/ شماره ۶۹/ تلفکس: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۰۵۳

«کلیه حقوق محفوظ می‌باشد»

شابک: ۳۷۹۲۵۴-۴-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

# فهرست مطالب

۱۱	.....	دییاجه
۱۳	.....	نهج البلاغه
۱۹	.....	کفاره گناهان بزرگ
۲۰	.....	از مهلت الهی بترس
۲۰	.....	رفتارشناسی (پنهان ولی آشکار)
۲۱	.....	انجام دهنده کارهای خیر و شر
۲۱	.....	اعتدال در بخشش و حسابرسی
۲۲	.....	هشت چیز را به خاطر بسپار
۲۳	.....	راه شناخت عاقل و احمق
۲۴	.....	راه شناخت مؤمن و منافق
۲۴	.....	ارزش مرد
۲۴	.....	راه تسخیر دل ها
۱۳	.....	خواری و پستی خویش
۱۴	.....	ترس و تهیدستی
۱۴	.....	دانش میراث ارزشمند
۱۵	.....	خوش رویی و دوست یابی
۱۵	.....	داروی معنوی
۱۶	.....	آیین دوست یابی
۱۶	.....	فرار نعمت
۱۷	.....	نتیجه بی مهری بستگان
۱۷	.....	جوانمردی و دست خدا
۱۸	.....	نتیجه ترس و کم رویی

۴۴	آینده‌نگری	۲۵	تعریف سخاوت
۴۴	بازمی‌گردد ولی گویا نبوده	۲۵	هیچ ثروت و ارثی!
۴۵	روش برخورد با دوستان بد	۲۶	ثروت پایان‌ناپذیر
۴۵	پرهیز از مواضع اِثْهَام	۲۶	هشدار که مژده است!
۴۶	ارزش مشورت	۲۷	زبان و درنده
۴۶	رازداری	۲۷	روش پاسخ دادن به ستایش‌ها و نیکی‌ها
۴۷	مشورت و افکار گوناگون	۲۸	ترك دوستان و تنهایی
۴۸	راه درمان ترس	۲۸	درخواست از نااهل
۴۸	ابزار ریاست	۲۸	بخشش اندک و شرم
۴۹	روش نابود کردن بدی‌ها	۲۹	حفظ روح امیدواری
۵۰	لجاجت	۳۰	روانشناسی جاهل
۵۰	طمع‌ورزی و بردگی	۳۰	روش تعلیم و تربیت
۵۰	نتیجه کوتاهی و دوراندیشی	۳۱	شمردنی و انتظار
۵۱	جایگاه سخن و سکوت	۳۱	گمشده مؤمن
۵۱	انبازدار دیگران	۳۱	ارزش انسان به تخصص او
۵۲	راه به کار گرفتن قلب	۳۲	پنج گنج
۵۲	عبرت‌آموزی از اتلاف اموال	۳۳	شجاعت گفتن «نمی‌دانم»
۵۳	اهمیت تلقین	۳۳	دانشمند کامل کیست؟
۵۴	ارزش‌های اخلاقی	۳۴	درمان روح و روان
۵۵	خودپسندی آفت عقل	۳۵	دانش‌زبانی و دانش عملی
۵۵	راه آرامش	۳۵	نگو ولی عمل کن
۵۶	نرم‌خویی و هواداران	۳۶	مناجاتی زیبا در ستایش دیگران
۵۶	دگرگونی روزگار و شناخت انسان‌ها	۳۶	سه شرط خدمت به مردم
۵۷	هفت اثر ارزش اخلاقی	۳۷	دانشمند و جهل‌کشنده
۵۷	حسادت و بیماری	۳۸	شگفتی‌های روح آدمی
۵۸	پاداش انفاق	۳۹	تنبلی و غصه
۵۹	تفاوت اخلاقی مردان و زنان	۴۰	دوست، دوست نیست مگر
۵۹	هدیه سخاوت!	۴۰	درمان فقر
۶۰	تصدیق خوش‌بینی‌ها	۴۱	غم‌ها و پیری زودرس
۶۰	خداشناسی در حوادث روزگار	۴۱	اقسام مردم
۶۱	تندخویی و جنون	۴۳	رفتارشناسی

- گفتار حکیمان درمان یا درد؟ ..... ۶۱
- روش صحیح پاسخ دادن ..... ۶۲
- اندوه روز نیامده! ..... ۶۳
- اعتدال در دوستی‌ها و دشمنی‌ها ..... ۶۳
- اندک ولی پیوسته ..... ۶۳
- دوستی با احمق هرگز! ..... ۶۴
- آدم داغدار و مال غارت‌شده ..... ۶۴
- روانشناسی عبادات ..... ۶۵
- بی‌نیازی از عذرخواهی ..... ۶۵
- روانشناسی مؤمن ..... ۶۶
- تیرانداز بدون کمان ..... ۶۷
- آبرو و یخ جامد ..... ۶۷
- قلمرو ستایش ..... ۶۸
- پرهیز از بدگمانی ..... ۶۸
- هماهنگی علم و عمل ..... ۶۹
- با یک کلمه ..... ۶۹
- هر چه دانی مگو ..... ۷۰
- جوینده یابنده است ..... ۷۰
- تقسیم شبانه‌روز ..... ۷۱
- سخن مسلحانه ..... ۷۱
- پرهیز از کارهای گوناگون ..... ۷۲
- روزگار دو روز است ..... ۷۲
- غرر الحکم و درر الکلم** ..... ۸۷
- نگاه دامن‌گیر ..... ۹۰
- نگاه غصه آور ..... ۹۰
- شکم دشمن پنهان ..... ۹۰
- سخرخیز باش تا کام روا شوی ..... ۹۱
- ریشه ترس ..... ۹۱
- راز کرامت و بزرگی ..... ۹۱
- جاهل بی‌ثمر ..... ۹۲
- پس انداز نیکی‌ها ..... ۸۷
- راز فرمانروایی ..... ۸۸
- مسابقه با زمان ..... ۸۸
- قدردانی نعمت‌ها ..... ۸۸
- شهرت جهانی ..... ۸۹
- بی‌گناه دلیر ..... ۸۹
- دام دوستی ..... ۸۹

۱۰۴	زیبا بگوی و زیبا بشنوی	۹۲	دوستی مفید
۱۰۴	ندانستن مفید	۹۲	کار دشمن
۱۰۵	اسیران راز	۹۲	عاشقِ نام دوست
۱۰۵	سخنان هر مجلس	۹۴	بنده‌ی احسان
۱۰۵	انقباض و انبساط روح	۹۴	فراموش‌کاری احسان
۱۰۶	نتیجه تلاش	۹۵	پاسخ نیکی
۱۰۶	راز رزق و روزی روان	۹۵	چاهی برای خود
۱۰۶	مهم‌تر	۹۶	کینه و اندوه
۱۰۷	نمایش بی‌نیازی	۹۶	شناخت نفس و اندازه آن
۱۰۷	شکر عالم	۹۷	گوینده خبر
۱۰۷	جنگ با دشمن واقعی	۹۷	اثر تلقین
۱۰۸	زمان و مردانگی مردان	۹۷	سکوت گویا
۱۰۸	اسیر و امیر کلمات	۹۷	پیشگیری بهتر از درمان
۱۰۹	نرمش و سختی قهرمانانه	۹۸	اسارت داوطلبانه
۱۰۹	خوردنی‌های فانی و رفتنی‌های ماندگار	۹۸	خجالت از خود
۱۰۹	آن قدر در می‌زنم!	۹۸	زبان دست
۱۱۰	ناامیدی امیدوارکننده	۹۹	شتر دیدی ندیدی
۱۱۰	گمان ضد غم	۹۹	مرگ شادی بخش
۱۱۰	گله‌های حیات بخش	۹۹	معجون مشکلات
۱۱۰	بزرگ‌نمایی نیکی‌ها	۱۰۰	هر که ترسید مُرد
۱۱۱	نیش‌های نزدیک	۱۰۰	تازه وارد سرگردان
۱۱۱	دوستان خوشبخت و خانواده بدبخت	۱۰۰	زندگی بر مدار مدارا
۱۱۲	واگذاری و یادآوری دوست‌داشتنی	۱۰۱	داروی روح
۱۱۲	شوق دیدار	۱۰۱	بلای ناامیدی
۱۱۲	دوستی پولکی	۱۰۱	نیت روزی‌رسان
۱۱۳	عافیت‌های مجهول	۱۰۲	رزق و روزی نادان و چهارپایان
۱۱۳	پذیرش عذر و گشاده‌رویی	۱۰۲	نابودی غصه
۱۱۴	عقل و عمل	۱۰۳	رضایت حسد سوز
۱۱۴	آتش عقل و هیزم ادب	۱۰۳	نزدیک ولی به دنبال دور
۱۱۵	دو نیمه‌ی عاقل	۱۰۳	گندم از گندم بروید، جوز جوز
۱۱۵	طیب عاقل، مریض جاهل	۱۰۴	زیارت ایمنی بخش



وقت اندک دانش‌آموزی .....	۱۱۶	سخن زلال .....	۱۲۵
دانستنی‌های ناچیز و دشمنی .....	۱۱۶	متکبر ناچیز .....	۱۲۶
عالم و نادان کمرشکن .....	۱۱۷	مُهر عقل .....	۱۲۶
گذشته، حال، آینده .....	۱۱۷	کاغذ آرامش‌بخش .....	۱۲۷
زبان عمل .....	۱۱۸	معرفی خود .....	۱۲۷
عادت، طبع دوم .....	۱۱۸	دروغ‌گوی مرده .....	۱۲۷
سلطان عادت .....	۱۱۸	خوردن و خوراندن .....	۱۲۸
فرار از عیب‌های خویش .....	۱۱۹	تشکر زبانی .....	۱۲۸
سرزنش واگیردار .....	۱۱۹	عادت زبان .....	۱۲۸
چشم‌پوشیِ روشنی‌بخش .....	۱۲۰	سرزنش آتش‌زا .....	۱۲۹
نگاه‌کشنده .....	۱۲۰	درد سرزنش .....	۱۲۹
خشمِ رسوایی .....	۱۲۰	زیادی سرزنش .....	۱۲۹
ابتدای و انتهای خشم .....	۱۲۱	قاتل ناخواسته .....	۱۲۹
اندوه ضعیف‌کننده .....	۱۲۱	شوخی کینه‌ساز .....	۱۳۰
بی‌تابی ناتوان .....	۱۲۱	جداییِ سود رسان .....	۱۳۰
فال نیک .....	۱۲۲	میل به هم نوع .....	۱۳۰
خوشحالی زودگذر .....	۱۲۲	نصیحت اشتباه .....	۱۳۰
شیطان بیکاری .....	۱۲۲	سرکشی در مقابل سرکشی .....	۱۳۱
رذیلت‌های سرشتی .....	۱۲۳	سخن‌چین .....	۱۳۱
دروغ فقر ساز .....	۱۲۳	بدترین مردم .....	۱۳۲
عبادت ذهنی .....	۱۲۳	دردی پنهان .....	۱۳۲
تفکر عمل ساز .....	۱۲۴	مثلث محبت .....	۱۳۲
فکر گناه ساز .....	۱۲۴	توکل اندوه‌زا .....	۱۳۳
عاقبت‌اندیشی .....	۱۲۴	دل شاهد محبت .....	۱۳۳
لجاجتِ نتیجه‌بخش .....	۱۲۴	هدیه دوستی .....	۱۳۳
ناامیدی قاتل .....	۱۲۵	همت‌های بلند .....	۱۳۴
زخم سخن .....	۱۲۵	ناامیدی امیدبخش .....	۱۳۴
<b>داستان‌های از امام علی (ع)</b>			
خوراک مقوی و اندک .....	۱۳۵	کی بیشتر خرما خورده؟ .....	۱۳۷
چشم‌پوشی .....	۱۳۶	آتش پنهان .....	۱۳۷

۱۴۳	..... تغافل	۱۳۸	..... تنها برنده مسابقه
۱۴۴	..... چرا دعا مستجاب نمی‌شود	۱۳۸	..... مبدأ تاریخ هجری
۱۴۵	..... روزی حلال	۱۳۹	..... پنج‌انگشت
۱۴۵	..... بهترین همراه	۱۴۰	..... چشم‌چرانی
۱۴۶	..... مهمانی به سه شرط	۱۴۰	..... نمازخانه در خانه
۱۴۷	..... خطبه بدون الف و نقطه	۱۴۱	..... تمام لذات دنیا
		۱۴۱	..... آداب مسافرت
		۱۴۲	..... زبان کودکان
		۱۴۳	..... چهار دستور پزشکی

## دساح بیر

امیرالمؤمنین علیه السلام، سرچشمه دانش و حکمتی است که بشر با شنیدن آن راه را از بی‌راه و صحیح را از ناصحیح می‌یابد و قلبش از زنگار غفلت و جهل زدوده می‌شود.

در این دفتر کوچک، گلبهرگی از سخنان تربیتی و اخلاقی امیر بیان؛ امیرالمؤمنان علیه السلام را از کتاب نهج البلاغه و عُرُزُ الحَکَم همراه با شرح آن گردآوری کرده‌ایم و کتاب را به ضمیمه داستان‌هایی از آن حضرت مُزین کردیم. به امید آنکه برکت و نورانیت عمل به این سخنان در زندگانی بشر بیشتر از قبل بدرخشد؛ و نیز سرنخ‌هایی برای کنکاش و پژوهش افزون‌تر قرار گیرد؛ و در این راه نگاهمان به این حدیث مولا علی علیه السلام بود:

«وَلِسَانُ الصِّدِّقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ حَيْثُ لَهُ مِنَ الْمَالِ [يُوزِنُهُ غَيْرُهُ] يَرِنُهُ

غَيْرُهُ؛

نام نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری بردارد»<sup>۱</sup>.

کتاب نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، گزیده‌ای از سخنان ادبی امیرالمؤمنین علیه السلام، است که سید رضی در اواخر قرن چهارم قمری آن‌ها را گردآوری کرده است. این کتاب توسط گروهی از علما به دلیل محتوی غنی و همچنین بلاغتش، به «اخ القرآن» برادر قرآن نام‌گذاری شده است. معیار انتخاب سخنان امام علی علیه السلام در این کتاب فصاحت و بلاغت عنوان شده است. به همین دلیل کتاب نهج البلاغه، به معنای «راه و طریق آشکار بلاغت» نامیده شده است و شامل سه بخش خطبه‌ها (۲۴۱)، نامه‌ها (۷۹) و کلمات قصار (۴۸۰) است.

کتاب عُرُزُ الْجِکَمِ و دُرُزُ الْکَلِمِ (به معنای اندرزهای برتر و سخنان چون دُر) کتابی مشتمل بر ۱۰۷۶۰ سخن از سخنان کوتاه و جذاب امیرالمؤمنین علیه السلام، تألیف ابوالفتح آمدی از دانشمندان قرن پنجم هجری است که بر اساس حروف الفبا در ۹۱ باب تنظیم شده است.

شُکْرُ که این نامه به‌عنوان رسید \*\*\* پیش‌تر از عمر به پایان رسید

الحمد لله رب العالمین

اربعین/۱۳۹۹

ryazdi1395@gmail.com

۱. خطبه، ۲۳.

# نهج البلاغه

## خواری و پستی خویش

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أُرْزَىٰ بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعِ وَرَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرَّةِ  
وَ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ مَنْ أَمَرَ عَلَيْهَا لِسَانَهُ؛

آن که جان را با طمع‌ورزی بیوشاند خود را پست کرده و آن که راز سختی‌های  
خود را آشکار سازد خود را خوار کرده و آن که زبان را بر خود حاکم کند خود را  
بی‌ارزش کرده است.<sup>۲</sup>

---

<sup>۱</sup>. به معنی پوشاندن لباس زیرین است و اشاره به اینکه طمع را به خود چسبانده و از آن جدانمی  
شود. در بخش اول کتاب ( نهج البلاغه ) از ترجمه مرحوم محمد دشتی و توضیحات نیز از کتاب پیام  
امام امیرالمومنین عليه السلام، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، استفاده شده است. البته با تصرف.  
<sup>۲</sup>. حکمت، ۲.

طمع و حرص عظمت و وقار آدمی را به ذلت و حقارت می‌کشاند و هر کس سفره دلش را نزد دیگران بگشاید بی‌درنگ به خواری خود رضایت داده است و هر کس زبان خود را کنترل و مهار نکند بی‌شک زبان او را به نابودی و حقارت می‌برد.

### ترس و تهیدستی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْبُخْلُ عَارٌ وَالْجُبْنُ مَنَقَصَةٌ؛

بخل ننگ است و ترس مایه نقصان و کاستی است.<sup>۱</sup>

بخل ننگ و عار است زیرا باعث: اولاً نفرت مردم و دوستان را در پی دارد ثانیاً: بخل سبب سنگدلی و قساوت قلب است ثالثاً: هیچ دوستی و یاری برای او باقی نمی‌ماند رابعاً: مانع گردش سالم اقتصاد می‌شود خامساً: مورد مشورت و اطمینان واقع نمی‌گردد.

ترس نیز عاملی مهم در نرسیدن به قله‌های موفقیت و پیروزی است به قول مثل معروف «آن که ترسید مُرد و آنکه نترسید بُرد».

### دانش میراث ارزشمند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعِلْمُ وَرِثَةٌ كَرِيمَةٌ؛

دانش، میراثی گران‌بها است.<sup>۲</sup>

۱. ح ۳.

۲. ح ۵.

میراث تنها به ثروت و دارایی نیست؛ و هر کس در خور و شأن خویش ارثی به یادگار می‌گذارد. برخی ثروت و برخی دانش و علم؛ و ارزشمندترین آن‌ها دانش است که شخص برای نسل‌های بعد از خود به جا می‌گذارد.

### خوش‌رویی و دوست‌یابی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْإِحْتِمَالِ وَ الْإِحْتِمَالُ قَبْرُ الْعُيُوبِ؛

خوش‌رویی وسیله دوست‌یابی و شکیبایی، گورستان پوشاننده عیب‌هاست.<sup>۲</sup>  
با خوش‌رویی و چهره‌گشاده می‌تواند قلب دیگران را تسخیر کرد و با صبر و حوصله عیب‌ها و کاستی‌ها خویش و دیگران را می‌تواند پوشاند.

### داروی معنوی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ؛

صدقه دادن دارویی ثمربخش است.<sup>۳</sup>

صدقه به بخشش‌هایی گویند که قصد قربت در آن باشد خواه واجب مانند زکات یا مستحب مانند انفاق باشد؛ خواه شخصی مانند کمک به نیازمند و یا عمومی مانند ساختن مدرسه، کتابخانه. صدقه دارو و شفا دهنده بیماری‌های فردی و اجتماعی است.

۱. دام.

۲. ح ۶.

۳. ح ۷.

## آیین دوست‌یابی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ؛

ناتوان‌ترین مردم کسی است که در دوست‌یابی ناتوان است و از او ناتوان‌تر آنکه دوستان خود را از دست بدهد.<sup>۱</sup>

دوستان خوب در موقعیت‌های متفاوت کمک‌کار و یاور انسان هستند؛ و انسان‌های موفق در دوست‌یابی افراد شایسته و لایق می‌کوشند و زمانی که آن را به دست آورند از او با رفتار و گفتار صحیح مراقبت می‌کنند.

## فرار نعمت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ<sup>۲</sup> النِّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛ هنگامی که قسمتی از نعمت به شما رسید با کم شکری، باقی‌مانده آن را فرار ندهید.<sup>۳</sup>

شکرگزاری سه مرحله دارد قلبی، زبانی و عملی. هرگاه نعمتی به انسان داده می‌شود. نیکوست انسان به همان اندازه شکرگزار و سپاس‌گزار خداوند باشد تا اینکه خداوند به فضل و لطف خودش آن نعمت را به وجه کامل و احسن به انسان برساند.

۱. ج ۱۲.

۲. به قرینه «اقصاها» به معنی آغاز هر چیزی است.

۳. ح ۱۳.



## نتیجه‌ی بی‌مه‌ری بستگان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ ضَيَّعَهُ الْأَقْرَبُ أُتِيحَ لَهُ الْأَبْعَدُ؛

کسی که نزدیکانش او را رها سازند آن‌ها که دورند برای (حمایت از او و یاری‌اش) آماده می‌شوند.<sup>۲</sup>

انسان به‌وسیله حمایت و پشتیبانی خویشاوندان تقویت و دلگرم می‌شود ولی اگر خویشاوندان انسان را رها کنند و بی‌مه‌ری کنند. بیگانگان به او روی خوش نشان می‌دهند و او را دلگرمی می‌دهند؛ مانند طائفه قریش که از نزدیکان پیامبر ﷺ بودند اما نه‌تنها دوستی و حمایت نکردند بلکه ابراز دشمنی کردند و اما خداوند قبائلی از دور دست به حمایت از پیامبر ﷺ برانگیخت که از جان‌ودل از او پشتیبانی کردند.

نمونه دیگر آن فرار مغزها از کشور است هنگامی که از مغزه‌های لایق و آماده و استعداد‌های سرشار جوانان استفاده نکنیم آن‌ها از میان ما می‌روند و بیگانگان از آن‌ها استقبال می‌کنند.<sup>۳</sup>

## جوانمردی و دست خدا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَقْبِلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَثْرَاتِهِمْ فَمَا يَعْثُرُ مِنْهُمْ عَائِرٌ إِلَّا وَ [يَدُهُ بِيَدِ اللَّهِ] يَدُ اللَّهِ بِيَدِهِ يَرْفَعُهُ؛

۱. مهیا کردن، ساختن.

۲. ح ۱۴.

۳. پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۱۲، ص ۱۰۷.

۴. اقبلوا: چشم‌پوشی. عثرات: لغزش و خطا.

از لغزش جوانمردان درگذرید، زیرا جوانمردی نمی‌لغزد جز آنکه دست خدا او را بلندمرتبه می‌سازد.<sup>۱</sup>

خداوند مدافع و هوادار افراد جوانمرد، بخشنده و بامروت است. آدمی زاد خالی از اشتباه نیست و هر کس ممکن است خطایی کند ولی هنگامی که فرد بخشنده و جوانمرد خطایی می‌کند خداوند دست او را می‌گیرد و او را نجات می‌دهد و نمی‌گذارد زمین گیر شود.

### نتیجه ترس و کمرویی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُرِنَتِ الْهَيْبَةُ بِالْخَيْبَةِ، وَ الْحَيَاءُ بِالْحِرْمَانِ؛ الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَاتْتَهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛

ترس (ناجبا) با ناامیدی مقرون است و کمرویی با محرومیت همراه، فرصت‌ها همچون ابر درگذرند؛ از این رو، فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید (و پیش از آنکه از دست برود، از آن استفاده کنید).<sup>۲</sup>

دو نوع ترس داریم: ترس به‌جا: ترس از حوادث و خطرهای جانی و مالی ... که طبیعی است و هر انسان از آن استفاده می‌کنند؛ و ترس ناجبا؛ ترسی است که از ضعف اراده منشأ می‌گیرد که ناپسند و نکوهیده است چراکه انسان را از رسیدن به موفقیت و پیروزی بازمی‌دارد.

۱. ح ۲۰.

۲. ح ۲۱.

حیا نیز دو نوع است: حیا ارزشمند: حیایی است که انسان آنچه مخالف عقل و دین و زشت و ناپسند است را ترک کند و حیای غیر ارزشمند: حیایی است که انسان را از فراگرفتن دانش یا سؤال کردن از چیزهایی که نمی‌داند یا از گرفتن حق خویش دوری می‌کند و به تعبیر دیگر «کم رو» است.

فرصت‌های جوانی، تندرستی، امنیت و... هیچ‌کدام پایدار نیستند از این رو نیکو است فرد هوشیار و هشیار از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را ببرد.

### کفاره گناهان بزرگ

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِعَانَةُ الْمَلْهُوفِ<sup>۱</sup> وَ التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ؛

از کفاره گناهان بزرگ، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت دیدگان است.<sup>۲</sup>

کفاره یعنی پوشاننده؛ چیزی که امر دیگری را می‌پوشاند؛ و خطا و گناهان را می‌پوشاند؛ و از مصادیق آشکار آن کمک و یاری رساندن به نیازمند و برطرف کردن غم و غصه دیگران است؛ و این یاری می‌تواند از طریق مالی یا گفتاری باشد. چه بسا با سخنی دل اندوهگینی را شاد کنیم و یا با حمایت مالی خویش فردی را از مشکلات رنج‌آور نجات دهیم.

۱. ملهوف: هر فرد مظلوم و بیچاره‌ای را شامل می‌شود. خواه بیمار باشد یا گرفتار طلبکار... مکروب: به هر شخص غمگین گفته می‌شود. خواه غم فقر، بیماری، تجارت، مصیبت... تنفیس: زدودن غم.

۲. ح ۲۴.

## از مهلت الهی بترس

قَالَ ﷺ: يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ فَآخِذْهُ؛

ای فرزند آدم! زمانی که خدا را می‌بینی که انواع نعمت‌ها را به تو می‌رساند در حالی که تو معصیت او را می‌کنی از او بترس.<sup>۱</sup> لطف و دریای مهربانی خدا بی‌پایان است و لکن عذاب او نیز سنگین است. چه بسا افرادی که به بلای استدراج گرفتار شده‌اند و خود غافل‌اند. نعمت‌ها پیاپی و بی‌حدومرز از راه می‌رسد ولی دل از یاد و سپاسگزاری خداوند غافل می‌گردد و صاحب نعمت را از یاد می‌برد. در این هنگام است که عذاب سنگین الهی از راه می‌رسد و او را غافل‌گیر و زمین‌گیر می‌کند.

## رفتارشناسی (پنهان ولی آشکار)

قَالَ ﷺ: مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ؛ کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آنکه در لغزش‌های زبان و رنگ رخسارش، آشکار خواهد گشت.<sup>۳</sup> رفتار انسان نشانه از نیت‌ها و افکار او است؛ و هر آنچه در دل پنهان بدارد به‌هر حال در حالات چهره و گفتارها آشکار می‌شود. نمونه آشکار آن حالت ترس،

۱. ح ۲۵.

۲. کار یا سخنی است که بدون فکر از انسان صادر می‌شود.

۳. ح ۲۶.

خشم، خجالت است که در این حالات رنگ چهر و نحوه سخن گفتن تغییر می‌کند.

### انجام دهنده کارهای خیر و شر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَفَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ؛

نیکوکار، از کار نیک بهتر و بدکار از کار بد بدتر است.<sup>۱</sup>

امام صادق علیه السلام در حدیثی چنین می‌فرماید: «نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نَبِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ؛ نیت مؤمن از عملش بهتر است و نیت کافر از عملش بدتر است.»<sup>۲</sup>

زیرا مؤمن کارهای خیری در دل دارد که نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد و نیت کافر بدتر از عمل اوست، زیرا کارهای بدی در سر دارد که توان آن را ندارد.

### اعتدال در بخشش و حسابرسی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كُنْ سَمْحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَ كُنْ مُقَدِّرًا<sup>۳</sup> وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا؛

بخشنده باش اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حسابگر باش اما سخت‌گیر

مباش.<sup>۴</sup>

۱. ح ۳۲.

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۳.

۳. تذبذیر: به معنای پاشیدن دانه است. معادل آن ریخت‌وپاش است. مقدر: مدیریت صحیح اموال است؛ حد وسط میان تذبذیر و تقتییر. تقتییر: تنگ گرفتن.

۴. ح ۳۳.

روزی امام صادق علیه السلام مشتی از سنگریزه برداشت و محکم در دست خود گرفت سپس فرمود: بخل و اقتار که خداوند فرموده همین است. آنگاه مشت دیگری از سنگریزه برداشت و چنان دست خود را گشود که همه‌ی آن روی زمین ریخت و فرمود این اسراف است آنگاه مشت دیگری برداشت و آن را به طوری گشود که مقداری در کف دست باقی ماند و مقداری از لابه‌لای انگشتان فروریخت و فرمود این همان قوام است (حد میانه و اعتدال است).<sup>۱</sup>

### هشت چیز را به خاطر بسپار

قَالَ عليه السلام: لِإِنِّهِ الْحَسَنِ عليه السلام يَا بَنِيَّ احْفَظْ عَنِّي أَرْبَعًا وَأَرْبَعًا لَا يَضُرُّكَ مَا عَمِلْتَ مَعَهُنَّ إِنَّ أَعْنَى الْعَنَى الْعَقْلُ وَ أَكْبَرَ الْفَقْرِ الْحُمُقُ وَ أَوْحَشَ الْوَحْشَةَ الْعُجْبُ وَ أَكْرَمَ الْحَسَبِ حُسْنُ الْخُلُقِ يَا بَنِيَّ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ فَإِنَّهُ يَفْعُدُ عَنْكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالتَّافِهِ وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبَعِيدَ وَ يُبْعَدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ؛

به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسر من! چهار چیز از من یاد گیر (در خوبی‌ها) و چهار چیز به خاطر بسپار (هشدارها)، که تا به آن‌ها عمل می‌کنی زیان نبینی:

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۴.

خوبی‌ها ۱. همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است، ۲- و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است، ۳- و ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است. ۴- و گرامی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست.

هشدارها ۱- پسر! از دوستی با احمق بپرهیز، چراکه می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیانت می‌کند. ۲- از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد. ۳- و از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد. ۴- و از دوستی با دروغ‌گو بپرهیز، که او به سراب ماند: دور را به تو نزدیک و نزدیک را دور می‌نماید.<sup>۱</sup>

چهار قسمت اول مربوط به صفات اخلاقی و امر است و چهار قسمت دوم مربوط به امور رفتاری و نهی است؛ و این هشت دستور در سرنوشت و سربلندی انسان تأثیر شگفتی دارد.

### راه شناخت عاقل و احمق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛

زبان عاقل در پشت قلب اوست و قلب احمق در پشت زبانش قرار دارد.<sup>۲</sup>  
این از سخنان ارزشمند و شگفتی‌آور است، که عاقل زبانش را بدون مشورت و فکر و سنجش رها نمی‌سازد، اما احمق هر چه بر زبانش آید می‌گوید بدون فکر و دقت، پس زبان عاقل از قلب او و قلب احمق از زبان او فرمان می‌گیرد.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، حکمت، ۳۸.

۲. ح ۴۰.

۳. شرح سید رضی، نهج البلاغه، ح ۴۰.

## راه شناخت مؤمن و منافق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ صَرَبْتُ خَيْشُومَ<sup>۱</sup> الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي  
وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِهَا<sup>۲</sup> عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يُجِبَّنِي مَا أَحْبَبَّنِي؛  
اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد  
کرد و اگر تمام دنیا را به منافق بیخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد<sup>۳</sup>  
دوست داشتن امیرالمؤمنین ﷺ: به گفتار نیست به عمل و کردار است و  
آن قدر ارزشمند و گران بهاست که معیار شناخت مؤمن از منافق قرار گرفته است.

## ارزش مرد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛  
ارزش هر کس به اندازه همت اوست.<sup>۴</sup>  
اعتبار و لیاقت هر شخص به پشتکار و همت اوست. این دسته افراد با تلاش و  
امید به خواسته‌های خود می‌رسند.  
همت بلند دار که مردان روزگار \*\*\* از همت بلند به‌جایی رسیده‌اند

## راه تسخیر دل‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛

۱. نقطه‌ی بالای بینی است که اگر قطع شود تمام بینی قطع شده.

۲. به معنی محل تجمع آب است.

۳. ح ۴۵.

۴. ح ۴۷.



دل‌های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوش‌رویی کند.<sup>۱</sup> دوستان خوب را می‌شود با محبت و مهرورزی شکار کرد. آدمی زاد تشنه محبت و عاطفه است و هر آن کس که به او نیکی و محبت کند به او روی خوش نشان می‌دهد و شیفته و دلدادگی او می‌گردد.

### تعریف سخاوت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: السَّخَاءُ مَا كَانَ ابْتِدَاءً- [فَإِذَا] فَأَمَّا مَا كَانَ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَحَيَاءٌ وَ تَدَمُّمٌ؛ سخاوت آن است که تو آغاز کنی، زیرا آنچه با درخواست داده می‌شود یا از روی شرم و یا از بیم شنیدن سخن ناپسند است.<sup>۲</sup> سخاوتمند کسی است که بدون درخواست دیگران، فضل و بخشش خود را انجام می‌دهد؛ و در غیر این صورت یا به خاطر حفظ آبروی خویش است و یا ترس از شنیدن مذمت مردم است.

### هیچ ثروت و ارثی!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ وَ لَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ ثروتی چون عقل و هیچ فقری چون نادانی نیست. هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست.<sup>۳</sup>

۱. ح ۵۰.

۲. ح ۵۳.

۳. ح ۵۴.

اگر به این چهار فرمایش عمل شود. انسان دچار سردرگمی و حیرت نمی‌شود؛ و زحمات بیهوده نیز نمی‌کشد.

### ثروت پایان ناپذیر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛

قناعت، ثروتی است پایان ناپذیر.<sup>۱</sup>

داشتن روحیه قناعت آدمی را به عزت و آرامش می‌رساند چراکه مجبور نیست برای کوچک‌ترین چیز، دست جلوی دیگران دراز کند و به دنبال مالی اندک حرص بکشد و رنج تحمل کند.

### هشدار که مژده است!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ حَذَّرَكَ كَمَنْ بَشَّرَكَ؛

آنکه تو را هشدار داد، چون کسی است که مژده داد.<sup>۲</sup>

دوستان واقعی کسانی هستند که علاوه بر تشویق و یاری‌رسانی، چشم بر کاستی‌ها نمی‌پوشانند و انسان را نسبت به خطرات آن هشدار و آگاهی می‌دهند. همان‌طور که بشارت‌ها و تشویق‌های او دوستانه و خیرخواهانه است هشدارهای او نیز صمیمانه و از روی نیک‌خواهی است.

۱. ح. ۵۷.

۲. ح. ۵۹.

## زبان و درنده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: اللِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقْرٌ؛

زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد!<sup>۱</sup>  
 بیشتر گناهان و خطاهای بنی‌بشر از این جرم کوچک و سرخ است که چه سرهایی را گردن زده است؛ و چه بسا سرچشمه فتنه‌ها و جنگ و کینه‌ها، نیش زبانی بوده است. از این رو شایسته است که مهار و کنترل این عضو کوچک را در اختیار داشته باشیم تا باعث رنجش و آزار خود و دیگران نشود.

## روش پاسخ دادن به ستایش‌ها و نیکی‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا حُيِّتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَيِّ بِأَحْسَنَ مِنْهَا وَإِذَا أُسْدِيَتْ<sup>۲</sup> إِلَيْكَ يَدٌ فَكَافِئْهَا بِمَا يُرِيْبِي عَلَيْهَا وَ الْفَضْلُ مَعَ ذَلِكَ لِلْبَادِي؛

چون تو را ستودند، بهتر از آنان ستایش کن و چون به تو احسان کردند، بیشتر از آن ببخش. به هر حال پاداش بیشتر، از آن آغازکننده است.<sup>۳</sup>  
 هرگاه کسی به انسان نیکی و احسان کرد نیکوست به بهترین و کامل‌ترین وجه ممکن از او تشکر و قدردانی و جبران و تلافی کرد و شایسته است همواره آغازکننده نیکی‌ها و بخشش‌ها باشد.

۱. ح ۶۰.

۲. به معنی دراز کردن دست به سوی دیگری است. کنایه از بخشش و اهدای هدیه است.

۳. ح ۶۲.

## ترك دوستان و تنهایی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فَقَدْ الْأَحَبَّةُ عُرْبَةٌ؛

از دست دادن دوستان غربت است.<sup>۱</sup>

نیکوست همواره به دنبال دوستان خوب و شایسته و بیشتر بود تا یاور خوبی بر دین و دنیا باشند.

## درخواست از نااهل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلِبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا؛

از دست دادن حاجت بهتر از درخواست کردن از نااهل است.<sup>۲</sup>

شایسته است انسان خواسته‌های خویش را از اهل آن و از جوانمردان و نیک‌مردان بخواهد و از هر کس درخواست نکند تا شأن و عزت و سربلندی‌اش حفظ شود.

## بخشش اندک و شرم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْجِزْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ؛

از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن، از آن کمتر است.<sup>۳</sup>

۱. ح ۶۵.

۲. ح ۶۶.

۳. ح ۶۷.

«کاچی بهتر از هیچی است» در بخشش و احسان نباید به کمیت و مقدار آن نگاه کرد بلکه باید به خداوند بزرگ و کریم چشم دوخت که پاداشی چندین برابر آن خواهد داد؛ و چه بسا نزد خداوند ناچیزترین‌ها، ارزشمندترین‌ها هستند.

### حفظ روح امیدواری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا لَمْ يَكُنْ مَا تُرِيدُ فَلَا تُبَلِّغْ [كَيْفَ] مَا كُنْتَ؛

اگر به آنچه می‌خواستی نرسیدی، از آنچه هستی نگران مباش.<sup>۲</sup>

چهار احتمال برای این حدیث شمرده‌اند:

اول: هنگامی که به مقصد نرسیدی غمگین مباش، چراکه اگر مقصود مادی است دنیای مادی بقایی ندارد و اگر مقصود معنوی است خداوند برای تلاشی که کردی به تو اجر و پاداش می‌دهد. دوم: اگر به مقصد نرسیدی دست از تلاش و کوشش بر ندار و به سخنان این‌وآن اعتنا مکن. سوم: اگر به مقصود نرسیدی به همان حال که هستی راضی باش تا از مقام و مرتبه تو نزد خداوند کاسته نشود چهارم: اگر به مقصود نرسیدی به هر صورتی باشی تفاوتی نمی‌کند.<sup>۳</sup> مثل اینکه به هدف و خواسته‌اش نرسیده است حالا برایش فرقی نمی‌کند که روزگار به کدام طرف بچرخد.

۱. از ماده «بَلَو» به معنی اهمیت دادن به چیزی است.

۲. ح ۶۹.

۳. پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۱۲، ص ۴۱۵.

## روانشناسی جاهل

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا [يُرَى الْجَاهِلُ] تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا؛

نادان را یا تندرو یا گند رو می‌بینی.<sup>۱</sup>

فرد دانا تمامی کارهایش بر محور میانه‌روی و اعتدال است و لکن نادان، گاهی زیاده‌روی و گاهی هم سستی و تنبلی می‌کند.

## روش تعلیم و تربیت

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛

کسی که خود را رهبر مردم قرارداد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آنکه دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.<sup>۲</sup>

تربیت خویش بر تربیت و راهنمایی دیگران مقدم است و عمل و رفتار بر زبان و گفتار مقدم است. در تربیت و تعلیم الگو و نمونه بودن خود به‌تنهایی درسی بزرگ برای شاگرد و دانشجو است.

۱. ح ۷۰، ص

۲. ح ۷۳.

## شمردنی و انتظار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كُلُّ مَعْدُودٍ مُنْقَضٍ وَكُلُّ مُتَوَقِّعٍ آتٍ؛

هر چیز که شمردنی است پایان می‌پذیرد و هر چه را که انتظار می‌کشیدی، خواهد رسید.<sup>۲</sup>

بی‌نهایت در دنیای زودگذر معنا ندارد و سرانجام روزی به پایان می‌رسد. خواه دوران خوشی باشد یا ناخوشی.

## گمشده مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ؛

حکمت گمشده مؤمن است، حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد.<sup>۳</sup>

## ارزش انسان به تخصص او

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْصِنُهُ؛

ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست.<sup>۴</sup>

قدر و ارزش انسان به دانش و مهارت و عمل اوست. نه به ثروت و مقام و حسب و نسب او.

۱. به‌طور قطعی می‌دانیم در آینده رخ می‌دهد مانند مرگ و پایان زندگی.

۲. ح ۷۵.

۳. ح ۸۰.

۴. ح ۸۱.

## پنج گنج

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَوْصِيكُمْ بِخَمْسٍ لَوْ ضَرَبْتُمْ إِلَيْهَا أَبَاطَ الْإِبِلِ لَكَانَتْ لِدَلِكِ أَهْلًا لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ وَلَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَلَا يَسْتَحِينَنَّ أَحَدًا إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا [خَيْرَ] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ؛

شمارا به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای آن‌ها شتران را پُر شتاب برانید {کنایه از نهایت تلاش و کوشش} و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است:

کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد و جز از گناه خود نترسد و اگر از یکی سؤال کردند و نمی‌داند، شرم نکند و بگوید نمی‌دانم و کسی در آموختن آنچه نمی‌داند شرم نکند و بر شما باد به شکیبایی، که شکیبایی، ایمان را مانند سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی مانند بدن بی‌سر، ارزشی ندارد.<sup>۱</sup>

شایسته است به کسی امید و دل ببندیم که خودش سرچشمه همه نیکی‌ها باشد و دارایی حداقل چهار ویژگی باشد؛ توانایی، دانش، دارایی، پایداری و آن کسی نیست جز خداوند دانا و مهربان.

این گناهان و اشتباهات ما هستند که باید از آن‌ها ترسید که گریبان گیر زندگی نشوند و الا چیزی در زندگی برای ترسیدن وجود ندارد.

گاهی گفتن «نمی‌دانم» شجاعت می‌خواهد؛ و اگر این شجاعت را خرج نکنیم خود و دیگران را به‌سختی و رنج می‌اندازیم.

۱. ح ۸۲.



آموختن و یادگرفتن، باعث پیشرفت و ترقی است. از این رو شایسته نیست به خاطر شرم و حیا خود را در جهل و نادانی اسیر کنیم و از موفقیت و کامیابی بازمانیم.

تن بدون سر، جان ندارد. ایمان بدون صبر، ایمان مُرده است و ایمان با صبر و شکیبایی است که به ثمر می‌نشیند.

### شجاعت گفتن «نمی‌دانم»

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ<sup>۱</sup>؛

کسی که از گفتن «نمی‌دانم» روی گردان است، به هلاکت و نابودی می‌رسد.<sup>۲</sup> قرار نیست همه چیز را یاد داشته باشیم؛ و نیکو نیست در چیزی که نمی‌دانیم و به آن آگاه نیستیم اظهار نظر کنیم و دین و دنیای خود را نابود کنیم. چه بسا با پاسخی نادرست آبرو، جان و مال خود و دیگران را به خطر بیندازیم و مایه رنجش و عذاب شویم؛ و آرامش و آسایش را از خود دور کنیم.

### دانشمند کامل کیست؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْفَقِيهُ كُلُّ الْفَقِيهِ<sup>۳</sup> مَنْ لَمْ يُغْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛

۱. موضعی از بدن که اگر ضربه بخورد حیات انسان به خطر می‌افتد؛ مانند سر.

۲. ح ۸۵.

۳. به معنای وسیع کلمه یعنی عالم دینی و به معنای عالم ازهرجهت.

فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت الهی مأیوس و از مهربانی او نومید نکند و از عذاب ناگهانی خدا ایمن نسازد.<sup>۱</sup>

زندگی بین خوف و رجا {ترس و امید} می‌چرخد. نه آن‌چنان خوش‌بین که دچار غفلت و سرمستی شویم و نه آن‌چنان ناامید که دچار سردی و بی‌روحو شویم. در زندگانی هم تشویق و هم تنبیه نقش و جایگاه خودشان را دارند و نباید از حدود مرز یکدیگر عبور کنند. هرچند امید به دریای لطف و مهربانی بی‌پایان خداوند زیباتر است. چنان‌چه در این حدیث گهربار دو بار به مسئله امید اشاره شده است.

## درمان روح و روان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَاَبْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ [الْحِكْمَةِ] الْحِكْمِ؛

همانا این دل‌ها همانند بدن‌ها افسرده می‌شوند، پس برای شادابی دل‌ها، سخنان زیبایی حکمت‌آمیز را بجوید.<sup>۲</sup>

همان‌گونه که تن خسته می‌شود جان و روح آدمی نیز خسته و افسرده می‌شود و از بهترین درمان‌های رفع خستگی روحی و روانی، خواندن و شنیدن حکمت‌های زیبا و دل‌نشین در قالب شعر و نثر و روایت است تا هم بر دانش انسان بیفزاید و هم شادی‌آفرین و روح‌افزا باشد. به همین دلیل است که بیشتر

۱. ح ۹۰.

۲. وح ۹۱.

دانشمندان در کنار تحقیقات علمی خود از شعرهای پندآموز و داستان‌های شیرین کوتاه غفلت نمی‌کردند و حتی خودشان نیز ذوق ادبی داشتند.

### دانش زبانی و دانش عملی

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: أَوْضَعَ الْعِلْمُ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ؛

بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.<sup>۱</sup>  
دانشی که تنها لقلقه زبان باشد و در عمل و رفتار به ثمر ننشیند. به جز خُسران و زیان چیزی را با خود ندارد؛ و در مقابل دانشی که با عمل همراه شود. مایه‌ی خوشبختی و کامروایی انسان می‌شود.

### نگو ولی عمل کن

قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: اعْقِلُوا الْخَبَرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلٌ رِعَايَةٌ<sup>۲</sup> لَا عَقْلٌ رِوَايَةٌ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَايَتُهُ قَلِيلٌ؛

چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید و عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا روایان علم فراوان و عمل‌کنندگان آن اندک‌اند.<sup>۳</sup>

۱. ح ۹۲.

۲. به معنای مراقبت و رصد کردن ستارگان است و سپس به معنای مراقبت از چیزی گفته می‌شود.

۳. ح ۹۸.

تنها نقل کردن و شنیدن مهم نیست و گلی را به گلستان تبدیل نمی‌کند. بلکه فهمیدن و عمل کردن است که گلستان زندگی را باطراوات و شاداب می‌کند.

### مناجاتی زیبا در ستایش دیگران

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَدَحَهُ قَوْمٌ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ؛

(گروهی در برابر امام عليه السلام او را مدح کردند) امام علی عليه السلام فرمود: بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم، خدایا مرا از آنچه آن‌ها گمان می‌کنند، نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی‌دانند بر ما ببخشا.<sup>۱</sup> مدح و ثنا کردن بیش‌از اندازه آدمی را از شناختن عیب‌ها و کاستی‌ها بازمی‌دارد و حتی ممکن است منجر به غرور و خودبزرگ‌بینی شود. بهترین راه این است که در مقابل مدح و ستایش دیگران، خود را نبازیم و به آن ستایش‌ها دل نبندیم و دلگرم نشویم. بلکه مراقب اعمال و گفتار خویش نزد وجدان خود و خداوند باشیم چراکه پاداش نهایی از اوست.

### سه شرط خدمت به مردم

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَسْتَقِيمُ قِضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَغْضَمَ<sup>۲</sup> وَ بِاسْتِكْنَامِهَا لِتُطَهَّرَ وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتَهْتَنُ؛

۱. ح ۱۰۰.

۲. «لام» در این سه واژه «لام» عاقبت است نه «لام» علت؛ یعنی این سه کار، سه نتیجه را در پی دارد. پیام امام امیرالمؤمنین عليه السلام، ج ۱۲، ص ۵۹۴.

برآوردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز، کوچک شمردن آن تا خود بزرگ نماید، پنهان داشتن آن تا خود آشکار شود و شتاب در برآوردن آن تا گوارا باشد.<sup>۱</sup>

کوچک، پنهان، شتاب، سه معیار کار نیک و خیر است. با این کار بزرگی و جوانمردی خویش را حفظ کرده و نیز آبروی شخص تقاضا کنند حفظ می‌شود و کار نیک از خطرات ریا دور می‌ماند و نیز شیرینی آن در سرعت انجام آن است. هر چند حکمت و لطف خداوند کریم آن کار نیک را یک روزی یک جایی بزرگ و آشکار و شیرین می‌کند.

### دانشمند و جهل‌گشوده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: رُبَّ عَالِمٍ قَدْ قَتَلَهُ جَهْلُهُ وَ عِلْمُهُ مَعَهُ [لَمْ يَنْفَعَهُ] لَا يَنْفَعُهُ؛

چه بسا دانشمندی که جهلش او را از پای درآورد و دانش او همراهش باشد اما

سودی به حال او نداشته باشد.<sup>۲</sup>

علم اگر با عمل همراه نشود همچون جهل است؛ مانند کسی که دانش پزشکی و علوم تغذیه را آموخته است ولی به آن عمل نکرده در نتیجه دچار بیماری و آسیب می‌شود و یا منظور از جهل، صفات جاهلانهای مانند غرور، عُجب، خودپسندی، ریاکاری، باشد؛ مانند اینکه اهل دانش و خرد است ولی خودپسندی و تکبر او مانع از بهره‌مندی صحیح از علمش می‌شود.

۱. ح ۱۰۱.

۲. ح ۱۰۷.

## شگفتی‌های روح آدمی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَقَدْ عَلِقَ بِنِيَابِ<sup>۱</sup> هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ [هُوَ] ذَلِكَ الْقَلْبُ وَ ذَلِكَ أَنَّ لَهُ مَوَادَّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَضْدَاداً مِنْ خِلَافِهَا فَإِنْ سَنَحَ<sup>۲</sup> لَهُ الرَّجَاءُ أَذْلَهُ الطَّمَعُ وَ أَنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ وَ إِنْ عَرَضَ لَهُ الْعَصَبُ اشْتَدَّ بِهِ الْعَيْظُ وَ إِنْ أَسْعَدَهُ [الرِّضَا] الرِّضَى نَسِيَ التَّحَفُّظَ وَ إِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ وَ إِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْرُ اسْتَلَبَتْهُ الْغِرَّةُ وَ [إِنْ صَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَهُ الْجَزَعُ وَ إِنْ أَفَادَ مَالاً أَطْعَاهُ الْغِنَى] إِنْ أَفَادَ مَالاً أَطْعَاهُ الْغِنَى وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَهُ الْجَزَعُ وَ إِنْ عَصَّتْهُ<sup>۳</sup> الْأَفَاقَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ وَ إِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ [قَعَدَتْ بِهِ الصَّعَةُ] قَعَدَ بِهِ الصَّعْفُ وَ إِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشَّبَعُ كَطَّلَتْهُ<sup>۴</sup> الْبِطْنَةُ فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ؛

به رگ‌های درونی انسان پاره گوشتی آویخته که شگرف‌ترین اعضای درونی اوست و آن قلب است، که چیزهایی از حکمت و چیزهایی متفاوت با آن، در او وجود دارد.

پس اگر در دل امیدی پدید آید، طمع آن را خوار گرداند و اگر طمع بر آن هجوم آورد حرص آن را تباه سازد و اگر نومیدی بر آن چیره شود، تأسّف خوردن آن را از پای درآورد،

۱. قلب یا رگی که قلب به وسیله آن آویزان است.

۲. عارض شدن.

۳. گاز گرفتن، گزیدن.

۴. به زحمت افکندن.

اگر خشمناک شود کینه‌توزی آن فزونی یابد و آرام نگیرد، اگر به خشنودی دست یابد، خویشتن‌داری را از یاد برد، و اگر ترس آن را فراگیرد پرهیز کردن آن را مشغول سازد؛ و اگر به گشایشی برسد، دچار غفلت زدگی شود و اگر مالی به دست آورد، بی‌نیازی آن را به سرکشی کشاند و اگر مصیبت ناگواری به آن رسد، بی‌صبری رسوایش کند، و اگر به تهیدستی مبتلا گردد، بلاها او را مشغول سازد و اگر گرسنگی بی‌تابش کند، ناتوانی آن را از پای درآورد و اگر زیادی سیر شود، سیری آن را زیان رساند، پس هرگونه کندروی برای آن زیان‌بار و هرگونه تندروی برای آن فساد آفرین است.<sup>۱</sup> «قلب» در قرآن کریم: به معانی متفاوتی آمده است از جمله آن به معنی: عقل، روح و مرکز عواطف است؛ و قلب مرکز ادراکات و عواطف است؛ و دنیایی از شگفتی‌های جسمی و روحی را به خود اختصاص داده که برای توضیح آن نیازمند کتابی مستقل است که از عهده این مختصر جزوه خارج است.

### تنبلی و غصه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ؛

آن کس که در عمل کوتاهی کند، دچار اندوه گردد<sup>۲</sup>

۱. ج ۱۰۸.

۲. ج ۱۲۷.

وظیفه را به خوبی انجام ندادن و کوتاهی و سهل انگاری در آن، سبب اندوه و غصه جبران ناپذیر می‌شود. چراکه وقت آن عمل گذشته و زمان نیز غیر قابل برگشت است.

### دوست، دوست نیست مگر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يُحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ<sup>۱</sup> وَ غَيْبَتِهِ وَ وَفَاتِهِ؛

دوست، دوست نیست مگر آنکه حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد: در روزگار گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد و پس از مرگ.<sup>۲</sup> دوستان واقعی کسانی هستند که در هنگام نیاز، شما را بی‌نیاز کنند؛ و در پشت سر همچنان دوست و یاور حقیقی شما باقی بمانند و هنگام از دست دادن دوست نیز به یاد او هستند و مشکلات خانواده یا فرزندان او را برطرف می‌کنند.

### درمان فقر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا عَالَ<sup>۳</sup> مَنِ اقْتَصَدَ<sup>۴</sup>؛

آنکه میانه‌روی کند تهیدست نخواهد شد.<sup>۵</sup>

۱. انحراف از مسیر. هنگامی که مشکلات دنیایی و بلا به انسان رومی آورند از روی کنایه به «نکبت» بلا و مصیبت گویند.

۲. ح ۱۳۴.

۳. ممکن است به معنی فقر (عَيْلٌ) باشد یا به معنی زیادی عیال (عَوَّلَ).

۴. میانه‌روی در هر کاری.

۵. ح ۱۴۰.



کسی که پا از گلیم خویش فراتر ننهد همواره در عزت و سرفرازی زندگی می‌کند و دست جلوی اهل و نااهل دراز نمی‌کند.

### غم‌ها و پیری زودرس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: اللَّهُمَّ نِصْفُ الْهَرَمِ؛

اندوه خوردن، نیمی از پیری است.<sup>۱</sup>

غم و غصه، آدمی را پیر و افتاده می‌کند؛ و هم در جسم و هم در روح او تأثیر بسزایی دارد.

### اقسام مردم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ ﷺ لِكُمَيْلِ بْنِ زِيَادٍ النَّخَعِيِّ قَالَ كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبَّانِ<sup>۲</sup> فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ<sup>۳</sup> ثُمَّ قَالَ يَا كُمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ<sup>۴</sup> فَخَبِرْهَا أَوْعَاهَا فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ النَّاسُ ثَلَاثَةٌ فَعَالِمٌ زَبَانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ<sup>۵</sup> رِزَاعٌ<sup>۶</sup> أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ<sup>۷</sup> يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجِئُوا إِلَى

۱. ح ۱۴۳.

۲. صحرا، قبرستان.

۳. تنفسی طولانی ناشی از درد و رنج.

۴. ظرف.

۵. مگس کوچک، اشاره به حقارت و بی‌ارزشی.

۶. افراد بی‌سروپا و اوباش.

۷. صدایی که چوپان برای راندن و نهب زدن گوسفندان سر می‌دهد. یا صدای کلاغ.

رُكُنٍ وَثِيقٍ يَا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ وَ الْمَالَ  
تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ وَ الْعِلْمُ يَزْكُوا<sup>۱</sup> عَلَى الْإِنْفَاقِ وَ صَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِرِوَالِهِ يَا كَمِيلُ [كَمِيلُ  
بِنَ زِيَادٍ] هَلَكَ حُرَّانُ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ أَعْيَانُهُمْ  
مَفْقُودَةٌ وَ أَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ؛

(کمیل بن زیاد می‌گوید: امام دست مرا گرفت و به‌سوی قبرستان کوفه برد،  
آنگاه آه پُرِ دردی کشید و فرمود)

ای کمیل بن زیاد! این قلب‌ها بسان ظرف‌هایی هستند، که بهترین آن‌ها،  
فراگیرترین آن‌هاست، پس آنچه را می‌گوییم نگاه‌دار:

مردم سه دسته‌اند، دانشمند الهی و آموزنده‌ای بر راه رستگاری و پشه‌های  
دست‌خوش باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سروصدایی می‌روند  
و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند، نه از روشنایی دانش نور گرفتند و نه به پناهگاه  
استواری پناه گرفتند.

ای کمیل: دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است و مال را تو باید  
نگهبان باشی؛ مال با بخشش کاستی پذیرد اما علم با بخشش فزونی گیرد و مقام  
و شخصیتی که با مال به‌دست آمده با نابودی مال، نابود می‌گردد.

ای کمیل! ثروت اندوزان بی‌تقوا مرده گرچه به‌ظاهر زنده‌اند، اما دانشمندان  
تا دنیا برقرار است زنده‌اند، بدن‌هایشان گرچه در زمین پنهان اما یاد آنان در دل‌ها  
همیشه زنده است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>. رشد و نمو.

<sup>۲</sup>. ح ۱۴۷.

انسان به‌ناچار یا باید جز دسته دانشمندان یا دانشجویان و یا اصحاب باد باشد (که هر روز رنگی به خودشان می‌گیرند.) انتخاب با خود انسان است؛ و چه بسیار دانشمندانی که سالیان سال از دنیا رفته‌اند ولیکن هنوز یاد و خاطر آن‌ها در کتاب‌ها و در افکار مردم زنده و جاری است.

### رفتارشناسی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ؛

انسان زیر زبان خود پنهان است<sup>۱</sup>

تا مرد سخن نگفته باشد \*\*\* عیب و هنرش نهفته باشد

ارزش و شخصیت انسان زمانی مشخص می‌شود که لب به سخن بگشاید و هنگام سخن گفتن است که افکار پنهان و درونی خویش را بر زبان جاری می‌کند. چه‌بسا افرادی ظاهری خشن و خشک داشته باشند اما هنگام صحبت قلبی مهربان و نرم دارند و برعکس.

ارزش و شناخت انسان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: هَلَكَ امْرُؤٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ؛

نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست.<sup>۲</sup>

انسان به لطف و حکمت الهی دنیای از شگفتی‌ها و قدرت‌هاست ولی اگر کسی خود را نشناخت و اسرار درونش را بیدار نکرد ضرر کرده است. همچنین

۱. ح ۱۴۸.

۲. ح ۱۴۹.

انسان باید قدر و ارزش خود را بداند و در حد و شأن خودش کاری را انجام دهد یا صحبت کند.

### آینده‌نگری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِكُلِّ امْرِئٍ عَاقِبَةٌ خُلُوهَ أَوْ مَرَّةً؛

هر کس را پایانی است، تلخ یا شیرین.<sup>۱</sup>

آدمی زاد باید به عاقبت کار خویش بیندیشد و مراقب آن باشد. چراکه انسان در حال تغییر و دگرگونی است و آنچه مهم است عاقبت‌به‌خیری است. چه بسیار افرادی که در آغاز و در طول مسیر بر جاده صدق و صداقت و درستی بودند و لکن در باقیمانده عمر برگ دفتر زندگی خویش را سیاه کردند. خداوند! به همه ما حُسن عاقبت لطف بفرما.

### بازمی‌گردد ولی گویا نبوده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِكُلِّ مُقْبِلٍ إِدْبَارٌ وَ مَا أَدْبَرَ [فَكَأَنُّ] كَأَنَّ لَمْ يَكُنْ؛

آنچه روی می‌آورد، بازمی‌گردد و چیزی که بازگردد گویی هرگز نبوده است!<sup>۲</sup> نعمت‌ها و خوشی‌ها و بلاها و مشکلات خواه‌ناخواه روزگاری به انسان رو می‌آورند و روزی دیگر از بین می‌روند؛ و زمانی که می‌روند گویا اصلاً نه نعمتی بوده و نه درد و مشکلی؛ مانند، تندرستی، بیماری، شادابی و غمگینی.

۱. ح ۱۵۱.

۲. ح ۱۵۲.

## روش برخورد با دوستان بد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: غَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَازْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛

برادرت را با احسانی که در حق او می‌کنی سرزنش کن و شر او را با بخشش بازگردان.<sup>۱</sup>

«جواب سنگ کلوخ نیست». اگر دوستی در حق ما ناجوانمردی کرد بهترین پاسخ او نیکی است تا شرم و حیا کند و نیز منجر به اصلاح و تلنگر او شود.

## پرهیز از مواضع اتهام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ؛

کسی که خود را در جایگاه تهمت قرار داد، نباید جز خود را نکوهش کند!<sup>۲</sup>  
اگر کسی که در مکان‌هایی که محل تهمت و افترا است رفت‌وآمد کند نباید دیگران را سرزنش کند چراکه به خاطر رفت‌وآمد به آن مکان‌ها به او سوءظن پیدا می‌کنند.

سعدی چنین گوید: هر که با بدان نشیند اگر طبیعت ایشان در او اثر نکند به طریقت ایشان متهم گردد و اگر به خراباتی رود به نماز کردن، منسوب شود به خمر خوردن.

۱. ح ۱۵۸.

۲. ح ۱۵۹.

## ارزش مشورت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا؛

هر کس خودرأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد.<sup>۱</sup>

هر کس تنها به نظر و رای خویش اکتفا کرد و از تجربیات دیگران استفاده و بهره نبرد، به‌هر حال روزی زمین‌گیر می‌شود و کمتر به موفقیت و پیروزی می‌رسد. انسان دانا از تجربیات و خُبرگی دیگران استفاده می‌کند تا راه را از چاه تشخیص دهد و به آسیب‌ها و ناکامی‌ها دیگران گرفتار نشود.

## رازداری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ [فِي يَدِهِ] بِيَدِهِ؛

آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.<sup>۲</sup>

فوائد حفظ اسرار و راز:

۱. عدم توانایی طرف مقابل بر تحمل آن: مانند داستان خضر و موسی در قرآن کریم که خضر به موسی گفت: تو توانایی تحمل بعضی از کارهای مرا نداری.
۲. گاه پنهان بودن راز به نفع مردم است: مانند پنهان بودن شب قدر که مردم در شب‌های مختلف به امید درک شب قدر به در خانه خدا بروند.

۱. ح ۱۶۱.

۲. ح ۱۶۲.

۳. گاه افشا شدن سرّ سبب سوءاستفاده دشمن می‌گردد: مانند پنهان بودن زمان حرکت لشگر اسلام برای فتح مکه.
۴. گاه افشای سرّ سبب برانگیختن شدن حسادت‌ها می‌گردد: کما اینکه بسیاری از کینه‌ها و دشمنی‌ها و قتل‌ها به خاطر حسادت بوده است.
۵. گاه افشای سرّ سبب توقعات و درخواست‌های بی‌جا و نادرست می‌شود؛ مانند اینکه فرد امکانات خاصی داشته باشد.
۶. گاه افشای سرّ مانع از کار خیر و مثبت می‌شود. چراکه برخی افراد کارشکنی می‌کنند تا آن کار انجام نگیرد.
۷. گاه افشای سرّ سبب ریختن آبروی شخصی می‌گردد؛ و یا سبب شماتت و سرزنش و شادی دشمن می‌شود.
۸. گاه افشای سرّ مقدمات ریاکاری را فراهم می‌کند.
۹. گاه افشای سرّ باعث وحشت و ترس افراد کم‌ظرفیت و ضعیف می‌شود؛ مانند پنهان کردن بیماری لاعلاج از بیماری که روحیه ضعیف دارد.<sup>۱</sup>

### مشورت و افکار گوناگون

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛

آن کس که از افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.<sup>۲</sup>

۱. پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱۳، ص ۲۲۶.

۲. ح ۱۷۳.

شایسته است برای رسیدن به نظر و رای صحیح، تمام افکار و نظرات (دوست و دشمن) را دید.

### راه درمان ترس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا هَبَّتْ أَمْرًا فَفَقَعَ فِيهِ فَإِنَّ شِدَّةَ تَوْقِيهِ أَغْظَمُ مِمَّا تَخَافُ مِنْهُ؛

هنگامی که از چیزی می‌ترسی، خود را در آن بیفکن، زیرا گاهی ترسیدن از چیزی، از خود آن سخت‌تر است.<sup>۱</sup>

چه بسیار افرادی که در اثر ترس و اضطراب از دنیا رفته‌اند و یا بسیاری از موفقیت‌ها را از دست داده‌اند. تنها راه حل درمان ترس درگیر شدن و دست‌وپنجه نرم کردن با مشکل است. کسی که از ارتفاع یا از رانندگی در مکان‌ها شلوغ یا از شنا کردن می‌ترسد کافی است چند بار از ارتفاع بالا رود، یا رانندگی و یا شنا کند آن‌وقت ترسش از بین می‌رود.

### ابزار ریاست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: آلهُ الرِّيَاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ؛

بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است.<sup>۲</sup>

مدیر و رئیس به دلیل اینکه تمام مسئولیت‌ها به عهده او است و مرجع اصلی و تصمیم‌گیری مدیر است. طبعاً مشکلات زیادی را باید از سوی زیردستان و ...

۱. ح ۱۷۵.

۲. ح ۱۷۶.



تحمل و حل و فصل کند. از این رو بهترین وسیله و کمک کار برای این کار صبر و حوصله فراوان است.

روش برخورد با بدان

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اِزْجُرِ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ؛

بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار آزار ده!<sup>۱</sup>

روش‌های تنبیه گناه‌گار بسته به شرایط مختلف است. از جمله آن‌ها تشویق نیکوکار است تا انگیزه‌ای برای گناهکار شود و به امید گرفتن پاداش سعی و تلاش مثبت کند.

### روش نابود کردن بدی‌ها

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اُحْصِدِ الشَّرَّ مِنْ صَدْرٍ غَيْرِكَ بِقَلْعِهِ مِنْ صَدْرِكَ؛

بدی را از سینه دیگران، با کندن آن از سینه خود، ریشه کن نما!<sup>۲</sup>

اگر خواهان این هستیم که دیگران نسبت به ما کینه، دشمنی، سوءظن... نداشته باشند. باید خودمان را از هرگونه کینه و بدی... نسبت به او دور بداریم. به قول معروف «دل به دل راه دارد»؛ و نیز اگر می‌خواهیم دیگران را پند و اندرز دهیم اول خودمان را اصلاح و تربیت کنم سپس به موعظه دیگران بپردازیم.

۱. ح ۱۷۷.

۲. ح ۱۷۸.

## لجاجت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: اللَّجَاجَةُ تَسُلُّ<sup>۱</sup> الرَّأْيَ؛

لجاجت تدبیر را سست می‌کند.<sup>۲</sup>

یک‌دنده و لجباز بودن. فکر و رای آدمی را بی‌ارزش و نابود می‌کند. نباید خودمان را عقل کُل و همه‌چیزدان بدانیم. تنها ما نیستیم که فکر صحیح به ذهنمان می‌رسد شاید در نزدیکی ما نیز تفکری صحیح‌تر باشد که نباید با لجبازی آن را از دست داد؛ و چه بسا لجاجت باعث کدورت و دشمنی و تنهایی... می‌شود.

## طمع‌ورزی و بردگی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الطَّمَعُ رِقٌّ مُؤَبَّدٌ؛

طمع‌ورزی، بردگی همیشگی است.<sup>۳</sup>

فرد حریص و طمع‌کار دست به هر کاری می‌زند و عزت و شخصیت خویش را لک‌دار می‌کند تا شاید لقمه‌ای بیشتر به دست آورد. این‌گونه افراد همواره نگاهشان به دستان دیگران دوخته است تا شاید چیزی از آن‌ها به او برسد.

## نتیجه کوتاهی و دوراندیشی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ؛

۱. به معنای بیرون کشیدن شمشیر از غلاف با نرمش و یا خارج کردن هر چیزی به مدارا و نرمی است؛ و گاهی نیز به معنی نابودن کردن است.

۲. ح ۱۷۹.

۳. ح ۱۸۰.

حاصل کوتاهی، پشیمانی و حاصل دوراندیشی، سلامت است.<sup>۱</sup> اگر در کارها و تصمیم‌ها کوتاهی و سهل‌انگاری کردیم اولین ثمره آن پشیمانی و حسرت است؛ و اگر در کارها و تصمیم‌ها به سرانجام و پایان کار اندیشیدم از آسیب‌های احتمالی آن در امان خواهیم بود. خواه کوتاهی و دوراندیشی در امور دنیایی باشد یا آخرتی.

### جایگاه سخن و سکوت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ؛ خاموش ماندن از گفتار حکمت‌آمیز فایده‌ای ندارد همان‌گونه که سخن گفتن نابخردانه.<sup>۲</sup>

سکوت و سخن گفتن باید در حد میانه باشد. نه افراط و نه تفریط. هرکجا که نیاز به سخن است سخن راند و هر جا که نیاز به سکوت است خاموش ماند.

### انباردار دیگران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا ابْنَ آدَمَ، مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوتِكَ، فَأَنْتَ فِيهِ حَازِنٌ لِعَيْرِكَ؛ ای فرزند آدم هر چه بیش از مقدار خوراک خود به دست آوری (و آن را ذخیره کنی) خزانهدار دیگران در آن خواهی بود.<sup>۳</sup>

۱. ح ۱۸۱.

۲. ح ۱۸۲.

۳. ح ۱۹۲.

برخی افراد مسیر و هدف زندگی را گم می‌کنند به‌جای استفاده صحیح و درست از ثروت آن را ذخیره می‌کنند. آن‌هم برای وارثی که نه فاتحه‌ای می‌خواند و نه یادی از آن میت بخت‌برگشته. خوشا به حال آن وارث و بدبخت و سیاه‌بخت آن کس که جمع کرد و نخورد.

### راه به کار گرفتن قلب

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَ إِقْبَالَ وَ إِدْبَاراً فَأَتُوها مِنْ قِبَلِ شَهْوَتِها وَ إِقْبَالِها فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أُكْرِهَ عَمِيَ؛

برای دل‌های (آدمیان) علاقه و اقبال و (گاه) تنفر و ادبار است. هنگامی که می‌خواهید کاری انجام دهید از سوی علاقه و اشتیاق وارد شوید؛ زیرا اگر قلب را مجبور به کاری کنند نابینا می‌شود.<sup>۱</sup>

نیکوست هر کاری را بانشاط و شادابی انجام گیرد. چراکه قلب و روح همانند تن و جسم گاهی خسته و گاهی پرنشاط است؛ و اگر کاری را به‌اجبار به روح و روان و حتی جسم واگذاریم نه‌تنها آن کار به‌خوبی انجام نمی‌شود بلکه باعث آسیب‌های تازه‌ای می‌شود.

### عبرت‌آموزی از اتلاف اموال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَمْ يَدْهَبْ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَطَّكَ؛

۱. ح ۱۹۳.

آنچه از مال تو از دستت می‌رود و مایه پند و عبرتت می‌گردد در حقیقت از دست نرفته است.<sup>۱</sup>

گاهی مالی که به ظاهر از دست می‌رود پندی و اندرزی به انسان می‌دهد؛ و همین سبب تجربه برای کارهای بعدی است؛ مانند اینکه بدون اعتماد به کسی پول بدهیم یا بدون مشورت پولی را در معامله‌ای از دست بدهیم. در حقیقت با از دست دادن مال تجربه‌ای را خریده‌ایم.

### اهمیت تلقین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ؛

اگر بردبار نیستی، خود را به بردباری وادار کن، زیرا کمتر شده است کسی خود را شبیه مردمی کند و سرانجام از آنان نشود<sup>۲</sup>

یکی از راه‌های به دست آوردن صفات نیک و رسیدن به موفقیت تلقین است. اگر اهل بخشش، سخاوت، صبر و... نیستیم. حداقل می‌توانیم خودمان را صابر، بخشنده، بردبار نشان دهیم. آرام‌آرام مقدمات صفات نیک در درون آدمی شکل می‌گیرد.

۱. ح ۱۹۶.

۲. ح ۲۰۷.

## ارزش‌های اخلاقی

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ وَالْجَلْمُ فِدَامٌ<sup>۱</sup> السَّفِيهِ وَالْعَفْوُ زَكَاةُ الظَّفَرِ وَالسَّلْوُ<sup>۲</sup> عَوْضُكَ مِمَّنْ عَدَرَ وَالْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهَدَايَةِ وَقَدْ خَاطَرَ مَنِ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ وَالصَّبْرُ يَنْاضِلُ الْحَدَثَانَ<sup>۳</sup> وَالْجَزَعُ مِنْ أَعْوَانِ الزَّمَانِ وَأَشْرَفُ الْعِنَى تَرْكُ الْمُنَى وَكَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ [عِنْدَ] هَوَى أَمِيرٍ وَمِنَ التَّوْفِيقِ<sup>۴</sup> حِفْظُ التَّجْرِبَةِ وَالْمَوَدَّةُ قَرَابَةٌ مُسْتَفَادَةٌ وَلَا تَأْمَنَنَّ مَلُولًا؛

بخشنندگی، نگاه‌دارنده آبروست و شکیبایی، دهان‌بند بی‌خردان و عفو، زکات پیروزی و دوری کردن، کیفر خیانت‌کار و مشورت، چشم‌هدایت است.

و آن‌کس که با رأی خود احساس بی‌نیازی کند به کام خطرها افتد، شکیبایی با مصیبت‌های شب و روز پیکار کند و بی‌تابی، زمان را در نابودی انسان یاری دهد و برترین بی‌نیازی ترک آرزوهاست و چه بسا عقل که اسیر فرمانروایی هوس است، حفظ و به‌کارگیری تجربه رمز پیروزی است و دوستی نوعی خویشاوندی اکتسابی است و به آن‌کس که به ستوه آمده و توان تحمل ندارد اعتماد نکن.<sup>۵</sup>

به‌راستی اگر انسان از میان تمام کلمات امام علیه السلام همین مجموعه فشرده‌ی حکیمانه پرمعنا را برنامه زندگی خود قرار دهد، هم در برنامه‌های مادی زندگی پیروز می‌شود و هم در جنبه‌های معنوی آن، هم می‌تواند فرد را اصلاح کند و هم

۱. دهان‌بند، گاهی به معنی پارچه‌ای که مایعی را با آن صاف می‌کنند.

۲. به معنای فراموش کردن و غافل شدن و تسلی خاطر پیدا کردن.

۳. حوادث ناراحت‌کننده و ناگوار.

۴. موفقیت در کارها و آماده شدن وسائل اعم از معنوی و مادی است.

۵. ح ۲۱۱.

جامعه را؛ ولی افسوس که همچون «برقی خاطفی»<sup>۱</sup> این کلمات نورانی در نظر ما آشکار می‌شود و چیزی نمی‌گذرد که آن را به فراموشی می‌سپاریم و همان مسیر زندگی آمیخته با اشتباهات را ادامه می‌دهیم.<sup>۲</sup>

### خودپسندی آفت عقل

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَجِبُ الْمَرْءَ بِنَفْسِهِ أَحَدٌ حَسَادٍ عَقْلِهِ؛

خودپسندی یکی از حسودان عقل است.<sup>۳</sup>

حسود به نعمت‌های انسان حسد می‌ورزد و زوال و نابودی آن را آرزو دارد. خودپسندی نیز مانع رشد و شکوفایی عقل و نیز دشمن عقل است.

### راه آرامش

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْضِ عَ عَلَى الْقُدَى ۵ وَ الْأَلَمِ تَرَضَّ أَبَدًا؛

چشم از سختی خوار و خاشاک و رنج‌ها فروبند تا همواره خشنود باشی.<sup>۶</sup> در برخی نسخ به جای «الم؛ درد و رنج» «و إلام؛ وگرنه هرگز» آمده است که مناسب‌تر به نظر می‌رسد؛ و معنا چنین می‌شود: چشم خود را بر خاشاک فروبند وگرنه هرگز رضایت خاطر پیدا نخواهی کرد.

۱. زود گذر.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱۳، ص ۶۳۲.

۳. ح ۲۱۲.

۴. نزدیک کردن پلک‌های چشم به یکدیگر است بی‌آنکه کاملاً آن را ببندیم.

۵. خاشاک و اشیای ریز است که در چشم می‌افتد. «الم» به معنی درد و رنج و است.

۶. ح ۲۱۳.

زندگی پر از فراز و نشیب است؛ و از راه‌های کسب آرمش و آسایش نادیده گرفتن برخی از مسائل (تغافل) و صبر و شکیبایی در مسائل دنیا است

### نرم‌خوبی و هواداران

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ لَانَ عَوْدُهُ<sup>۱</sup> كُنْفَتْ<sup>۲</sup> أَعْصَانُهُ<sup>۳</sup>؛

کسی که درخت شخصیت او نرم و بی‌عیب باشد، شاخ و برگش فراوان است.<sup>۴</sup> شاخه درخت اگر خشک باشد بی‌ثمر است ولی اگر تازه و نرم باشد میوه، برگ و شکوفه می‌دهد. همین‌گونه شخصی که اهل مدارا و نرمی و محبت است. برکات عمرش زیاد و نیز دوستداران او فراوان می‌شوند.

### دگرگونی روزگار و شناخت انسان‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرِ<sup>۵</sup> الرِّجَالِ؛

در دگرگونی روزگار، گوهر شخصیت مردان شناخته می‌شود.<sup>۶</sup> معمولاً فقر و ثروت باطن انسان را آشکار می‌کند. چه بسا کسانی ظاهری آرام و بخشنده و مظلوم داشته‌اند ولیکن همین‌که به نوایی و پست و مقامی رسیدند باطن حقیقی خود را آشکار کردند طمع‌کار، بخیل، ظالم شدند. و این دگرگونی

۱. چوب؛ خواه از درخت جدا شده باشد یا جز درخت باشد. در اینجا به معنی ساقه‌ی درخت است.

۲. به معنی زیادی، فزونی.

۳. شاخه درخت.

۴. ح ۲۱۴.

۵. ذات و طبیعت هر چیزی.

۶. ح ۲۱۷.



روزگار در همه ی حالات انسان و در موقعیت های مختلف ( مصیبت، بلا، خوشی... ) رخ می دهد.

### هفت اثر ارزش اخلاقی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بِكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ وَبِالنَّصْفَةِ<sup>۱</sup> يَكْتَثُرُ الْمُوَأْصِلُونَ وَبِالْإِفْضَالِ<sup>۲</sup> تَعْظُمُ الْأَقْدَارُ وَبِالتَّوَّاضِعِ تَتِمُّ النُّعْمَةُ وَبِاخْتِمَالِ الْمُؤْنِ يَجِبُ السُّؤْدُودُ وَبِالسَّيْرِ الْعَادِلَةِ يُقَهَّرُ الْمُنَاوِي<sup>۳</sup> وَبِالْحِلْمِ عَنِ السَّفِيهِ تَكْتَثُرُ الْأَنْصَارُ عَلَيْهِ؛

با سکوت بسیار، وقار انسان بیشتر شود و با انصاف بودن، دوستان را فراوان کند و با بخشش، قدر و منزلت انسان بالا رود و با فروتنی، نعمت کامل شود و با پرداخت هزینه‌ها، بزرگی و سروری ثابت گردد و روش عادلانه، مخالفان را درهم شکند و با شکیبایی در برابر بی‌خرد، یاران انسان زیاد گردند.<sup>۴</sup>

تأثیرات مثبت هر صفت اخلاقی در رفتار و گفتار فرد عمل‌کننده ظاهر می‌شود.

### حسادت و بیماری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعَجَبُ لِعَفْلَةِ الْحُسَادِ عَنِ سَلَامَةِ الْأَجْسَادِ؛  
شگفتا که حسودان از سلامتی خود غافل مانده‌اند!<sup>۵</sup>

۱. انصاف. «مواصلون، اینجا به معنی دوست است».

۲. هر کمکی که درد و اندوه را کم کند و بار سنگین را از دوش مردم بردارد.

۳. دشمنی.

۴. ح ۲۲۴.

۵. ح ۲۲۵.

حسادت بیماری روحی است که به جسم و روح آسیب می‌رساند. افسرده و خودخور می‌شود که چرا فلانی دارد من ندارم. حتی گاهی شدت حسادت این قدر زیاد است که منجر به مرگ و دق مرگ شدن شخص می‌شود؛ و از آنجایی که رابطه بین روح و جسم بسیار نزدیک است شخص دچار بیماری‌های جسمی نیز می‌شود.

### پاداش انفاق

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةَ يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ؛

آن کس که با دست کوتاه ببخشد، از دستی بلند پاداش گیرد.<sup>۱</sup>

می‌گوییم: (سید رضی) معنی سخن این است که آنچه انسان از اموال خود در راه خیر و نیکی انفاق می‌کند، هر چند کم باشد، خداوند پاداش او را بسیار می‌دهد و منظور از «دودست» در اینجا دو نعمت است، که امام علیکرم الله تعالی بین نعمت پروردگار و نعمت از ناحیه انسان را با کوتاهی و بلندی فرق گذاشته است که نعمت و بخشش از ناحیه بنده را کوتاه و از ناحیه خداوند را بلند قرار داده است، بدان جهت که نعمت خدا همیشگی و چند برابر نعمت مخلوق است، چراکه نعمت خداوند اصل و اساس تمام نعمت‌ها است، بنابراین تمام نعمت‌ها به نعمت‌های خدا بازمی‌گردد و از آن سرچشمه می‌گیرد.<sup>۲</sup>

۱. ح ۲۳۲.

۲. ذیل حدیث ۲۳۲.

## تفاوت اخلاقی مردان و زنان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خِيَارُ خِصَالِ النِّسَاءِ شِرَارُ خِصَالِ الرِّجَالِ الرَّهْوُ<sup>۱</sup> وَ الْجُبْنُ وَ الْبُخْلُ فَإِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرْهُوَّةً لَمْ تُمْكِنْ مِنْ نَفْسِهَا وَإِذَا كَانَتْ بَخِيلَةً حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا وَإِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرِقَتْ<sup>۲</sup> مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا؛

برخی از نیکوترین خُلق و خُوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند، تکبر، ترس، بخل، هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.<sup>۴</sup>

روشن است که در همه‌جا نباید متکبر، ترسو و بخیل بود. منظور مواردی است که در صورت نداشتن این صفات به عفت و پاک‌دامنی یا امانت او لطمه و آسیب وارد می‌شود.

## هدیه سخاوت!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْكِرْمُ أَغْطِفُ<sup>۵</sup> مِنَ الرَّحِمِ؛

بخشش بیش از خویشاوندی محبت آورد.<sup>۶</sup>

۱. «خیار؛ بهترین»، «شرار؛ بدترین».

۲. تکبر.

۳. ترس.

۴. ح ۲۳۴.

۵. مایل‌تر و با محبت‌تر.

۶. ح ۲۴۷.

تأثیری که کرم دارد بیش از تأثیر خویشاوندی است، زیرا کرم جزء طبیعت شخص کریم است، از این رو بدون هیچ‌گونه تکلفی آن را اعمال می‌کند؛ ولی خویشاوندی گاه در حدی نیست که انسان را وادار به سخاوت و بخشش کند، بلکه ممکن است در بعضی از اوقات بر اثر ترس از سرزنش مردم یا سایر خویشاوندان باشد.

نیز سخاوت سبب توجه مردم به شخص کریم می‌شود و چه بسا او را حتی از برادر یا پدر و مادر خود بیشتر دوست می‌دارند به تعبیر دیگر آن رابطه عاطفی که از کرم سرچشمه می‌گیرد گاه قوی‌تر از روابط عاطفی‌ای است که از خویشاوندی ناشی می‌شود.<sup>۱</sup>

### تصدیق خوش‌بینی‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ ظَنَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدَّقْ ظَنَّهُ؛

کسی که به تو گمان نیک بُرد، خوش‌بینی او را تصدیق کن.<sup>۲</sup>  
 کسانی که گمان می‌کنند گره مشکلاتشان به دست ما باز می‌شوند بهتر است این گمانشان را تصدیق کنیم و در حل مشکل به آن‌ها کمک کنیم.

### خداشناسی در حوادث روزگار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ؛

<sup>۱</sup>. پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ ج ۱۴، ص ۵۵.

<sup>۲</sup>. ح ۲۴۸.

خدا را از سُست شدن اراده‌های قوی، گشوده شدن گره‌های دشوار و درهم‌شکسته شدن تصمیم‌ها، شناختم.<sup>۱</sup>  
 چه بسیار که تصمیم و اراده کاری را پیش گرفته‌ایم اما ناگهان آن تصمیم و اراده تغییر می‌کند و یا چه بسا مشکلاتی که آدمی ناامید می‌شود و لکن در اوج ناامیدی، گره از مشکل باز می‌شود.

### تندخویی و جنون

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْحِدَّةُ صَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ لِأَنَّ صَاحِبَهَا يَنْدَمُ فَإِنْ لَمْ يَنْدَمْ فَجُنُونُهُ مُسْتَحْكِمٌ؛

تندخویی بی‌مورد نوعی دیوانگی است، زیرا که تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است.<sup>۲</sup>  
 هر کس بر اساس موقعیتی که برایش پیش می‌آید ممکن است دچار خشم و تندخویی شود و آنچه مهم است بازگشت و پشیمان بودن است.

### گفتار حکیمان درمان یا درد؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً؛  
 گفتار حکیمان اگر درست باشد درمان و اگر نادرست، باشد، درد و بیماری است.<sup>۳</sup>

۱. ح ۲۵۰.

۲. ح ۲۵۵.

۳. ح ۲۶۵.

از آنجاکه مردم به حکیمان و اندیشمندان اعتماد و لطف دارند. از این رو به گفته آن‌ها عمل می‌کند لذا اگر اندیشمند سخن صحیحی بگوید باعث نجات و سعادت است و اگر ناصحیح بگوید منجر به رنج و گرفتاری می‌شود؛ و این هشدار است برای اندیشمندان که در گفتار و رفتار خویش دقت کنند.

### روش صحیح پاسخ دادن

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حِينَ سَأَلَهُ رَجُلٌ أَنْ يُعَرِّفَهُ الْإِيمَانَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ الْعَدُوُّ قَاتِنِي حَتَّى أُخْبِرَكَ عَلَى أَسْمَاعِ النَّاسِ فَإِنْ نَسِيتَ مَقَالَتِي حَفِظَهَا عَلَيْكَ غَيْرِكَ فَإِنَّ الْكَلَامَ كَالشَّارِدَةِ ۱ يَنْقُفُهَا ۲ [يَنْقُفُهَا] ۳ هَذَا وَيُحْطِئُهَا هَذَا؛

(شخصی از امام پرسید که ایمان را تعریف کن) حضرت فرمود: فردا نزد من بیا تا در جمع مردم پاسخ گویم، که اگر تو گفتارم را فراموش کنی دیگری آن را در خاطرش سپارد، زیرا گفتار چنان شکار رمنده است، یکی آن را به دست آورد و دیگری آن را از دست می‌دهد.<sup>۴</sup>

افراد در قدرت درک و فهم یکسان نیستند؛ و هر کس بر اساس قدرت ذهنی و تفکرش برداشتی دارد.

۱. حیوان یا انسان فراری. یا فرار همراه با اضطراب.

۲. شکاف و سوراخ کردن، یعنی کلام را بشکافند و معانی اصلی را دریابورند.

۳. یافتن، فهمیدن.

۴. ح ۲۶۶.

## اندوه روز نیامده!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَا ابْنَ آدَمَ لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي قَدْ أَتَاكَ فَإِنَّهُ إِنْ يَكُ [يَكُنْ] مِنْ عُمْرِكَ يَأْتِ اللَّهُ فِيهِ بِرِزْقِكَ؛

ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزای، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند.<sup>۱</sup>

حرص و طمع رزق و روزی را زیاد نمی‌کند بلکه بر اندوه و غم می‌افزاید.

## اعتدال در دوستی‌ها و دشمنی‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَحِبِّ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَ أَنْبِغِضَ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا؛

در دوستی با دوست مدارا کن، شاید روزی دشمن تو گردد و در دشمنی با دشمن نیز مدارا کن، زیرا شاید روزی دوست تو گردد.<sup>۲</sup>

حدومرز دوستی و دشمنی باید رعایت شود؛ و نباید همه رازها را به دوست گفت؛ و نباید در زمان دشمنی تمام پل‌های پشت سر را خراب کرد.

## اندک ولی پیوسته

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قَلِيلٌ تَدُومُ عَلَيْهِ أَزْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ؛

۱. ح ۲۶۷.

۲. «هونا؛ آرامش»؛ «ما؛ برای تقلیل است؛ یعنی کمی آرام‌تر».

۳. ح ۲۶۸.

کار اندکی که ادامه یابد، از کار بسیاری که از آن خسته شوی امیدوارکننده‌تر است.<sup>۱</sup>

رهرو آن نیست که گه تند گهی خسته رود \*\*\* رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

### دوستی با احمق هرگز!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ؛

با احمق معاشرت مکن، که کار زشت خود را زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد تو همانند او باشی.<sup>۲</sup>

انسان به دلیل نیازهای فراوانی که دارد نیاز به زندگی در اجتماع و دوستی با دیگران است؛ و اگر انسان دوست و هم‌نشین خوب و شایسته‌ای را انتخاب نکند، دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری می‌شود و برخی افراد نادان، کارهای ناپسند خویش را زیبا جلوه می‌دهند و می‌خواهند دیگران نیز این‌گونه شوند.

### آدم داغدار و مال غارت‌شده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الثُّكُلِ<sup>۳</sup> وَ لَا يَنَامُ عَلَى الْحَرَبِ<sup>۴</sup>؛

آدم داغدار می‌خوابد، اما مال غارت‌شده، نمی‌خوابد.<sup>۵</sup>

۱. ح ۲۷۸.

۲. ح ۲۹۳.

۳. مصیبت و ناراحتی به سبب از دست دادن عزیزان.

۴. غارت اموال.

۵. ح ۳۰۷.



انسان بر مرگ عزیزانش صبر می‌کند و اما بر اموالش که به سرقت برده شده نمی‌تواند صبر کند.

مرگ عزیزان یقین دارد که آن شخص باز نمی‌گردد و به همین دلیل به تدریج آرام می‌شود ولی مالش را به ناحق ببرند هر زمان در فکر است که از طریقی بتواند آن را بازگرداند به همین دلیل خواب و آرامش ندارد.<sup>۱</sup>

### روانشناسی عبادات

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ لِقُلُوبِ إِبْرَاءِلاً وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ فَافْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ؛

دل‌ها (ی انسان‌ها) گاه روی می‌آورد (و پرنشاط است) و گاه پشت می‌کند (و بی‌نشاط)، پس آنگاه که نشاط دارند آن را بر انجام مستحبات وادارید و آنگاه که پشت کرده بی‌نشاط است، به انجام واجبات قناعت کنید.<sup>۲</sup>

فکر و روح همانند جسم گاهی خسته و گاهی پرنشاط است؛ و برای به دست آوردن نتیجه مطلوب شایسته است هنگامی که روح انسان نشاط و طراوت دارد به عبادت‌های مستحبی بپردازد تا روحش رشد و ترقی کند.

### بی‌نیازی از عذرخواهی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِسْتِغْنَاءُ عَنِ الْعُذْرِ أَعَزُّ مِنَ الصَّدَقِ بِهِ؛

۱. پیام امام امیرالمؤمنین ﷺ، ج ۱۴، ص ۵۱۶.

۲. ح ۳۱۲.

بی‌نیازی از عذرخواهی، گرمی‌تر از عذر راستین است.<sup>۱</sup>  
 عذر صادق: گاه انسان در تنگنا قرار می‌گیرد و مرتکب خطایی می‌شود که بر اثر بی‌دقتی، غفلت... است که این عذر خواسته و عاقلانه است.  
 عذر کاذب: انسان بدون دلیل کار خلافی را مرتکب می‌شود مانند ظلم می‌کند غیبت می‌کند... که چنین عذری عزت و آبرویی ندارد.<sup>۲</sup>

### روانشناسی مؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنُ بِشَرِّهِ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَأَذَلُّ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَيَشْتَأُ السُّمْعَةَ طَوِيلٌ عَمُهُ بَعِيدٌ هَمُّهُ كَثِيرٌ صَمْتُهُ مَشْغُولٌ وَقَفْتُهُ شَكُورٌ صَبُورٌ مَغْمُورٌ<sup>۳</sup> بِفِكْرَتِهِ صَنِيعٌ<sup>۴</sup> بِحَلَّتِهِ<sup>۵</sup> سَهْلٌ الْحَلِيقَةَ<sup>۶</sup> لِيِنَّ الْعَرِيكََةَ نَفْسُهُ أَضَلُّ مِنَ الصَّلْدِ وَ هُوَ أَذَلُّ مِنَ الْعَبْدِ؛

(در توصیف مؤمن فرمود) شادی مؤمن در چهره او و اندوه وی در دلش پنهان است، سینه‌اش از هر چیزی فراخ‌تر و نفس او از هر چیزی خوارتر است. برتری جویی را زشت و ریاکاری را دشمن می‌شمارد، اندوه او طولانی و همت او بلند است، سکوتش فراوان و وقت او باکار گرفته است، شکرگزار و شکیبا و

۱. ح ۳۲۹.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، ج ۱۴، ص ۶۵۲، با تصرف.

۳. به کسی که غرق در چیزی باشند.

۴. بخیل.

۵. نیاز و حاجت؛ یعنی در اظهار حاجت به دیگران بخیل است و به راحتی از دیگران درخواست نمی‌کند.

۶. حُلق و طبیعت. در زندگی سخت گیر نیست.

ژرف‌اندیش است. از کسی درخواست ندارد و نرم‌خو و فروتن است، نفس او از سنگ خارا (در برابر حوادث سخت و دشمنان خطرناک) سخت‌تر اما در دین‌داری از بنده خوارتر است.<sup>۱</sup>

به‌راستی حضرت علیه‌السلام برترین ویژگی‌های مؤمن را در این حدیث بیان فرمودند؛ و نیکوست به آن جامعه عمل پوشاند.

### تیرانداز بدون کمان

قَالَ عليه السلام: الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ؛

دعوت‌کننده بی‌عمل، چون تیرانداز بدون کمان است.<sup>۲</sup> کسی که دیگران را به عمل نیک فرامی‌خواند ولی خودش عمل نمی‌کند. بی‌شک این نصیحت‌ها و پندهای بی‌عمل نتیجه‌ای و ثمری ندارد. چراکه مردم تضاد بین علم و عمل را می‌بینند.

### آبرو و یخ جامد

قَالَ عليه السلام: مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ يُقَطِرُهُ السُّؤَالُ فَأَنْظِرْ عِنْدَ مَنْ تُقَطِرُهُ؛

آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست آن را قطره قطره آب می‌کند، پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می‌ریزی؟<sup>۳</sup>

۱. ح ۳۳۳.

۲. ح ۳۳۷.

۳. ح ۳۴۶.

واجب است آبرو و شخصیت انسان حفظ شود ولی گاهی نیاز می‌شود تا از کسی درخواست یا خواهشی داشته باشیم. در این صورت نیکوست از کسانی که شایسته و لایق هستند درخواست کرد.

### قلمرو ستایش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الثَّنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ؛

مدح و ستایش، بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی و کمتر از آن، عجز و درماندگی یا حسادت است.<sup>۱</sup>  
شایسته است در تعریف و تمجید اعتدال داشت. نه زیاد گویی شود تا فرد دچار غرور و خودبزرگبینی شود و نه کم‌گویی شود بلکه باید صفات نیکش را یادآوری کرد تا دلگرم شود.

### پرهیز از بدگمانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَنْظَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلاً؛

شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی می‌توان داشت.<sup>۲</sup>

۱. ح ۳۴۷.

۲. ح ۳۶۰.

نباید سریعاً درباره دیگران قضاوت و نتیجه‌گیری کرد. چه‌بسا فرد منظور و مقصودی دیگری دارد ولی دیگران برداشت دیگری می‌کنند؛ و قضاوت عجولانه سبب بی‌اعتمادی و سوءظن می‌شود.

### هماهنگی علم و عمل

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عِلِمَ عَمِلَ وَ الْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ [أَجَابَ] أَجَابَهُ وَ إِلَّا اِزْتَحَلَ عَنْهُ؛

علم و عمل پیوندی نزدیک دارند؛ و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چراکه علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخ داد می‌ماند و گرنه کوچ می‌کند.<sup>۱</sup> دانش با عمل به آن باقی و پایدار می‌ماند و بدون عمل به بوته فراموشی سپرده می‌شود. ثمر و نتیجه‌ای نیز ندارد.

### با یک کلمه

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ فَأَخْزُنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنْ ذَهَبَكَ وَ وَرْقَكَ فَرُبَّ كَلِمَةٍ سَلَبَتْ نِعْمَةً وَ جَلَبَتْ نِقْمَةً؛

سخن در بند توست تا آن را نگفته باشی و چون گفتی، تو در بند آنی، پس زبانت را نگهدار چنانکه طلا و نقره خود را نگه می‌داری، زیرا چه‌بسا سخنی که نعمتی را سلب کرده یا نعمتی را جلب کرد.<sup>۲</sup>

۱. ح ۳۶۶.

۲. ح ۳۸۱.

به قول معروف اگر سخن از سی‌وسه دندان عبور کرد در سی‌وسه شهر پخش می‌شود؛ و کنترل و توجیه آن بسیار مشکل است. از این رو باید مراقب بود که ممکن است با یک کلمه خانه‌ای را آباد یا ویران کنیم.

### هر چه دانی مگو

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ فَإِنَّ اللَّهَ [سُبْحَانَهُ قَدْ] فَرَضَ عَلَى جَوَارِحِكَ كُلِّهَا فَرَائِضَ يَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

آنچه نمی‌دانی مگو، بلکه همه‌ی آنچه را که می‌دانی نیز مگو، زیرا خداوند بزرگ بر اعضاء بدنت چیزهایی را واجب کرده که از آن‌ها در روز قیامت بازخواست خواهد کرد.<sup>۱</sup>

شایسته است در سخن گفتن ظرفیت شخص مخاطب را در نظر داشت. چه بسا بدون مخاطب سنجی، سخن گفتن شما منجر به اضطراب یا انحراف شخص یا جامعه گردد.

### جوینده یابنده است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ طَلَبَ شَيْئاً نَالَهُ أَوْ بَعْضَهُ؛

جوینده چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید.<sup>۲</sup>

۱. ح ۳۸۲.

۲. ح ۳۸۶.

همت و امید دو شاخص افراد موفق هستند. آدمی با این دو می‌تواند به تمام خواسته‌ها و به برخی از آن‌ها دست یابد. آنچه مهم است. پیوند تلاش و کوشش همراه با امید است.

### تقسیم شبانه‌روز

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ [فِيهَا مَعَايِشَهُ] مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي [فِيهَا] نَبِيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتْهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ حُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لُدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ؛

مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند، زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار و زمانی برای تأمین هزینه زندگی و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایه زیبایی است. خردمند را نباید جز آنکه در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.<sup>۱</sup>

از ویژگی‌ها برجسته مؤمن برنامه‌ریزی دقیق او برای هر کاری است و هر کار را در وقت خودش انجام می‌دهد.

### سخن مسلحانه

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَبُّ قَوْلٍ أَنْفَدُ مِنْ صَوْلٍ؛

۱. ح. ۳۹۰.

بسا سخن که از حمله مسلحانه نافذتر است.<sup>۱</sup>  
 زخم شمشیر پس از مدتی خوب می‌شود. ولی زخم زبان سال‌ها باقی می‌ماند.  
 چه بسا جنگ‌ها و فتنه‌ها تنها با یک کلام آغاز شده و سال‌ها خون‌ها به خاطر آن  
 ریخته شده است.

نیز گاهی با یک کلمه مثبت و مفید می‌توان سلامت و آرامش را به جامعه و فرد  
 برگرداند و آتش خشمی یا کینه‌ای را خاموش کرد.

### پرهیز از کارهای گوناگون

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أُوْمَأَ إِلَى مُتَّفَاوِتٍ حَدَلْتُهُ الْحِيَلِ؛

کسی که به کارهای گوناگون پردازد، خوار شده، پیروز نمی‌گردد!<sup>۲</sup>  
 بهترین فرمایش در اصول مدیریت و برنامه‌ریزی است. کسانی که همه‌کاره‌اند  
 در حقیقت هیچ‌کاره‌اند. افرادی سریع‌تر به هدف می‌رسند که به کارهای گوناگون  
 و مختلف نمی‌پردازند و ذهن و روح خود را درگیر شاخ‌های متفاوت نمی‌کنند.

### روزگار دو روز است

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْتَظِرْ<sup>۳</sup> وَ إِذَا كَانَ  
 عَلَيْكَ فَاصْبِرْ؛

۱. ح ۳۹۴.

۲. ح ۴۰۳.

۳. غرور و مستی حاصل از فزونی نعمت.



روزگار دو روز است، روزی به سود تو و روزی به زیان تو است، پس آنگاه که به سود تو است به خوش گذرانی و سرکشی روی نیاور و آنگاه که به زیان تو است شکبیا باش.<sup>۱</sup>

دنیا محل آزمایش و امتحان است. روزی در خُرمی و شادی و روزی در دل‌تنگی و گرفتاری و مؤمن در هر دو حالت صاحب نعمت را فراموش نمی‌کند و به یاد او است.

اسباب نشاط و دفع اندوه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الطَّيِّبُ نُشْرَةٌ<sup>۲</sup> وَ الْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَ الرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْخُصْرَةِ نُشْرَةٌ؛

بوی خُوش، عسل، سوارشدن بر مرکب و نگاه کردن به سبزه، مایه قوت و نشاط است.<sup>۳</sup>

در برخی روایات به جای عسل، غسل آمده است؛ که مورد تأیید به‌وسیله روایت دیگر است؛ و آشکار است که هر سه برطرف‌کننده غم و اندوه هستند و البته بستگی به نوع مزاج و موقعیت فرد نیز دارد.

هماهنگی قلب و چشم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْقَلْبُ مُصْحَفُ الْبَصْرِ؛

۱. ح ۳۹۶.

۲. در اصل به معنی تعویذ و حرز است. به چیزی که سبب از بین رفتن اندوه می‌شود. گفته می‌شود.

۳. ح ۴۰۰.

قلب، کتاب چشم است (آنچه چشم بنگرد در قلب نشیند)<sup>۱</sup>  
چشم نامه‌رسان قلب است. و هرآنچه که چشم ببیند در قلب ثبت می‌شود و در  
حالات روحی و جسمی فرد اثر می‌گذارد.

### راه تحمل مصیبت‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ صَبَرَ صَبَرَ الْأَحْزَارِ وَالْأَسْلَافِ سُلُوفِ الْأَعْمَارِ<sup>۲</sup>؛

در مصیبت‌ها یا مانند آزادگان باید شکیبا بود و یا چون ابلهان خود را به  
فراموشی زد.<sup>۴</sup>

برای تخفیف آلام و دردهای مصائب، انسان دو راه در پیش دارد؛ راهی را  
عاقلان برمی‌گزینند و راه دیگر را جاهلان. افراد عاقل و بزرگوار و با شخصیت در  
برابر مصائب شکیبایی پیشه می‌کنند، جزع و فزع به خود راه نمی‌دهند و می‌دانند  
زندگی دنیا به هر حال، آمیخته با درد و رنج‌هاست که بسیاری از آن‌ها اجتناب‌ناپذیر  
است و همگان گرفتار آن می‌شوند، خواه يك فرد ضعیف باشد یا رئیس نیرومند  
يك کشور و فرمانده يك لشکر.

این شکیبایی سبب می‌شود که آن‌ها زبان به نا شکری نگشایند و از خداوند  
شکایت نکنند و در عمل نیز جزع و فزع ننمایند بلکه خدا را شکر گویند و مصیبت

۱. ح ۴۰۹.

۲. فراموش کردن.

۳. نادان.

۴. ح ۴۱۴.

را آزمون الهی یا جبران خطاها و یا مقدمه نعمتی بدانند. آن‌ها اجر و پاداش صابران را خواهند داشت یعنی راه خودسازی؛ اما جاهلان، این راه روشن و پرافتخار را رها کرده برای فراموش کردن مصائب، خود را به غفلت و بی‌خبری می‌زنند و به سرگرمی‌های ناسالم و لهو و لعب می‌پردازند؛ نه اجر صابران را دارند و نه افتخارات آن‌ها را. روشن است که منظور امام علیه السلام این نیست که یکی از این دو راه را انتخاب کنید بلکه منظور این است که اگر راه اول را نپذیرفتید به راه دوم خواهید افتاد که رهبر شما در این راه، شیطان و هوای نفس است. البته بعضی از جاهلان راه سومی انتخاب می‌کنند؛ آن قدر جزع و فزع و بی‌تابی می‌کنند و سخنان ناموزون می‌گویند تا خسته شوند و باگذشت زمان به تدریج فشار مصیبت کاسته شود؛ این راه نیز راه عاقلان و افراد با ایمان نیست<sup>۱</sup>.

### آنچه برای خود نمی‌پسندی

قَالَ عليه السلام: كَفَاكَ أَدْبَاً لِنَفْسِكَ اجْتِنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ؛

برای اصلاح خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران نمی‌پسندی

دوری کنی.<sup>۲</sup>

۱. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام ج، ۱۵، ص ۳۴۲.

۲. به معنای دعوت کردن دیگری به نیکی‌ها و ترک زشتی‌ها. در اصل به معنای دعوت کردن به مهمانی است.

۳. ح ۴۱۲.

برای خودسازی، کافی و وفای است که هر آنچه برای خود نمی‌پسندیم برای دیگران نیز همان را نپسندیم. اگر خودمان خواهان غذا و امکانات سالم... هستیم همان را نیز برای دیگران خواهیم.

### شمشیر عقل و پرده برداری

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْجِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ وَالْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ فَاسْتُرْ خَلَلَ خُلُقِكَ بِجِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛

بردباری پرده‌ای است پوشاننده و عقل شمشیری است بُزَن، پس کمبودهای اخلاقی خود را با بردباری بیوشان و هوای نفس خود را با شمشیر عقل بکش.<sup>۱</sup> به‌وسیله این دو نعمت الهی می‌توان بسیاری از کاستی‌ها را پوشاند و نیز گرفتار هوی و هوس نشد.

### جهل و دشمنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا؛

مردم دشمن آنند که نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

بیشتر مخالفت‌ها و انکارها و نیز ترس و اضطراب‌ها سرچشمه در نادانی بشر دارد. کودکی که از نوشیدن داروی تلخ فرار می‌کند دلیل آن بی‌خبری کودک در مورد تأثیر مفید دارو است.

۱. ح ۴۲۴.

۲. ح ۴۳۸.

## تعریف زهد و پارسایی

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»<sup>۱</sup> وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ؛

زهد بین دو کلمه از قرآن است، که خدای سبحان فرمود: «تا بر آنچه از دست شما رفته حسرت نخورید و به آنچه به شما رسیده شادمان مباشید» کسی که برگزشته افسوس نخورد و به آینده (و آنچه در دست دارد) شادمان نباشد، (دل‌بستگی ندارد) همه جوانب زهد را رعایت کرده است.<sup>۲</sup>

برگزشته‌ها «اگر، وای کاش» نگوئیم؛ و تأسف نخوریم (اگر این طوری می‌شد، ای کاش چنین می‌شد) و به نعمت‌های حال نیز دل‌بسته و وابسته نباشیم.

## نقش خواب دیدن‌ها در برنامه‌ریزی

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَنْقَضَ النَّوْمَ لِعَزَائِمِ الْيَوْمِ؛

خواب دیدن‌ها چه‌بسا تصمیم‌های روز را نقش بر آب کرده است.<sup>۳</sup>  
گاهی خواب دیدن در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارد. چه‌بسا فرد در طول روز برای روز آینده‌اش برنامه‌ریزی کرده است و کاملاً آماده اجرای آن است. ولی شب با دیدن خوابی از آن تصمیم و برنامه خویش منصرف می‌شود. و نیز چه‌بسا ظالمی قصد و نیت شومی را دارد که شب با دیدن خوابی از قصد خود رو برمی‌گرداند.

۱. حدید/۲۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت، ۴۳۹.

۳. ح. ۴۴۰.

## شوخی بی جا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَرَحَةً<sup>۱</sup> إِلَّا مَجَّ<sup>۲</sup> مِنْ عَقْلِهِ مَجَّةً<sup>۳</sup>؛

هیچ کس شوخی بیجا نکند جز آنکه مقداری از عقل خویش را از دست بدهد.<sup>۴</sup> شوخی به جا و مناسب مورد تأیید اسلام است. ولی شوخی که بی مورد و نادرست باشد سبب بسیاری از کدورت‌ها و دشمنی‌ها می‌شود؛ و از هیبت و عزت انسان می‌کاهد.

## دوستی دوطرفه

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زُهِدْكَ فِي زَاغِبٍ فِيكَ نُقْصَانٌ حَظٌّ وَرَغْبَتُكَ فِي زَاهِدٍ فِيكَ ذُلٌّ نَفْسٍ؛

دوری تو از آن کس که خواهان تو است نشانه کمبود بهره تو در دوستی است و گرایش تو به آن کس که تو را نخواهد، سبب خواری تو است.<sup>۵</sup> اگر کسی خواهان ما است و دوست دارد با ما دوست شود ولی ما از آن شخص دوری می‌کنیم و طرح دوستی او را قبول نمی‌کنیم این نشانه در ضعف و ناتوانی ما دارد. و نیز اگر برعکس شود و ما علاقه داریم با کسی دوست شویم ولی او نمی‌خواهد و اصرار کنیم این سبب خواری و ذلت است. چراکه خواهان ما نیست.

۱. یک باز مزاح کردن.

۲. به معنای بیرون ریختن مایعی از دهان است. سپس به هرگونه ریزشی اطلاق می‌شود.

۳. یک بار فروریختن.

۴. ح ۴۵۰.

۵. ح ۴۵۱.

## دو گرسنه سیر نمی‌شوند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ طَالِبُ عِلْمٍ وَ طَالِبُ دُنْيَا؛

دو گرسنه هرگز سیر نشوند: جوینده علم و جوینده مال.<sup>۲</sup>

نه علم و دانش و نه ثروت هیچ کدام حدومرزی و پایانی ندارند؛ و طالب واقعی آن‌ها، هیچ‌گاه قانع و راضی نمی‌شود.

## غیبت نشانه ناتوانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْغَيْبَةُ جُهْدُ الْعَاجِزِ؛

غیبت کردن تلاش ناتوان است.<sup>۳</sup>

فردی که ناتوان و ضعیف است و خودش به پیشرفت و رشد نرسیده است. این چنین شخصی شروع می‌کند به تخریب شخصیت دیگران تا از این طریق ضعف خود را جبران کند.

## خشم و جدایی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا احْتَشَمَ<sup>۴</sup> الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ فَقَدْ فَارَقَهُ؛

وقتی مؤمن برادرش را به خشم آورد، به یقین از او جدا شده است.<sup>۵</sup>

---

<sup>۱</sup>. سیری ناپذیر بودن، اشتهاهای شدید به چیزی داشتن است.

<sup>۲</sup>. ح ۴۵۷.

<sup>۳</sup>. ح ۴۶۱.

<sup>۴</sup>. «خشم» به سه معناست، یکی به معنی به خشم آوردن و دیگری به معنای طلب شرمندگی و سوم به معنای خودخواهی و برتری جویی است.

<sup>۵</sup>. ح ۴۸۰.

سه تفسیر وجود دارد: نخست، خشمگین ساختن دوستان، دوم، شرمنده نمودن آن‌ها، سوم، برتری جویی و تکبر در برابر آن‌ها؛ و هرکدام در جدایی دوست از انسان تأثیرگذار است.

### فرصت و غصه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ<sup>۱</sup>؛

از دست دادن فرصت، اندوه‌بار است.<sup>۲</sup>

شاید هر چیزی را بشود بازگرداند اما عمر و زمان قابل برگشت نیست؛ و کسانی که موقعیت‌های زندگی و فرصت‌ها را از دست بدهند چیزی جز پشیمانی نصیبشان نمی‌شود.

### آنچه برای خود می‌پسندی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَاكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا وَلَا تَطْلُمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَقْبِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ وَازْصَ مِنَ النَّاسِ بِمَا تَرْضَاهُ لَهُمْ مِنْ نَفْسِكَ؛

ای پسر من! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود،

<sup>۱</sup> اندوه گلوگیر، چیزی که در گلوگیر کند و فرو نرود.

<sup>۲</sup> ح ۱۱۸.



نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تونیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی<sup>۱</sup>.

شایسته است انسانی که خواهان موفقیت و سعادت است این معیار و میزان را در زندگی خود به کار ببندد.

### اندک ولی استوار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ إِذَا صَلَبُ عُوْدًا وَ الرِّوَانَعِ الْخَضِرَةَ إِذَا رُقِيَ جُلُودًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِدِيَّةَ إِذَا قُوِيَ وَ قُوْدًا وَ أَبْطَأَ حُمُودًا؛

آگاه باشید! درختان بیابانی، چوبشان سخت‌تر و درختان کناره جویبار پوستشان نازک‌تر است. درختان بیابانی که با باران سیراب می‌شوند آتش چوبشان شعله‌ورتر و پردوام‌تر است.<sup>۲</sup>

آنانکه با سختی و در مشکلات بزرگ‌شده‌اند. به‌مراتب موفق‌تر و مقاوم‌تر از دیگر افراد هستند

### نیرنگ نفس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حَادِعُ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ إِزْفُقُ بِهَا وَ لَا تَقْهَرْهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نَشَاطَهَا إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَيْكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ قَصَائِهَا وَ تَعَاهِدِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا؛

۱. نامه/۳۱.

۲. نامه/۴۵.

نفس خود را در واداشتن به عبادت فریب ده و با آن مدارا کن و به‌زور و اکراه بر چیزی مجبورش نساز و در وقت فراغت و نشاط به کارش گیر، جز در آنچه بر تو واجب است و باید آن را در وقت خاص خودش به‌جا آوری.<sup>۱</sup>

روح همانند جسم نشاط و خستگی دارد؛ و آشکار است که اگر عبادت در زمان نشاط و سرحالی باشد تأثیر در روح و روان دارد و الا چه بسا منجر به دل‌زدگی شود.

### جرعه ای خشم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: تَجَرَّعِ الْعَيْظَ فَإِنِّي لَمْ أَرْ جُرْعَةً أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً وَلَا أَلَذَّ مَعْبَةً<sup>۲</sup>؛

خشم خود را جرعه جرعه فرو بر که من جرعه ای شیرین تر و خوش عاقبت تر و لذت بخش تر از آن ندیدم.<sup>۳</sup>

امام رسول الله ﷺ در اینجا خشم را به داروی تلخی تشبیه می کند که نوشیدنش سخت و طاقت فرساست و به همین دلیل انسان ناچار است آن را کم کم و به صورت جرعه جرعه بنوشد؛ ولی دارویی بسیار شفا بخش است و عاقبتش شیرین و لذیذ، زیرا انسان را از شرمساری و ندامت و پشیمانی و زیان های بسیار که غالباً به هنگام خشم در صورت عدم خویشتن داری دامان انسان را می گیرد، نجات می دهد.

۱. نامه/۶۹.

۲. عاقبت، نتیجه.

۳. نامه/۳۱.

## راه بازگشت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنْ أَرَدْتَ قَطِيعَةَ أَخِيكَ فَاسْتَبِقْ لَهُ مِنْ نَفْسِكَ بِقِيَّةٍ يَرْجِعُ إِلَيْهَا إِنْ بَدَأَ لَهُ ذَلِكَ يَوْمًا؛

اگر خواستی از برادرت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار تا اگر روزی خواست به سوی تو بازگردد بتواند.<sup>۱</sup>  
در دنیای دوستی نباید تمام پل‌های پشت سر را خراب کرد. چراکه روزگار در حال چرخش است و ممکن است روزی به سوی تو برگردد.

## ارزش خود شناختن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ؛  
دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش نداند.<sup>۲</sup>

انسانی معجونی از شگفتی‌ها و قدرت‌های معنوی است. دانشمند کسی است که این واقعیات را کشف و از آن استفاده کند.

۱. خطبه، ۳۱.

۲. خطبه، ۱۶.

## فاصله بین حق و باطل با چهار انگشت

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ إِلَّا أَرْبَعُ أَصَابِعَ فَسئَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَعْنَى قَوْلِهِ هَذَا فَجَمَعَ أَصَابِعَهُ وَوَضَعَهَا بَيْنَ أُذُنِهِ وَعَيْنِهِ ثُمَّ قَالَ - الْبَاطِلُ أَنْ تَقُولَ سَمِعْتُ وَ الْحَقُّ أَنْ تَقُولَ رَأَيْتُ؛

بدانید که میان حق و باطل جز چهار انگشت فاصله نیست. (پرسیدند، معنای آن چیست؟ امام علیه السلام انگشتان خود را میان چشم و گوش گذاشت و فرمود) باطل آن است که بگویی «شنیدم» و حق آن است که بگویی «دیدم».<sup>۱</sup>

اگر مردم جهان همین جمله اخیر را که امام علیه السلام می فرمود: «میان حق و باطل چهار انگشت بیشتر فاصله نیست»، به خاطر بسپارند و همیشه و در همه جا به آن عمل کنند، به یقین خوش بینی و حسن ظن جای بدبینی و سوءظن و اعتماد جای بی اعتمادی و محبت جای نفرت و کینه توزی را خواهد گرفت و شایعات بی اساس درباره اشخاص و گروه‌ها از رونق خواهد افتاد و شایعه پردازان هرگز به اهداف شوم خود نخواهند رسید و روح سلامت و خوش بینی بر جامعه حاکم می شود.<sup>۲</sup>

## محیط رشد انسان

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ اغْلَمْ أَنْ لِكُلِّ عَمَلٍ نَبَاتٌ وَ كُلُّ نَبَاتٍ لَا غِنَى بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَ الْمِيَاهُ مُخْتَلِفَةٌ فَمَا طَابَ سَفِيُّهُ طَابَ عَرْسُهُ وَ حَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا حَبَّتْ سَفِيُّهُ حَبَّتْ عَرْسُهُ وَ أَمَرَتْ ثَمَرَتُهُ؛

۱. خطبه، ۱۴۱.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۵، ص ۵۷۰.

آگاه باش هر عملی رویشی دارد و هر روینده‌ای از آب بی‌نیاز نیست و آب‌ها نیز گوناگون می‌باشند. پس هر درختی که آبیاری‌اش به اندازه و نیکو باشد شاخ و برگش نیکو و میوه‌اش شیرین است؛ و آنچه آبیاری‌اش پاکیزه نباشد درختش عیب دار و میوه‌اش تلخ است.<sup>۱</sup>

در این تشبیه زیبا، انسان و اعمالش را به درختان و میوه‌هایش تشبیه نموده است؛ همان‌گونه که درختان و گیاهان از آب برای رویش بی‌نیاز نیستند، انسان‌ها نیز به تعلیم و تربیت و تبلیغ نیاز دارند. آن‌کس که از تعلیم و تربیت و تبلیغ صحیحی برخوردار باشد اعمالش پاک و آن‌کس که تحت تأثیر تبلیغات سوء قرار گیرد، عملی ناپاک خواهد داشت.

به تعبیر دیگر ارزش میوه‌های درختان در واقع از سه چیز نشأت می‌گیرد: بذر خوب و زمین خوب و آب خوب. به‌یقین بذر انسان‌ها با توجه به فطرت پاک خداداد خوب است. هرگاه وراثت محیط که به‌منزله زمین است و تعلیم و تربیت که به‌منزله آب است پاک و پاکیزه باشد، آثار وجودی انسان‌ها ارزشمند و پاک و پاکیزه خواهد بود.<sup>۲</sup>

الحمد لله رب العالمین

۱. خطبه، ۱۵۴.

۲. پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۶، ص ۱۰۵.



# عُرْرُ الْحَكْمِ وَدُرُّ الْكَلِمِ

کتاب عُرْرُ الْحَكْمِ و دُرُّ الْكَلِمِ (به معنای اندرزهای برتر و سخنان چون دُر) کتابی مشتمل بر ۱۰۷۶۰ سخن از سخنان کوتاه و جذاب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، تألیف ابوالفتح آمدی از دانشمندان قرن پنجم هجری است که بر اساس حروف الفبا در ۹۱ باب تنظیم شده است.

## پس انداز نیکی‌ها

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَرَّهُ وَوَلَدَهُ؛

هر که به پدر و مادر نیکی کند فرزندش به او نیکی خواهد کرد.<sup>۱</sup>

---

۱. تصنیف عُرْرُ الْحَكْمِ وَ دُرُّ الْكَلِمِ، ح ۹۳۴۱.

نیکی کردن به والدین هم باعث می‌شود که فرزندان محبت کردن را بیاموزند و هم اینکه بر اساس اصل ثواب و عقاب، ثمره بعضی کارها در همین دنیا نمایان می‌شود مانند نیکی به پدر و مادر.

### راز فرمانروایی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بِالْإِيثَارِ عَلَى نَفْسِكَ تَمْلِكُ الرَّقَابَ؛

به‌واسطه ایثار و برگزیدن دیگران بر نفس خود، گردن‌ها را مالک می‌شوی.<sup>۱</sup>  
با احسان و از خودگذشتگی می‌توان بر نفوس حاکم شد.

### مسابقه با زمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ عُصَّةً؛

در فرصت پیشی گیر، پیش از آنکه فرصت غصه شود.<sup>۲</sup>  
از دست دادن فرصت‌ها و موقعیت‌ها، پشیمانی و ندامت را به همراه دارد. چون بازگشت فرصت‌ها گاهی به‌سختی و گاهی غیرممکن است.

### قدردانی نعمت‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَادِرْ شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ؛

۱. ح. ۹۱۶۹.

۲. ح. ۱۰۸۲۰.



جوانی‌ات را قبل از پیری قدر بدان و سلامتی‌ات را پیش از بیماری غنیمت

شماره ۱.

### شهرت جهانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ قَرَّبَ بَرُّهُ بَعْدَ صِيئَتِهِ؛

هر که نیکی و احسان او نزدیک باشد آوازه او دور باشد.<sup>۲</sup>  
اهل خیر و نیکی شهرت پیدا می‌کند و نامشان به همه جا می‌رسد.

### بی‌گناه دلیر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْبَرِيُّ جَرِيءٌ؛

بی‌تقصیر دلیر است.<sup>۳</sup>

انسانی که مرتکب گناه و خطا نشده باشد از حسابرسی نمی‌ترسد، اما کسی که گناهکار است یا خیانت کرده است، همیشه از عاقبت کار و حسابرسی در ترس و اضطراب است.

### دام دوستی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: عَلَيْكَ بِالْبَشَاشَةِ فَإِنَّهَا حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ؛

بر تو باد به گشاده‌روئی، زیرا که آن دام دوستی است.<sup>۴</sup>

۱. ح ۳۰۲۹.

۲. ح ۱۰۳۲۶.

۳. غررالحکم، ح ۲۲۶.

۴. تصنیف عُرْوَةُ الْحَكْمِ وَ دُرُرُ الْكَلِمِ، ح ۹۹۳۹.

به‌وسیله گشاده‌روئی می‌توان مردم را جذب و تسخیر کرد.

### نگاه دامن‌گیر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رُبَّ صَبَابَةٍ غُرِسَتْ مِنْ لِحْطَةِ؛

بسا عشق و گرمی شوقی که از یک نگاه کردنی کاشته شود.<sup>۱</sup>

آدمی باید مراقب نگاه خود باشد چراکه ممکن است یک نگاه منجر به عشق ناپاکی شود که گریبان‌گیرش شود.

### نگاه غصه‌آور

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثُرَ أَسْفُهُ؛

هر که چشم خود را رها کند تأسف او بسیار باشد.<sup>۲</sup>

عدم کنترل و مدیریت نگاه (نگاه‌های نامشروع) منجر به اندوه و غصه می‌شود؛ و گاهی یک نگاه ناپاک همه زندگی انسان را آلوده می‌کند.

### شکم دشمن پنهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: بَطْنُ الْمَرْءِ عَدُوُّهُ؛

شکم آدمی دشمن اوست.<sup>۳</sup>

۱. ح ۵۵۴۹.

۲. ح ۵۵۵۴.

۳. ح ۸۱۷۵.

خواهش‌های نفسانی اگر کنترل نشوند می‌توانند انسان را به هلاکت و نابودی بکشانند.

### سحرخیز باش تا کام روا شوی

قَالَ ﷺ: بَاكِرُوا فَأَلْبَرَكَةُ فِي الْمُبَاكِرَةِ؛

صبح زود به دنبال کار بروید، زیرا برکت در اول بامداد است.<sup>۱</sup>

### ریشه ترس

قَالَ ﷺ: شِدَّةُ الْجُنِّنِ مِنْ عَجْزِ النَّفْسِ وَصَعْفِ الْيَقِينِ؛

ترس شدید از ناتوانی نفس و سستی یقین است.<sup>۲</sup>

کسی که یقین و اطمینان قلبی به کارش داشته باشد و بر کاری که به عهده می‌گیرد توانا باشد، گرفتار ترس و دلهره نمی‌شود.

### راز کرامت و بزرگی

قَالَ ﷺ: اسْمَحْ تُكْرَمْ؛

بخشش کن تا گرامی شوی.<sup>۳</sup>

بزرگی و کرامت به بخشش و از خودگذشتگی است.

۱. ح ۱۰۰۵۲.

۲. ح ۵۶۶۲.

۳. ح ۸۵۴۳.

## جاهل بی‌ثمر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْجَاهِلُ صَخْرَةٌ لَا يُنْفَجِرُ مَاءُهَا وَ شَجَرَةٌ لَا يَخْضِرُ عُودُهَا وَ أَرْضٌ لَا يَطْهَرُ عُشْبُهَا؛

نادان سنگی است که آب از آن بیرون نمی‌آید و درختی است که چوب آن سبز نمی‌شود و زمینی است که گیاه آن ظاهر نمی‌گردد.<sup>۱</sup>  
انسان نادان بی‌ثمر است و نمی‌توان از او امید ثمره و نتیجه داشت.

## دوستی مفید

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ؛

هر که تو را دوست دارد (از کارهای بد) تو را نهی می‌کند.<sup>۲</sup>

## کار دشمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَبْغَضَكَ أَعْرَاكَ؛

هر که تو را دشمن دارد (به کارهای بد) تو را ترغیب می‌کند.<sup>۳</sup>

## عاشق نام دوست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ شَيْئاً لِهَجِّ بَدِكْرِهِ؛

۱. ح ۱۱۲۳.

۲. ح ۹۴۷۱.

۳. ح ۷۶۸۸.

هر که چیزی را دوست بدارد در یادش حریص گردد.<sup>۱</sup>  
 هر کس، کسی یا چیزی را دوست بدارد نام او را زیاد به زبان جاری می‌کند و  
 از او یاد می‌کند.

بدن‌های زنگ‌زده  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كَمَا أَنَّ الصَّدَأَ يَأْكُلُ الْحَدِيدَ حَتَّى يُفْنِيَهُ كَذَلِكَ الْحَسَدُ يُكْمِدُ الْجَسَدَ  
 حَتَّى يُفْنِيَهُ؛

چنانکه زنگ آهن را می‌خورد تا آن را نابود سازد همچنین حسد بدن را متغیر  
 سازد (و می‌برد صفای آن را) تا آن را فانی گرداند.<sup>۲</sup>  
 حسادت به جای اینکه انسان را به سمت تلاش و تکاپو سوق دهد، باعث رنجش  
 خاطر صاحبش می‌شود و آثار آن در جسم و روح انسان ظاهر می‌شود.

تن سالم ولی بیمار  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْحَسُودُ دَائِمٌ السُّقْمِ وَإِنْ كَانَ صَحِيحَ الْجِسْمِ؛  
 حسود پیوسته بیمار است گرچه تندرست باشد.<sup>۳</sup>  
 اگرچه تن حسود سالم باشد ولی روح او در رنج و عذاب است.

بنده سازی  
 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَحْسِنُ تَسْتَرْقٍ؛  
 احسان نما تا بنده بسازی.<sup>۴</sup>

۱. ج ۸۵۹.

۲. ج ۶۸۲۴.

۳. ج ۶۸۵۵.

۴. ج ۸۷۷۶.

با احسان و نیکی می‌توان دیگران را بنده خویش بسازیم.

نیکی و مالکیت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَحْسِنُ إِلَى الْمُسِيءِ تَمْلِكُهُ؛

به گناهکار احسان کن تا او را مالک شوی.<sup>۱</sup>

انسان خطاکار برای توبه و جبران کارها نیاز به احسان و نیکی دارد؛ و با نیکی به خطاکار می‌توان او را تسلیم خود کرد.

### بنده‌ی احسان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِنْسَانُ عَبْدٌ لِإِحْسَانٍ؛

آدمی بنده احسان است.<sup>۲</sup>

طبع آدمی این‌گونه است که هر کس به او نیکی و احسان نماید بنده و مطیع او می‌شود.

### فراموش‌کاری احسان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَانْسَهُ، إِذَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفًا فَادْكُرْ؛

چون به‌سوی تو احسانی شد یادآوری نما و هرگاه به کسی احسانی نمودی آن را فراموش کن.<sup>۳</sup>

۱. ح ۸۸۷۵.

۲. ح ۸۷۷۱.

۳. ح ۸۹۵۸.

یادآوری محبت دیگران باعث نزدیک شدن دل‌ها می‌گردد و یادآوری نیکی به دیگران باعث می‌شود که هم انسان مغرور شود و همین این که ممکن است باعث خجالت و شرمندگی کسی شود که به او محبت شده.

### پاسخ نیکی

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفُكُّهُ إِلَّا شُكْرٌ أَوْ مَكَاْفَاةٌ؛

احسان غل و زنجیری است که آن را نمی‌گشاید مگر شکر یا تلافی.<sup>۱</sup>  
پاسخ نیکی یا تشکر و قدردانی است و یا جبران آن نیکی است.

نیکوکار زنده

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ؛

نیکوکار زنده است هر چند به‌سوی منزل‌های مردگان حمل شود.<sup>۲</sup>  
شخص نیکوکار به‌واسطه عمل‌های نیکی که انجام داده است زنده است هر چند که خودش از دنیا رفته باشد.

### چاهی برای خود

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ حَفَرَ لِأَخِيهِ بئْرًا أَوْقَعَهُ اللَّهُ فِي بئْرِهِ؛

هر که چاهی برای برادر خود بکند خداوند او را در همان چاه خواهد انداخت.<sup>۳</sup>

۱. ح ۸۷۷۵.

۲. ح ۸۸۱۹.

۳. ح ۹۶۰۶.

ایجاد مشکل و گرفتاری برای دیگران، در حقیقت چاهی است که انسان برای خودش حفر کرده است و خداوند به واسطه ظلمی که در حق برادر خویش کرده است او را به همان بلا گرفتار می‌کند.

خشم کینه‌ای

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْحِقْدُ مَثَارُ الْعُصَبِ؛

کینه جایگاه برانگیختن خشم است.<sup>۱</sup>

کینه سبب خشم و عصبانیت است.

### کینه و اندوه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْحَقُودُ مَعْدَبُ النَّفْسِ مُتَضَاعِفُ الرَّهْمِ؛

کینه‌ورز نفسش در عذاب و اندوهش دوچندان است.<sup>۲</sup>

### شناخت نفس و اندازه آن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ وَوُقُوفُهُ عِنْدَ قَدْرِهِ؛

افزون‌ترین حکمت شناختن آدمی است نفس خود را و ایستادن اوست نزد

قدر خود.<sup>۳</sup>

۱. ح ۶۷۷۶.

۲. ح ۶۷۷۸.

۳. ح ۴۶۳۲.



## گوینده خبر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: انْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْهُ إِلَى مَنْ قَالَ؛

به آنچه گفته نظر نما و به سوی کسی که آن را گفته نظر مکن.<sup>۱</sup>  
علم و دانش صحیح را باید فراگرفت و نگاه نکن که این علم نزد چه کسی است.

## اثر تلقین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ تَحَلَّمَ حَلْمًا؛

هر که خود را به بردباری و اداری سازد بردبار گردد.<sup>۲</sup>  
به یقین، تلقین کردن راهی برای به دست آوردن صفات نیک است؛ و به تدریج  
اثرات آن ظاهر می‌شود.

## سکوت گویا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: السُّكُوتُ عَلَى الْأَحْمَقِ أَفْضَلُ جَوَابِهِ؛

خاموشی در مقابل احمق بهترین جواب اوست.<sup>۳</sup>  
انسان نادان با دلیل و حکمت قانع نمی‌شود، لذا بهترین جواب، سکوت است.

## پیشگیری بهتر از درمان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: صَلَاحُ الْبَدَنِ الْجِمِيعَةُ؛

۱ ح ۶۱۲.

۲ ح ۶۴۳۸.

۳ ح ۱۲۵۶.

صلاح و صحت بدن پرهیز است.<sup>۱</sup>  
پیشگیری بهتر از درمان است.

### اسارت داوطلبانه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اخْتَجِ إِلَى مَنْ شِئْتَ وَكُنْ أُسِيرَهُ؛

از هر که خواستی طلب حاجت کن و اسیر او باش.<sup>۲</sup>  
از هر کس خواسته‌ای داشته باشیم در حقیقت اسیر او هستیم تا اینکه  
خواسته ما را انجام دهد. پس بهتر است پیش هر کس خود را اسیر نکنیم.

### خجالت از خود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَحْسَنُ الْحَيَاءِ اسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ نَفْسِكَ؛

نیکوترین حیا آن است که از خویشتن خجالت بکشی.<sup>۳</sup>

### زبان دست

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْخَطُّ لِسَانُ الْيَدِ؛

خط زبان دست است.<sup>۴</sup>

چنانکه با زبان مقصود خود را می‌رسانیم با خط نیز مقصود و شخصیت درونی  
(افکار) خویش را می‌رسانیم.

۱. ح ۷۳۹۸.

۲. ح ۸۲۷۲.

۳. ح ۵۴۵۲.

۴. ح ۲۸۳.

### شتر دیدی ندیدی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ؛

از شریف‌ترین کارهای شخص بزرگوار، غفلت نمودن اوست از چیزی که می‌داند.<sup>۱</sup>

شخص کریم چنان وانمود می‌کند که گویا نمی‌داند و ندیده است. (اصل تغافل)

### مرگ شادی بخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ سَاءَتْ سَجِيَّتُهُ سَرَّتْ مَمِيَّتُهُ؛

هر که اخلاق او بد باشد مرگ او خوشحالی است.<sup>۲</sup>

کسی که بداخلاق است و خانواده، همسایه و دوستان او از این بداخلاقی در عذاب و سختی باشند و او هم تلاشی برای اصلاح خویش نداشته باشد، مرگ او باعث خوشحالی اطرافیان می‌شود.

### معجون مشکلات

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: السَّيِّئُ الْخُلُقِ كَثِيرُ الطَّيِّبِ مُنْعَصُ الْعَيْشِ؛

فرد بداخلاق بسیار سبک‌عقل، زندگانی اش آمیخته به غم و اندوه است.<sup>۳</sup>

۱. ح ۱۰۳۷۰.

۲. ح ۵۷۱۳.

۳. ح ۵۷۰۸.

## هر که ترسید مُرد

قَالَ عِبْرَةَ: مَنْ هَابَ خَابَ؛

کسی که بترسد محروم گردد.<sup>۱</sup>

کسی که برای رسیدن به خواسته‌هایش شجاعت نداشته باشد هیچ‌وقت به آن‌ها نمی‌رسد. از پرسیدن، گفتن حق، درخواست کردن ...

## تازه وارد سرگردان

قَالَ عِبْرَةَ: لِكُلِّ قَادِمٍ حَيْرَةٌ فَابْسُطُوهُ بِالْكَلَامِ؛

برای هر تازه‌واردی سرگردانی است پس با سخن با او برخورد نمایید.<sup>۲</sup>  
هنگامی که شخصی وارد اجتماعی جدید می‌شود. سرگردان است و نمی‌داند کجا باید برود؟ کجا باید بنشیند؟ مخاطبانش چه کسانی هستند؟ از این‌رو توصیه‌شده است که به فرد تازه‌وارد سلام و احوال‌پرسی کنید تا با جمع حاضر آشنا شود.

## زندگی بر مدار مدارا

قَالَ عِبْرَةَ: سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ؛

سلامت زندگانی در مدارا نمودن است.<sup>۳</sup>

۱. ح ۷۷۰۸.

۲. ح ۹۹۸۶.

۳. ح ۱۰۱۸۱.

شرایط زندگی همیشه بر طبق میل انسان نخواهد بود و گاهی انسان از سوی دیگران مورد آزار و اذیت و مشکلاتی قرار می‌گیرد؛ و در این موارد یکی از راه‌های رسیدن به سلامتی و گذار از مشکلات مدارا کردن است.

### داروی روح

قَالَ ﷺ: ذِكْرُ اللَّهِ دَوَاءٌ أَعْلَلِ النَّفُوسَ؛

یاد خدا داروی بیماری‌های نفس‌ها (جان و روح) است.<sup>۱</sup>

### بلای ناامیدی

قَالَ ﷺ: أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ؛

بزرگ‌ترین بلاء قطع امید است.<sup>۲</sup>

بزرگ‌ترین مصیبت و گرفتاری ناامیدی از درگاه الهی است.

### نیت روزی‌رسان

قَالَ ﷺ: رِزْقُ الْمَرْءِ عَلَى قَدْرِ نِيَّتِهِ؛

رزق و روزی مرد به اندازه نیت و قصد اوست.<sup>۳</sup>

انسان به اندازه نیت و قصدش پاداش می‌گیرد.

۱. ح ۳۶۱۹.

۲. ح ۱۳۲۳.

۳. ح ۹۲۶۸.

## رزق و روزی نادان و چهارپایان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَوْ جَرَّتِ الْأَرْزَاقُ بِالْأَلْبَابِ وَالْعُقُولِ لَمْ تَعِشِ النَّبَهَائِمُ وَالْحَمَقِيُّ؛

اگر روزی‌ها با خردها و عقل‌ها روانه می‌شدند، چهارپایان و احمقان زندگانی نمی‌کردند.<sup>۱</sup>

رزق و روزی دست خداست. خداوند به چهار پایان و احمق‌ها روزی می‌رساند تا به انسان‌های عاقل بفهماند که روزی تنها با تکیه بر عقل به دست نمی‌آید بلکه نعمت دهند خداست.

راز آسایش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اِرْضَ تَسْتَرِحْ؛

راضی باش تا به آسایش دستیابی.<sup>۲</sup>

آسایش درگرو مال و ثروت فراوان نیست، آسایش زمانی حاصل می‌شود که رضایت از وضع موجود حاصل شود.

## نابودی غصه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الرَّضَا يَنْفِي الْغُرْنَ؛

خشنودی (راضی بودن) غم و غصه را می‌برد.<sup>۳</sup>

رضایت از وضع موجود موجب آرامش و از بین رفتن غم و غصه می‌شود.

۱. ح ۹۲۰۶.

۲. ح ۱۸۵۱.

۳. ح ۱۸۲۲.

### رضایت حسد سوز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ رَضِيَ بِحَالِهِ لَمْ يَعْتَوِرْهُ الْحَسَدُ؛

هرکه به حال خود (کار، زندگی) راضی باشد، حسد پی در پی او را فرا نخواهد گرفت.<sup>۱</sup>

حسادت زمانی ایجاد می‌شود که انسان از وضع زندگی خویش راضی نباشد و پی‌درپی دنبال داشته‌های دیگران باشد و به فکر نداشته‌های خویش.

### نزدیک ولی به دنبال دور

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ عَمِيَ عَنْ زَلَّتِهِ اسْتَعْظَمَ زَلَّةَ غَيْرِهِ؛

هر که از لغزش خود کور باشد لغزش دیگری را بزرگ شمارد.<sup>۲</sup>  
برخی برای پوشاندن عیب خود، به دنبال عیب‌های دیگران می‌روند.

### گندم از گندم بروید، جوز جو

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كَمَا تَزْرَعُ تَحْصُدُ؛

هرگونه بکاری برداشتی کنی.<sup>۳</sup>  
هر نیت و عملی را الان انجام دهیم ثمره آن را در آینده (دنیا، آخرت) خواهیم دید. کار نیک پاداش نیک و برعکس.

۱. ح ۶۸۰۸.

۲. ح ۴۷۰۷.

۳. ح ۲۶۷۹.

## زیارت ایمنی بخش

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِغْبَابُ الزِّيَارَةِ أَمَانٌ مِنَ الْمَلَالَةِ؛

زیارت و دیدوبازدید یک روز در میان یا در هفته یکبار (نسبت به دوستان) ایمنی از ملالت و خستگی است.<sup>۱</sup>

در هر چیز میانه‌روی نیکوست حتی در صلح‌رحم. البته والدین از این موضوع استثناء هستند.

## زیبا بگوی و زیبا بشنوی

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛

زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید.<sup>۲</sup>

## ندانستن مفید

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلٌ لَّا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ؛

گفتن «نمی‌دانم» نصف دانش است.<sup>۳</sup>

ندانستن ارزشمند نیست ولی اینکه انسان بداند که واقعاً نمی‌داند باعث حرکت به سوی دانایی می‌شود؛ و گفتن «نمی‌دانم» از تواضع و شجاعت فرد خبر می‌دهد.

۱. ح ۹۸۰۱.

۲. ح ۹۹۷۹.

۳. ح ۲۵۳.



## اسیران راز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ؛

راز تو اسیر توست پس اگر آن را افشاء نمایی اسیر آن خواهی شد.<sup>۱</sup>  
حرف‌ها و رازها سرپوشیده‌اند و در اختیار انسان هستند ولی با بیان کردن و افشا کردن آن‌ها دیگر در اختیار ما نیستند و باید منتظر عواقب آن بود.

## سخنان هر مجلس

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: حَدِيثُ كُلِّ مَجْلِسٍ يُطَوَّى مَعَ بَسَاطِهِ؛

سخن هر مجلسی با بساط آن پیچیده می‌شود.<sup>۲</sup>  
همان‌طور که در پایان جلسه فرش و بساط را جمع می‌کنند رازها و اسرار آن مجلس نیز باید جمع شود جایی گفته نشود.

## انقباض و انبساط روح

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: السُّرُورُ يَنْبَسُطُ النَّفْسَ وَ يَثْبِيرُ النَّشَاطَ؛ الْعَمُّ يَقْبِضُ النَّفْسَ وَ يَطْوِي

الْإِنْبَسَاطَ؛

شادی، انبساط روح می‌آورد و نشاط‌انگیز است. غم، گرفتگی روح می‌آورد و انبساط را در هم می‌پیچد.<sup>۳</sup>

۱. ح ۷۴۱۵.

۲. ح ۱۱۰۴۱.

۳. ۷۴۵۵ و ۷۳۹۱.

روح انسان هم مانند جسم او دارای انبساط و انقباض است، شادی باعث آزادی و انبساط روح می‌شود و غم باعث انقباض و گرفتگی روح می‌شود.

### نتیجه تلاش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَلَيْكَ بِالسَّعْيِ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ بِالنُّجْحِ؛

بر تو تلاش کردن است ولی پیروزی در دست تو نیست.<sup>۱</sup>

جمله معرفی است که ما مأمور به وظیفه هستیم و نه مأمور به نتیجه. آنچه از دست ما برمی‌آید عمل به وظیفه است و این خود نوعی پیروزی است. ولی نتیجه کار دست ما نیست؛ و وظیفه هر انسانی تلاش و همت اوست چه به نتیجه برسد یا نرسد.

### راز رزق و روزی روان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: التَّسَهُّلُ يُدْرِ الْأَرْزَاقَ؛

سهل گرفتن، روزی‌ها را روان می‌کند.<sup>۲</sup>

از اسباب رزق و روزی فراوان سهل‌گیری در امور زندگانی است.

### مهم‌تر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ صَيَعَ الْأَهْمَ؛

۱. ح ۱۰۱۱۶.

۲. ح ۹۲۷۳.

هر که به غیر مهم اشتغال ورزد مهم‌تر را ضایع می‌سازد.<sup>۱</sup>  
 وقت انسان محدود است و انسان در هر لحظه یک کار را بیشتر نمی‌تواند انجام دهد و باید بین کارها انتخاب و اولویت‌بندی کند.

### نمایش بی‌نیازی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِظْهَارُ الْغِنَى مِنَ الشُّكْرِ؛

اظهار توانگری (قولا و عملاً) از جمله شکر است.<sup>۲</sup>  
 یکی از مراتب شکر این است که فرد خودش را بی‌نیاز و توانگر نشان دهد.

### شکر عالم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شُكْرُ الْعَالِمِ عَلَى عِلْمِهِ عَمَلُهُ بِهِ وَبَدَلُهُ لِمُسْتَحِقِّهِ؛

شکر دانشمند بر علمش عمل کردن او به علم خود و بخشش و آموختن آن است به مستحق آن.<sup>۳</sup>

### جنگ با دشمن واقعی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ضَادُّوا الشَّهْوَةَ مُضَادَّةَ الضُّدِّ ضِدَّهُ وَ حَارِبُوهَا مُحَارَبَةَ الْعَدُوِّ الْعَدُوِّ؛<sup>۴</sup>

با خواهش‌های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن.

۱. ح ۱۰۹۴۴.

۲. ح ۶۱۵۷.

۳. ح ۱۳۳.

۴. ح ۴۸۸۲.

دوستی با خواهش‌های نفسانی انسان را از حیطة انسانیت خارج می‌کند و به ورطه حیوانیت می‌کشاند؛ و برای دور شدن از خوی حیوانی باید با خواهش‌های نفسانی به تضاد و پیکار برخیزیم.

### زمان و مردانگی مردان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فِي تَصَارِيفِ الْأَحْوَالِ تُعْرَفُ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ؛

در دگرگونی‌های احوال، گوهرهای مردان شناخته می‌شود.<sup>۱</sup>  
در سختی‌ها و مشکلات جوهره و اصل مردان معلوم می‌شود.

### اسیر و امیر کلمات

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا تَكَلَّمْتَ بِالْكَلِمَةِ مَلَكَتْكَ وَإِذَا أَمْسَكْتَهَا مَلَكَتْهَا؛

هرگاه به کلمه‌ای سخن گفتی تو را مالک خواهد شد و چون آن را نگهداشتی تو مالک آن خواهی بود.<sup>۲</sup>

انسان درگرو سخنان و رفتار خویش است. تا حرفی یا عملی از ما سر نزده باشد ما مالک آن حرف یا رفتار هستیم و وقتی آن عمل انجام شد و آن حرف بیان شد او مالک ما خواهد بود و ما درگرو او خواهیم بود.

<sup>۱</sup> ح ۱۷۴۷.

<sup>۲</sup> ح ۴۲۲۷.

## نرمش و سختی قهرمانانه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا خِفْتَ صُعُوبَةَ أَمْرٍ فَاصْعُبْ لَهُ يَدُلُّ لَكَ وَخَادِعِ الزَّمَانَ عَنْ أَحْدَاثِهِ تَهْنُ عَلَيْكَ؛

هرگاه از سختی کاری می‌ترسی، در مقابل آن سرسختی نما تا برای تو نرم گردد و با مصیبت‌های روزگار مکر نما تا بر تو کوچک گردد.<sup>۱</sup>  
انسان نباید در مقابل مشکلات زندگی خم به ابرو بیاورد بلکه باید با تکیه بر خدا و همت و پشتکار جلوی آن‌ها بایستد.

## خوردنی‌های فانی و رفتنی‌های ماندگار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا أَكَلْتَهُ رَاحَ وَ مَا أَطْعَمْتَهُ فَاحَ؛

آنچه را که خوردی رفت و آنچه را که خوراندی پهن شد.<sup>۲</sup>  
آنچه خودت خوردی اثری از آن باقی نماند و آنچه به دیگران دادی پاداش و ستایش آن باقی ماند.

## آن قدر در می‌زنم!

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ طَلَبَ شَيْئًا نَالَهُ أَوْ بَعْضَ؛

هر که به دنبال چیزی رود به آن و یا به بعض آن خواهد رسید.<sup>۳</sup>  
تلاش و کوشش در یک مسیر باعث رسیدن به مقصود خواهد شد.

۱. ح ۱۷۷۸.

۲. ح ۸۵۸۳.

۳. ح ۱۰۱۱۳.

### ناامیدی امیدوارکننده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْخَلَاصُ مِنْ أَسْرِ الطَّمَعِ بِاِكْتِسَابِ الْيَأْسِ؛  
رهایی از بند و اسارت طمع، به کسب ناامیدی است.<sup>۱</sup>  
از مردم ناامید شدن، راز رهایی از حرص و طمع است.

### گمان ضد غم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الْهَمَّ؛  
حُسن ظن اندوه را سبک می‌گرداند.<sup>۲</sup>  
اندوه و غم گاهی به‌واسطه برداشت‌های نادرست و سو ظن است و با تمرین  
خوش‌بینی می‌توان سبک‌بال‌تر زندگی کرد.

### گله‌های حیات‌بخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعِتَابُ حَيَاةُ الْمَوَدَّةِ؛  
گله‌گذاری حیات دوستی است.<sup>۳</sup>  
عیب‌های دوست را به نحو احسن گفتن به تداوم دوستی کمک می‌کند.

### بزرگ‌نمایی نیکی‌ها

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُعْظِمَ مَحَاسِنُكَ عِنْدَ النَّاسِ فَلَا تُعْظِمَ فِي عَيْنِكَ؛

۱. ح ۶۶۸۳.

۲. ح ۵۳۲۳.

۳. ح ۹۴۶۵.

هرگاه مایل بودی که نیکوئی‌هایت در نزد مردم بزرگ جلوه کند پس آن‌ها را در چشم خود بزرگ منما.<sup>۱</sup>

اگر شخصی نیکی‌ها و خوبی‌های خود را بزرگ ببیند در حقیقت خوبی‌ها و نیکی‌های دیگران را کوچک شمرده است و این رفتار به‌مرور دوستان و علاقه‌مندان انسان را کم می‌کند. بزرگ دیدن خوبی‌ها و نیکی‌های دیگران نوعی احترام و توجه به دیگران است و باعث محبوبیت شخص در دل‌های مردم می‌شود.

### نیش‌های نزدیک

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَدَاؤُهُ الْأَقْرَابِ أَمْرٌ مِنْ لَسَعِ الْعَقَارِ؛

دشمنی خویشان و نزدیکان تلخ‌تر از گزیدن عقرب‌هاست.<sup>۲</sup>

انسان در سختی‌ها و گرفتاری‌ها و مشکلات توقع یاری و همدلی از نزدیکان و دوستان دارد که این همدلی و همراهی می‌تواند مرهمی بر زخم‌ها باشد اما اگر برعکس شود و دوستان به‌جای دوستی دشمنی کنند، درد و سختی آن تلخ و گزنده است.

### دوستان خوشبخت و خانواده بدبخت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا يَكُنْ أَهْلَكَ وَ دُوْ دُوكَ أَشَقَى النَّاسِ بِكَ؛

چنین مباش که خانواده و دوستان بدبخت‌ترین مردم به تو باشند.<sup>۳</sup>

۱. ح ۵۱۴۳.

۲. ح ۹۳۳۷.

۳. ح ۹۲۷۹.

چنین نباید بود که با دیگران به خوبی معاشرت کنیم ولی با خانواده و دوستان خویش با نامهربانی و بداخلاقی رفتار کنیم.

### واگذاری و یادآوری دوست‌داشتنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اذْكُرْ أَخَاكَ إِذَا غَابَ بِالَّذِي تُحِبُّ أَنْ يَذْكُرَكَ بِهِ وَإِيَّاكَ وَ مَا يَكْرَهُهُ وَ دَعَا مِمَّا تُحِبُّ أَنْ يَدْعَكَ مِنْهُ؛

در نبود برادرت به‌گونه‌ای از او یاد کن که دوست داری او چنین کند و پرهیز از آنچه دوست ندارد و واگذار از او آنچه را که دوست داری که او از تو واگذارد.<sup>۱</sup> آنچه بر خود نمی‌پسندی برای دیگران هم می‌پسند.

### شوق دیدار

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَالِطُوا النَّاسَ مُخَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ بَكْوَا عَلَيْهِمْ وَإِنْ غَبْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ؛  
با مردم نوعی سلوک و آمیزش کنید که اگر بمیرید بر شما گریه کرده و اگر غایب شوید مشتاق شما و در انتظار آمدن شما باشند.<sup>۲</sup>  
انسان باید طوری زندگی کند و به‌گونه‌ای با مردم در ارتباط باشد و همراهی کند که در حضور و غیاب او، مشتاق دیدار و ملاقات او باشند.

### دوستی پولکی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَعْظَمَكَ لِإِكْتَارِكَ اسْتَقْلَلَكَ عِنْدَ إِقْلَالِكَ؛

۱. ح ۹۶۶۳.

۲. ح ۱۰۰۲۸.



هر که برای مالت بسیار تورا تعظیم کند، هنگام کم مالی (کم پولی) تورا حقیر

شمارد.<sup>۱</sup>

دوستی که با مال و پول بیاید با بی پولی هم می‌رود. دوستان پولکی فقط در

هنگام خوشی و دارایی همراه انسان هستند.

### عافیت‌های مجهول

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْعَوَافِي [الْعَافِيَةُ] إِذَا دَامَتْ جُهِلَتْ وَإِذَا فُقِدَتْ عُرِفَتْ؛

عافیت‌ها چون همیشگی باشند مجهول مانند و هرگاه ازدست‌داده شوند

شناخته شوند.<sup>۲</sup>

انسان‌ها وقتی که در خوشی‌ها و عافیت غوطه‌ور شوند، قدر این عافیت را

نمی‌دانند و این نعمت برایشان گمنام و مجهول باقی می‌ماند، ولی هنگامی که

بیماری یا گرفتاری به انسان عارض شود، تازه متوجه خوشی و سلامتی و عافیت

ازدست‌رفته می‌افتند و سلامتی ازدست‌رفته را درک می‌کنند.

### پذیرش عذر و گشاده‌رویی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: اقْبَلْ أَعْدَاكَ النَّاسِ تَسْتَمْتِعَ بِإِخَائِهِمْ وَالْقَهْمُ بِالْبِشْرِ تُمْتُ أَصْعَانَهُمْ؛

پوزش‌های مردم را بپذیر تا از برادری آن‌ها بهره‌مند گردی و با روی گشاده با

آن‌ها برخورد نما تا کینه‌های آنان را بمیرانی.<sup>۳</sup>

۱. ۱۰۰۳۶.۱

۲. ح ۱۱۱۵۲

۳. ح ۱۰۲۴۲

انسان‌ها به‌واسطه زندگی اجتماعی و ارتباطی که با دیگران دارند ممکن است اختلاف‌نظرها و کدورت‌هایی در روابط بین فردی ایجاد شود، تعالیم دینی به ما می‌آموزند که از خطاها و اشتباهات دیگران بگذریم و عذرخواهی و پوزش آن‌ها را بپذیریم و با برخورد کریمانه از کدورت و کینه که خواستگاه غضب و خشم و دشمنی است جلوگیری کنیم، چراکه ممکن است این اشتباهات و خطاها از ما هم سر بزند و در آن موقع ما هم انتظار ببخشش داریم.

### عقل و عمل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعَقْلُ أَنْ تَقُولَ مَا تَعْرِفُ وَتَعْمَلُ بِمَا تَنْطِقُ بِهِ؛

عقل آن است که آنچه را که می‌دانی بگوئی و به آنچه می‌گویی عمل نمائی.<sup>۱</sup> بیان آنچه انسان نمی‌داند یا درباره آن اطلاعات کمی دارد کار عاقلانه‌ای نیست و لازمه کار عقلایی آن است که چیزی را بیان کنیم که از روی آگاهی و اطلاعات کافی است و بعد از بیان عالمانه نوبت به عمل می‌رسد چراکه دو صد گفته چون نیم کردار نیست.

### آتش عقل و هیزم ادب

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ذِكُّ عَقْلِكَ بِالْأَدَبِ كَمَا تُذَكِّي النَّارُ بِالْحَطَبِ؛

عقل خود را به ادب افروخته کن چنانکه آتش به‌وسیله هیزم افروخته می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. ح ۴۷۱.

۲. ح ۵۱۰۰.

عقل قدرتی درونی است که باید با رفتار و کلام در بیرون ظاهر شود. رفتار مؤدبانه در بیرون نشانه فهمی حکیمانه در درون است.

### دو نیمه‌ی عاقل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ وَ نِصْفُهُ تَعَاْفُلٌ؛

نصف عاقل تحمل (بی‌ادبی‌ها و آزار مردم) و نصف (دیگر) او تغافل و چشم‌پوشی است.<sup>۱</sup>

تحمل و تغافل در روابط اجتماعی به ما کمک می‌کند که عاقلانه تصمیم بگیریم و عاقلانه عمل کنیم.

### طیب عاقل، مریض جاهل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يُخَاطَبَ الْجَاهِلَ مُخَاطَبَةَ الطَّيِّبِ الْمَرِيضِ؛

برای خردمند سزاوار است که با جاهل سخن گوید مانند سخن گفتن طیب با مریض.<sup>۲</sup>

کسی که در روابط اجتماعی جاهلانه عمل می‌کند و جاهلانه سخن می‌گوید بیمار است و در مقابل کسی که در پی راهنمایی و کمک به چنین افرادی باشد نه تنها نباید از این رفتار ناراحت شود بلکه باید برای رفع این بیماری، با مهربانی و دلسوزی و طیب گونه و با آن‌ها برخورد کند.

۱. ح ۵۰۲۶.

۲. ح ۴۹۱.

## وقت اندک دانش‌آموزی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحَاطَ بِهِ فَحُدُّوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ؛

دانش بیش از آن است که فراگرفته شود، پس از هر دانشی نیکوترین آن را فراگیرید.<sup>۱</sup>

قطعاً فراگیری همه علوم برای انسان‌ها دشوار و غیرممکن است، لذا در این وقت محدود، دانش آموختن باید بر اساس استعداد و فضیلت علوم، بهترین علم را انتخاب کرد.

## دانستنی‌های ناچیز و دشمنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تُعَادُوا مَا تَجْهَلُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْعِلْمِ فِيمَا لَا تَعْرِفُونَ؛

با آنچه نمی‌دانید دشمنی مکنید، زیرا اکثر علم در چیزی است که نمی‌شناسید.<sup>۲</sup>

دانستنی‌های انسان قطعاً از دانستنی‌های او بیشتر است، گاهی انسان علم اندک خویش را ملاک درستی و نادرستی حقایق می‌داند و اگر با چیزی غیر از دانستنی‌های اندک خویش مواجه شود، به دشمنی با آن برمی‌خیزد و آن را انکار می‌کند.

۱. ح ۱۸۴.

۲. ح ۱۹۴.

## عالم و نادان کمرشکن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَا قَصَمَ ظَهْرِي إِلَّا رَجُلَانِ عَالِمٌ مُتَهَتِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ هَذَا يُنْفَرُ عَنْ حَقِّهِ بِهَتِّكِهِ وَ هَذَا يُدْعُو إِلَى بَاطِلِهِ بِنُسُكِهِ؛ فقط دو شخص کمرم را شکستند؛ عالمی که از انجام گناه ابائی ندارد و نادانی که اهل عبادت باشد. آن عالم با ارتکاب گناهان، مردم را از دین‌داری فراری می‌دهد و این نادان، به خاطر عبادتش، مردم را به سمت باطل می‌کشاند.<sup>۱</sup>

مردم گمان می‌کنند عمل نادان صحیح است و لذا فریب عبادت او را می‌خورند؛ و عمل ناصحیح عالم نیز باعث می‌شود مردم بدبین به علم و دین شوند.

## گذشته، حال، آینده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ مَاضِيَّ عُمْرِكَ أَجَلٌ وَ آتِيَّتُهُ أَمَلٌ وَ الْوَقْتُ عَمَلٌ؛

به‌راستی که عمر گذشته‌ات وعده‌ای است به سر آمده پس نتوان در آن کاری کرد و آینده آن آرزویی است (آدمی نمی‌داند موفق خواهد شد یا نه؟) و زمانی که در آن هستی وقت عمل است (پس نباید از دست داد).<sup>۲</sup>

میان گذشته و حال و آینده فقط زمان حال فرصت عمل است. نسبت به دیروز و فردا کاری از ما ساخته نیست، مگر با عمل در امروز که به جبران گذشته و ساخت

۱. ح ۲۴۵.

۲. ح ۳۰۲۴.

آینده برویم. اگر می‌خواهیم از فردا شروع کنیم، وقتش امروز است، چراکه امروز فردای دیروز است.

### زبان عمل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِسَانُ الْحَالِ أَصْدَقُ مِنْ لِسَانِ الْمَقَالِ؛

زبان حال (عمل)، راستگوتر از زبان گفتار است.<sup>۱</sup>

عملی که شخص انجام می‌دهد از حرفی که می‌زند گویاتر است.

### عادت، طبع دوم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْعَادَةُ طَبْعٌ ثَانٍ؛

عادت طبع دوم است.<sup>۲</sup>

عادت گویا جزء خلقت و خوی انسان شده است.

### سلطان عادت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِلْعَادَةِ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ سُلْطَانٌ؛

عادت، بر هر انسانی سلطه دارد.<sup>۳</sup>

۱. ح ۲۸۴۲.

۲. ح ۷۴۷۷.

۳. ح ۷۴۸۴.

برای تغییر رفتارهای اشتباه آگاهی به این مطلب مهم است که بعضی رفتارها به عادت تبدیل شده و قدرت عادت زیاد است و عادت‌ها بر انسان سلطه دارند. برای رهایی از این سلطه باید با برنامه و هدفمند عمل کرد.

### فرار از عیب‌های خویش

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذُو الْعُيُوبِ يُحِبُّونَ إِشَاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُدْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ؛

صاحبان عیب‌ها شایع کردن عیب‌های مردم را دوست دارند تا برایشان عذری در عیب‌های خود باشد.<sup>۱</sup>

شایع شدن عیوب دیگران به آن‌ها کمک می‌کند که عیوب خودشان را نادیده بگیرند و به جای اصلاح خویش در پی این هستند که جامعه را هم‌رنگ خودشان درآوردند و با این کار در جامعه انگشت‌نما نمی‌شوند و تنها نمی‌مانند و در ضمن عیب‌های خویش را قبیح و زشت نمی‌دانند. چراکه کسانی دیگر این عیب‌ها را دارند.

### سرزنش واگیردار

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ عَيَّرَ بَشِيًّا بِلِيٍّ بِهِ؛

هر که (دیگران) را سرزنش نماید خود به آن مبتلا گردد.<sup>۲</sup>

۱. ح ۹۶۵۲.

۲. ح ۱۱۰۰۸.

### چشم‌پوشی روشنی‌بخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَ لَا يَغُضَّ [لَا يَتَقَاض] عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ؛

هرکه تغافل و چشم‌پوشی از بسیاری از کارها نکند، زندگی‌اش تیره گردد.<sup>۱</sup>  
سخت می‌گیرد جهان بر مردمان سخت‌گیر. باید از بعضی مشکلات چشم‌پوشی کرد و زیبایی‌ها را دید تا زندگی روی خوشش را به ما نشان دهد.

### نگاه‌کشنده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ اجْتَلَبَ حَتْفَهُ؛

کسی که نگاه خود را رها کند خود را به‌طرف مرگ کشد.<sup>۲</sup>  
آزاد گذاشتن چشم و نگاه کردن به هر چیز و هر کس و هر مکان باعث ناراحتی‌ها و سلب آسایش از آدمی می‌شود و چه‌بسا زمینه هلاکت را فراهم کند.  
چراکه آدمی با چشم خود می‌بیند و آن را می‌خواهد ولی به آن نمی‌رسد و این مایه رنج و عذاب او می‌شود.

### خشم رسوایی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْغَضَبُ يُزِدِي صَاحِبَهُ وَ يُبْذِي مَعَايِبَهُ؛

خشم صاحب خود را به بلا و عذاب می‌افکند و عیب‌های او را آشکار می‌سازد.<sup>۳</sup>

۱. ۱۰۳۷۵.

۲. ح ۵۵۵۸.

۳. ح ۶۸۹۲.



در هنگام خشم چون تعادل روانی انسان به هم ریخته است، عمل و حرف در هنگام خشم هم متعادل نیست و ممکن است باعث پشیمانی‌هایی شود که قابل جبران نیست؛ و ممکن است در این هنگام اعمالی از انسان سر بزند که در حالت عادی آن‌ها را انجام نمی‌داد و باعث آشکاری بعضی عیوب مخفی شود.

### ابتدای و انتهای خشم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأُولُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ؛

بر تو باد به دوری از خشم، پس اولش دیوانگی و آخر آن پشیمانی است.<sup>۱</sup>

### اندوه ضعیف کننده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَلْهَمُ يُذِيبُ الْجَسَدَ؛

غم و اندوه بدن را آب می‌کند.<sup>۲</sup>

### بی‌تابی ناتوان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْحُزْنُ وَالْجَزَعُ لَا يَرُدُّانِ الْقَائِتَ؛

اندوه و بی‌تابی از دست‌رفته را بر نمی‌گردانند.<sup>۳</sup>

برای جبران کارهای گذشته باید متناسب با عمل فوت‌شده، اقدام جدید و متناسب صورت بگیرد. اندوه و بی‌تابی، جز خسارت روحی چیزی به دنبال ندارد.

۱. ح ۶۸۹۸.

۲. ح ۷۴۵۳.

۳. ح ۵۶۲۱.

## فال نیک

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقَالَ بِالْخَيْرِ تَنْجَحُ؛

فال نیک بزن تا پیروز شوی.<sup>۱</sup>

دستگاه روانی انسان هوشمند است، اگر در اندیشه‌ی موفقیت باشیم حاصل آن پیروزی است و اگر از اول ناامید باشیم چیزی جز ناامیدی درو نخواهیم کرد.

## خوشحالی زودگذر

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقَطَةِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الرَّمَانُ؛

به سقوط غیر خود هرگز خوشحال مباش، زیرا که تو نمی‌دانی روزگار نسبت به تو چه پدید آورد.<sup>۲</sup>

به شکست‌های دیگران نباید خندید چراکه روزگار در حال چرخش است و ممکن است روزی نوبت ما برسد.

## شیطان بیکاری

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبُوءُ؛

همراه با فراغت (بیکاری)، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود.<sup>۳</sup> کسی که بیکار است شیطان راحت‌تر می‌تواند او را برای خواسته‌های نفسانی و شیطانی به کار بگیرد.

۱. ح ۱۱۵۷.

۲. ح ۶۸۴۲.

۳. ح ۷۵۹۴.

## ردیلت‌های سرشستی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَكْرَهُ نَفْسَكَ عَلَى الْفَضَائِلِ فَإِنَّ الرِّذَائِلَ أَنْتَ مَطْبُوعٌ عَلَيْهَا؛

نفس خود را به پذیرش فضایل مجبور کن؛ زیرا ردیلت‌ها در نهاد تو سرشته

است.<sup>۱</sup>

جنگ ردیلت و فضیلت (خوبی و بدی) در نهاد انسان‌ها وجود دارد. اگر در این

نبرد به فضایل کمک نکنیم پیروزی با رذایل خواهد بود.

## دروغ فقر ساز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ؛

هر که به دروغ اظهار فقری کند فقیر گردد.<sup>۲</sup>

فقر گاهی به بی‌پولی و بی‌مالی نیست، فقر گاهی به درک انسان است، کسی

که ثروت دارد و اظهار فقر می‌کند در حقیقت فقیر است هر چند ثروت مالی دارد.

## عبادت ذهنی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: التَّفَكُّرُ فِي آلَاءِ اللَّهِ نِعْمَ الْعِبَادَةِ؛

اندیشیدن درباره نعمت‌های خدا، چه نیکو عبادتی است.<sup>۳</sup>

عبادت انواع گوناگونی دارد و یکی از بالاترین عبادت‌ها تفکر است که باعث

عبادت جوارحی هم می‌شود؛ و در عمل نمایان می‌شود.

۱. ۷۳۱۴.۱

۲. ح ۸۴۰۵.

۳. ح ۵۳۴.

## تفکر عمل ساز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْفِكْرُ فِي الْخَيْرِ يَدْعُو إِلَى الْعَمَلِ بِهِ؛

اندیشیدن به خوبی‌ها آدمی را به انجام دادن آن‌ها برمی‌انگیزد.<sup>۱</sup>  
تفکر مقدمه عمل است. وقتی انسان به کارهای خیر فکر می‌کند مقدمه عمل را انجام داده است و کم‌کم به سمت عمل پیش می‌رود.

## فکر گناه ساز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فِكْرُكَ [ذِكْرُكَ] فِي الْمَعْصِيَةِ يَحْدُوكَ عَلَى الْوُقُوعِ فِيهَا؛

فکر کردنت به گناه، تو را به آن گناه می‌کشاند.<sup>۲</sup>

## عاقبت اندیشی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَغْلِقْ بَاباً يُعْجِزُكَ افْتِتَاحُهُ؛

دری را که باز کردنش تو را ناتوان می‌سازد مبنده.<sup>۳</sup>  
عاقبت اندیشی از لوازم انجام کارهاست. انسان نباید عملی را انجام بدهد که یا راه بازگشت نداشته باشد یا راه بازگشتش سخت باشد.

## لجاجت نتیجه بخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ اسْتَدَامَ قَرَعَ الْبَابَ وَلَجَّ وَلَجٌ؛

۱. ح ۵۴۰.

۲. ح ۵۵۸.

۳. ح ۱۰۹۷۸.

هر کس به کوبیدن دری ادامه دهد و اصرار ورزد عاقبت از آن در وارد خواهد شد.<sup>۱</sup>

جوینده یابنده است. تلاش و همت سرانجام انسان را به مقصد می‌رساند.

### نامیدی قاتل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: قَتَلَ الْقَتُوطُ صَاحِبَهُ؛

نومیدی، صاحب خود را می‌کُشد.<sup>۲</sup>

آدمی به امید زنده است، امید نباشد هیچ کشاورزی دانه را نمی‌کارد و هیچ دانش‌آموزی به مدرسه نمی‌رود. نامیدی جان عمل را از انسان می‌گیرد.

### زخم سخن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: زُبِّ كَلَامٍ كَلَامٌ؛

بسا سخنی که بسیار زخم کننده است.<sup>۳</sup>

چه بسا با گفتن جمله‌ای زخم و جراحی در روح و جان انسان ایجاد شود که به راحتی قابل درمان و ترمیم نباشد.

### سخن زلال

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَا تَكُنْ فِيمَا تُورِدُ كَحَاطِبِ لَيْلٍ وَ غُثَاءِ سَيْلٍ؛

۱. ح ۳۷۵۸.

۲. ۱۳۳۱.

۳. ح ۴۱۰۹.

در ایراد سخن مانند جمع کننده هیزم در شب و کف و آشغال روی سیل  
مباش.<sup>۱</sup>

هنگام سخن مطالب محکم و مستدل و بیان کن و سخنان زلال مطرح کن، نه  
مثل سیل که همه چیز را با خود می آورد.

سیل، تر و خشک را باهم می آورد؛ و تو در هنگام سخن گفتن صحیح و غلط را  
با هم نیاور.

### متکبر ناچیز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: عَجِبْتُ لِمُتَكَبِّرٍ كَانَ أَمْسِ نُطْفَةٍ وَهُوَ فِي عَدِ حَيْفَةٍ؛

عجب دارم از متکبر، دیروز نطفه بود و فردا مُرداری خواهد بود.<sup>۲</sup>

تکبر یعنی بزرگ دیدن خویش. انسان به گذشته‌اش متکبر باشد یا به  
آینده‌اش؟

### مُهر عقل

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَأَعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خْتَمِهِ فَإِنَّمَا تَحْتِمُ عَلَى عَقْلِكَ؛

هرگاه نوشته ای را نوشتی قبل از مُهر کردن (تمام کردن، فرستادن)، آن، در  
آن اعاده نظر نما (بازنگری کن) زیرا که بر عقل خود مُهر خواهی زد.<sup>۳</sup> (زیرا  
نوشته‌هایت از عقل و درک تو خبر می دهد).

۱. ح ۱۰۹۶۹.

۲. ح ۷۱۳۰.

۳. ح ۲۸۵.

سخن و نوشته ما نماینده عقل و حکمت ما خواهد بود.

### کاغذ آرامش بخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةٌ؛

کسی که با کتاب آرامش یابد، هیچ آرامشی را از دست نداده است.<sup>۱</sup>

### معرفی خود

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ أَكْثَرَ مِنْ شَيْءٍ عُرِفَ بِهِ؛

هر که بسیار در چیزی درآمیزد بدان شناخته شود.<sup>۲</sup>

هرکس اهل هرکاری باشد با همان کار در میان مردم شناخته می شود.

### دروغ گوی مرده

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْكُذَّابُ وَالْمَيِّتُ سَوَاءٌ فَإِنَّ [لِأَنَّ] فَضِيلَةَ الْحَيِّ عَلَى الْمَيِّتِ الثَّقَّةُ بِهِ

فَإِذَا لَمْ يُوثَقْ بِكَلَامِهِ [فَقَدْ] بَطَلَتْ حَيَاتُهُ؛

دروغ گو و مرده مساوی اند، زیرا برتری زنده بر مرده آن است که به او اعتماد

می کنند و آنگاه که به سخن او اعتماد نشود، حیات او باطل شده است.<sup>۳</sup>

ملاک حیات و ممات انسان به نفس کشیدن و نکشیدن نیست، کسی که نشود

بر قول و فعل او اعتماد کرد و اطمینان کرد مُرده متحرکی بیش نیست.

۱. ح ۲۹۳.

۲. ح ۱۱۱۰۱.

۳. ح ۴۳۸۶.

## خوردن و خوراندن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَذَّةُ الْكِرَامِ فِي الْإِطْعَامِ وَ لَذَّةُ اللَّئِمِّ فِي الطَّعَامِ؛  
لذت کریمان در خوراندن و لذت لئیمان در خوردن است.<sup>۱</sup>  
تفاوت لئیم و کریم در آنی بیش نیست. خوردن و خوراندن.

## تشکر زبانی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا قَصَرَتْ يَدُكَ عَنِ الْمُكَافَاةِ فَأَطِلْ لِسَانَكَ بِالشُّكْرِ؛  
هر گاه دستت از مکافات و جبران (کار نیک دیگران) کردن کوتاه گردد پیوسته  
با زبانت سپاسگزاری کن.<sup>۲</sup>

جبران محبت و خدمت دیگران هم با دست است و هم با لسان، اگر جبران از دست (عملی) برنمی‌آید از زبان برای تشکر و قدردانی باید کمک گرفت.

## عادت زبان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِسَانَكَ يَفْتَضِيكَ مَا عَوَّدْتَهُ؛  
زبان تو به آنچه عادتش دادی، از تو می‌خواهد.<sup>۳</sup>  
هرگونه زبان را عادت دهی همان‌گونه عمل می‌کند. اگر به سخنان نیک  
عادتش دادی همان را به زبان جاری می‌کند؛ و برعکس در سخنان ناپسند.

۱. ح ۸۴۹۹.

۲. ح ۶۱۶۰.

۳. ح ۴۱۴۶.



### سرزنش آتش‌زا

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُشْبِهُ نَارَ اللَّجَاجَةِ؛

زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را می‌افروزد.<sup>۱</sup>  
سرزنش بیش از اندازه باعث لجبازی و دشمنی می‌شود.

### درد سرزنش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِعَادَةُ التَّفْرِيعِ أَشَدُّ مِنْ مَصِّصِ الصَّرْبِ؛

اعاده (تکرار) سرزنش از درد کتک سخت‌تر است.<sup>۲</sup>

### زیادی سرزنش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَثْرَةُ التَّفْرِيعِ تُوَعِّرُ الْقُلُوبَ وَتُوحِشُ الْأَصْحَابَ؛

سرزنش زیاد، دل‌ها را به دشمنی انداخته و یاران را دور خواهد کرد.<sup>۳</sup>

### قاتل ناخواسته

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ مَدَحَكَ فَقَدْ دَبَحَكَ؛

هر که مدح و ستایش تو کند در حقیقت تو را سر بریده است.<sup>۴</sup>  
ممکن است اشاره به این باشد که شخص دچار عجب و غرور شود.

۱. ح ۴۵۰۷.

۲. ح ۴۵۰۵.

۳. ح ۱۱۰۰۶.

۴. ح ۱۰۷۳۴.

### شوخی کینه‌ساز

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: دَعِ الْمِرَاحَ فَإِنَّهُ لِقَاحُ الضَّغِينَةِ؛

خوش طبعی زیاد را واگذار که آن آبستن کینه است.<sup>۱</sup>  
شوخی نابجا و بی‌مورد منجر به کینه و دشمنی می‌شود.

### جدایی سود رسان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْمَالُ لَا يَنْفَعُكَ حَتَّى يَفَارِقَكَ؛

مال تا از تو جدا نشود تو را سودی نرساند.<sup>۲</sup>  
مال اگر در کار نیک و خیر مصرف شد آن زمان برای انسان سودمند است.

### میل به هم نوع

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كُلُّ شَيْءٍ يَمِيلُ إِلَى جَنْسِهِ؛

هر چیزی به جنس خود میل می‌کند.<sup>۳</sup>  
دانا با دانا، نادان با نادان، کبوتر با کبوتر...

### نصیحت اشتباه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: نُصْحُكَ بَيْنَ الْمَالِ تَفْرِيعٌ؛

۱. ح ۴۴۶۴.

۲. ح ۸۲۹۶.

۳. ح ۹۷۱۹.

نصیحت کردن تو در میان جمعیت سرزنش است.<sup>۱</sup>  
 نصیحت کردن در مقابل جمع اثر برعکس خواهد داد و نه تنها موجب راهنمایی  
 نمی‌شود بلکه باعث سرزنش و شماتت می‌شود.

### سرکشی در مقابل سرکشی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِذَا صَعَبَتْ عَلَيْكَ نَفْسُكَ فَاصْعَبْ لَهَا تَذِلُّ لَكَ وَخَادِعُ نَفْسِكَ عَنْ  
 نَفْسِكَ تَتَّقُدْ لَكَ؛

هر گاه نفست بر تو سرکشی کند پس تو هم در مقابل آن سرکشی نما رام تو  
 خواهد گردید و با نفس خویش از نفس خود خدعه و مکر کن تا تو را اطاعت  
 نماید.<sup>۲</sup>

نفس سرکشی و دشمنی می‌کند از این رو شایسته است. انسان نیز با او مقابله  
 کند و حتی او را فریب دهد.

### سخن چین

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ نَقَلَ إِلَيْكَ نَقْلَ عَنكَ؛

هر که به سوی تو نقل نماید از تو نقل کند.<sup>۳</sup>  
 هر که سخنان دیگران را نزد تو بازگو کند، همان شخص سخنان را نزد دیگری  
 خواهد زد.

۱. ح ۴۵۶۶.

۲. ح ۴۸۲۰.

۳. ح ۴۴۳۲.

## بدترین مردم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: شَرُّ النَّاسِ مَنْ يَرَى أَنَّهُ خَيْرُهُمْ؛

بدترین مردم کسی است که خود را بهترین آن‌ها ببیند.<sup>۱</sup>

وقتی کسی خودش را بهترین مردم می‌داند، نه عیب‌های خویش را می‌بیند و نه در تلاش برای رفع این عیوب است.

## دردی پنهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: سُوءُ النَّيَّةِ دَاءٌ دَفِينٌ؛

بدی نیت، درد پنهان است.<sup>۲</sup>

نیت مرحله قبل از عمل است، عمل را می‌توان دید و اگر اشتباه و نادرست باشد می‌توان آن فهمید و در پی تلاش برای اصلاح او بود، اما نیت فاسد، بیماری روحی است که به راحتی قابل شناسایی و اصلاح نیست؛ و سرانجام این درد پنهان در عمل آشکار می‌شود.

## مثلث محبت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ثَلَاثٌ يُوجِبْنَ الْمَحَبَّةَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ حُسْنُ الرَّفْقِ وَ التَّوَّاضُعُ؛

سه چیز سبب دوستی است: حُسن خلق، حُسن مدارا، فروتنی.<sup>۳</sup>

۱. ح ۷۰۸۲.

۲. ح ۱۶۰۹.

۳. ح ۵۳۷۲.

## توکل اندوه را

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ تَوَكَّلَ لَمْ يَهْتَمَّ؛

هر که توکل کند اندوهناک نگردد.<sup>۱</sup>

اندوه زمانی حاصل می‌شود که شخص خودش را در انجام امور تنها و بی‌یاور می‌بیند، اما شخص متوکل، خودش را به قدرت لایزال الهی متصل می‌کند و امور خودش را به خداوند می‌سپارد.

## دل شاهد محبت

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: سَلُوا الْقُلُوبَ عَنِ الْمَوَدَّاتِ فَإِنَّهَا شَوَاهِدٌ لَا تَقْبَلُ الرُّشَا؛

دوستی و محبت را از دل‌ها بپرسید که دل‌ها گواهانی هستند که رشوه نمی‌پذیرند.<sup>۲</sup>

قلوب انسان‌ها نمی‌تواند دروغ بگوید یا اینکه با جبر و زور محبت کسی را به دل بگیرد؛ و نشانه دوست داشتن را از قلب باید پرسید آیا قلبا او را دوست داریم یا خیر.

## هدیه دوستی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْهَدِيَّةُ تَجْلِبُ الْمَحَبَّةَ؛

هدیه دادن، دوستی را به دنبال می‌آورد.<sup>۳</sup>

۱. ح ۳۸۸۱

۲. ح ۹۴۳۱

۳. ح ۹۹۶۰

هدیه دادن نشانه‌ای از صدق کلام در دوست داشتن است و منجر به دوستی می‌شود و در مواردی آن را تقویت می‌کند.

### همت‌های بلند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كُنْ بَعِيدَ الْهَمِّ إِذَا طَلَبْتَ كَرِيمَ الظَّفَرِ إِذَا غَلَبَتْ؛

دور (بلند) همت باش هر گاه طلب کنی.<sup>۱</sup>

همت بلند دار که مردان روزگار \*\*\* از همت بلند به جایی رسیده‌اند

### ناامیدی امیدبخش

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: الْيَأْسُ مَسْأَلَةٌ؛

ناامیدی (از مردم) دل‌داری و تسلی است.<sup>۲</sup>

ناامیدی از مردم مایه آرامش است. چراکه با امید داشتن به مردم دچار اضطراب می‌شویم که آیا خواهد داد یا خیر؟ آیا قبول می‌کند یا خیر.

۱. ح ۱۰۲۷۶.

۲. ح ۹۲۳۸.

# داستان‌های از امام علی علیه السلام

## خوراک مقوی و اندک

شخصی از امام علی علیه السلام به خاطر نوع غذا و کمی آن ایراد گرفت و گفت: اگر این غذای فرزند ابوطالب است پس او در جنگ با جنگ جویان و شجاعان ناتوان خواهد بود.

حضرت در پاسخ به اینکه غذای سالم و مفید به حجم و رنگ نیست فرمود:

«إِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَضَلَبُ عُوداً وَالرَّوَاتِعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً...»

بدانید درخت بیابان (چوبش) محکم‌تر است (با اینکه کمتر به آن آب می‌رسد) و درختان کناره‌ی جویبار پوستشان نازک‌تر است. (با اینکه آب و کود بیشتری به آن می‌رسد). (چوب) درختانی که با آب باران می‌رویند پراش و دیر خاموش‌ترند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

## چشم‌پوشی

روزی پیامبر ﷺ با جمعی از اصحاب خود نشسته بودند ناگهان شخصی خدمت پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: یا رسول‌الله! در فلان خانه مردی و زنی به فساد مشغول‌اند.

پیامبر ﷺ فرمود: این خبر تو را باید بررسی کنم و آن‌ها را بخواهم ببینم مطلب چیست؟

چند تن از یاران که آنجا بودن اجازه احضار آن‌ها را خواستند، لیکن پیامبر ﷺ هیچ‌یک از آنان را اجازه نداند تا این که حضرت علی علیه السلام خدمت پیامبر ﷺ رسید آنگاه پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود: یا علی! تو برو و بین این ماجرا که می‌گویند راست است یا نه.

امام علی علیه السلام آمد تا رسید به در خانه، آنگاه چشمان خود را برهم گذاشت و وارد خانه شد و دست بر دیوار داشت تا وقتی که گرد خانه گردید و بیرون آمد چون خدمت پیامبر ﷺ رسید عرض کرد یا رسول‌الله ﷺ من گرد آن خانه گشتم ولی هیچ‌کس را آنجا ندیدم.

پیامبر ﷺ به نور نبوت مطلب را یافت که علی علیه السلام نمی‌خواهد آن دورا رسوا نماید از این رو فرمود: یا علی! انت فتی هذه الامه؛ یا علی! تو جوانمرد این امتی.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> میزان الحکمه، به نقل از کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، رمزی اوحدی، محمدرضا، سعید نوین، قم، ۱۳۹۵.



## کی بیشتر خرما خورده؟

روزی رسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ خرما می‌خوردند هر خرمایی را که رسول خدا ﷺ می‌خورد به آرامی هسته‌اش را نزد علی ﷺ می‌نهاد تا این‌که خرماها تمام شد ولی پیش حضرت رسول ﷺ هیچ هسته خرمایی نبود و همه نزد علی ﷺ بود. رسول خدا ﷺ فرمود: هر که هسته‌اش بیشتر بود او پرخور است همه نگاه کردند. جلوی علی ﷺ از همه بیشتر بود. علی ﷺ گفت: «ولی من فکر می‌کنم پرخور کسی است که خرماهایش را با هسته خورده.» همه نگاه کردند. جلوی پیامبر ﷺ هسته خرمایی نبود.<sup>۱</sup>

## آتش پنهان

روزی در زمان خلافت عثمان شخصی کاسه سر کافری را که سال‌ها قبل مرده بود را از قبرستانی آورد و آن را جلوی عثمان قرارداد و از او پرسید: شما که می‌گویید کافر در آتش است و می‌سوزد پس چرا این جمجمه و کاسه سر کافر نسوخته و حتی داغ هم نیست؟!

عثمان از جواب بازماند لذا جهت حل موضوع کسی را به دنبال امام علی ﷺ فرستاد. امام علی ﷺ نزد عثمان رفت و عثمان به سؤال کننده گفت: سؤال را از این مرد بپرس تا جوابش را بیابی؟

۱. الخزان، مرحوم نراقی، ص ۳۲۵.

آن مرد سؤال خود را برای امام علی علیه السلام بازگو کرد. امام علیه السلام دستور داد یک قطعه سنگ چخماق<sup>۱</sup> بیاورند آنگاه سنگ را در جلوی آن شخص گذاشتند. امام به او فرمود: این سنگ را که می‌بینی در ظاهر سرد است ولی در درون خود آتش دارد لذا اگر این سنگ را به سنگی دیگر بزنیم از آن آتش بیرون می‌جهد جمجمه کافر نیز در درون خود آتش دارد. آن مرد با شنیدن فرمایشات امام جواب خود را دریافت و از محضرت امام خارج شد.<sup>۲</sup>

### تنها برنده مسابقه

روزی به پیامبر صلی الله علیه و آله دو شتر هدیه دادند، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از آن دو شتر را هدیه و جایز قرارداد برای کسی که بتواند دو رکعت نماز بخواند و چیزی از دنیا را به ذهن خود نگذارد و به فکر چیزی از دنیا نیفتد. کسی به پیامبر صلی الله علیه و آله در این مسابقه پاسخ مثبت داد. «وَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ سِوَى عَلِيِّ عليه السلام؛ به جز علی عليه السلام که پاسخ مثبت داد و برای خواندن نماز حاضر شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله هر دو شتر را به علی عليه السلام مرحمت فرمود.<sup>۳</sup>

### مبدأ تاریخ هجری

روزی عمر، بزرگان اهل مدینه را دعوت کرد و گفت: بهتر است ما همچون سایر ادیان، مبدأ سال، برای خود تعیین کنیم، مسیحیان مبدأ سال را از تولد حضرت

۱. آتش زا.

۲. الغدير، ج ۸، ص ۱۲.

۳. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۸.

عیسی علیه السلام می‌دانند، لذا ما مسلمانان نیز مبدأ سال برای خود تعیین کنیم. هر یک از مشاورین وی نظریه‌ای دادند، آنگاه عمر رو به حضرت امیر علیه السلام عرض کرد: شما هم نظرتان را بفرمائید؛ زیرا نظریه شما بر همه نظرات برتری دارد. حضرت فرمود: مبدأ سال را از زمان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه طیبه معین کنید و آنگاه دلایلی هم بیان فرمود، لذا هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله اول سال هجری تاریخ اسلامی قرار داده شد.<sup>۱</sup>

### پنج‌انگشت

روزی عمر گفت: یا علی تعجب من از اینکه تو بر تمام مسائل علمی و قضائی و فقهی احاطه داری نیست بلکه تعجب من از این است که تو هرگونه سؤال مشکلی را در هر موردی که باشد بلافاصله و فوری و بدون اندیشه و تأمل جواب می‌دهی! حضرت فرمود ای عمر این دست من چند انگشت دارد؟ عرض کرد: پنج‌انگشت. فرمود پس چرا تو در پاسخ این سؤال اندیشه نکردی؟ عرض کرد این واضح و معلوم است احتیاجی به اندیشه ندارد، علی علیه السلام فرمود کلیه مسائل در نظر من مانند پنج‌انگشت دست در نظر تست.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. مناقب خوارزمی و شرح ابن الحدید. به نقل از کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، رمزی اوحدی، محمدرضا، سعید نوین، قم، ۱۳۹۵.

## چشم‌چرانی

روزی حضرت در میان اصحابش نشست. زن زیبایی (که تمام چهره‌اش را نپوشانده بود) از آنجا عبور کرد و چشم حاضران را به خود جلب نمود. امام علیه السلام فرمود:

چشمان این مردان، طغیانگر است و آنچه نظرشان بر آن افتاد مایه تحریک و هیجان آن‌هاست. هرگاه یکی از شما نظرش به زنی افتاد که زیبا و صاحب جمال بود، برود و با همسر خود آمیزش کند «فَأِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ كَأُمَّرَاتِهِ» زیرا او هم زنی است مانند همسرش!

در این هنگام مردی از خوارج گفت: خداوند این کافر را بکشد چقدر دانا و فقیه است! هنگامی که حاضران این سخن را شنیدند از جای پریدند تا او را به قتل برسانند، ولی امام علیه السلام فرمود: آرام باشید جواب دشنام، بدگویی است و یا گذشت از گناه (نه کشتن مرد بد زبان).<sup>۱</sup>

## نمازخانه در خانه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: (روش امام علی علیه السلام این گونه بود) امام علی علیه السلام در خانه خود اتاقی را که نه بزرگ بود و نه کوچک، به عنوان محل نماز قرار داده بود و شب‌ها برای خواندن نماز به آن محل می‌رفت و اگر طفل کوچکی نمی‌خواست آن حضرت کودک را با خود به آن اتاق می‌برد و نماز می‌خواند.<sup>۲</sup>

۱. نهج البلاغه، ج ۴۲۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵؛ بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۶۱، حدیث ۱. به نقل از کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، رمزی اوحدی، محمدرضا، سعید نوین، قم، ۱۳۹۵.

## تمام لذات دنیا

امام علی علیه السلام به عمار یاسر فرمود: ای عمار! برای دنیا غم مخور که تمام لذات دنیا شش چیز است.

مطعموم و مشروب و ملبوس و منکوح و مشموم و مرکب؛

اما شریف‌ترین طعام‌ها عسل است که فرآورده زنبور است و بهترین مشمومات (عطر) مُشک است که از خون آهو است و نفیس‌ترین مرکب‌ها اسب است که مردان بی‌شماری را بر پشت خود به هلاکت می‌رساند و بهترین مشروبات آب است که تمام حیوانات از آن می‌آشامند و نیکوترین ملبوسات ابریشم است که آن بافته گرمی است و منکوحات زنانند و آن‌ها وسیله دفع شهوت هستند پس دنیا چه زیبایی دارد و چگونه می‌شود به آن دل بستگی و تفاخر نمود سپس حضرت فرمود: مصیبت‌های دنیا بسیار است و مشاربش، تیره و هیچ دوستی را با دوستی خود شریک و برخوردار نکند.<sup>۱</sup>

## آداب مسافرت

روزی حضرت علی علیه السلام با یکی از کفار اهل ذمه در راه همراه شده بود آن کافر ذمی از حضرت پرسید به کجا می‌روی؟ حضرت فرمود: به کوفه می‌روم مقداری از راه که سپری کردند بر سر دو راهی رسیدند اما امام علی علیه السلام راه کوفه را رها کرد و به دنبال آن کافر رفته و راهی را که او می‌رفت ادامه داد. شخص کافر پرسید: مگر به کوفه نمی‌رفتی؟ حضرت فرمود: چرا. گفت: راه کوفه از آن طرف بود.

۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۱۱. العقد النضید، ص ۴۵.

حضرت فرمود: می‌دانم. او گفت: اگر می‌دانی که راه کوفه از آن طرف است پس چرا همراه من می‌آیی؟ حضرت فرمود: پیامبر ﷺ ما دستور داده که حق دوستی؛ و همراهی را بجای آوریم و هم‌سفر خود را تا مقداری از راه همراه خود را بدرقه کنیم. آن کافر گفت: آیا واقعاً پیامبر بر شما چنین دستوری داده است؟ حضرت فرمود: آری. کافر گفت: پس به جهت همین اخلاق نیکو و بزرگوارانه است که این همه مردم پیرو او شده‌اند. کافر این را گفت: و با حضرت به کوفه آمد و چون دریافت که او حضرت علی علیه السلام است مسلمان شد.<sup>۱</sup>

## زبان کودکان

زنی کودک شش‌ماهه خود را بر روی پشت‌بام گذاشت کودک خود را بر زمین می‌کشید تا اینکه بر روی ناودان نشست مادرش نتوانست او را بگیرد نردبانی آورد چون ناودان از لب بام بلندتر بود نتوانست او را بگیرد بستگان بچه می‌گریستند عمر نیز وقتی ماجرا را دید متحیر شد و گفت چاره‌ساز کار، علی بن ابی طالب علیه السلام است. حضرت نزد بچه آمد با او حرف زد اما بچه نفهمید علی علیه السلام فرمود: بچه‌ای هم سن او را بیاورید وقتی بچه را آوردند دو کودک به یکدیگر نگاه کردند و با زبان کودکانه باهم حرف می‌زدند تا این کودک از ناودان به سمت پشت‌بام برگشت و همه خوشحال شدند.<sup>۲</sup>

۱. کافی، ج ۲، ص ۶۷۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۶۷.

## چهار دستور پزشکی

روزی امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؛ اگر چهار دستور را رعایت کنی از طبیب و درمان‌های طبیب بی‌نیاز خواهی شد و آن چهار دستور این است.

۱. جز هنگام گرسنگی در کنار غذا برای خوردن آن ننشین ۲. درحالی که میل و اشتها به غذا داری از غذا دست بکش ۳. در جویدن غذا مراقب باش تا خوب خرد گردد ۴. قبل از خواب به دستشویی برو.<sup>۱</sup>

نیز در دستوری دیگر می‌فرماید:

از سرما در آغازش (پاییز) بپرهیز و در آخرش (نزدیک بهار) به استقبالش بروید زیرا در بدن‌ها همان می‌کند که با درختان می‌کند، در آغاز خشک و در آخر برگ می‌آورد.<sup>۲</sup>

## تغافل

شخصی به امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام داد. حضرت، سخن او را نشنیده گرفته، فرمودند: «به گوش خود شنیدم که کسی به من دشنام داد، ولی به روی خود نیاوردم و گفتم که شاید به علی دیگری بد می‌گفته است.<sup>۳</sup>

۱. خصال، صفات چهارگانه، ح ۶۷.

۲. «تَوَقَّؤُوا الْبُرْدَ فِي أَوَّلِهِ وَ تَلَقَّؤُهُ فِي آخِرِهِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفَعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ أَوَّلُهُ يُحْرِقُ وَ آخِرُهُ يُورِقُ»، نهج البلاغه، ح ۱۲۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۴۴.

## چرا دعا مستجاب نمی‌شود

امام علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال که خداوند فرموده: «ادعونی استجب لکم؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را» پس چرا دعا می‌کنیم ولی دعایمان اجابت نمی‌شود؟ فرمود: **لَإِنَّ قُلُوبَكُمْ خَائِتٌ بِتَمَانٍ خِصَالٍ**؛ زیرا دل‌های شما هشت خیانت کرده است:

۱. شما خدا را شناختید اما حق او را چنان که بر شما واجب است ادا نکردید؛ بنابراین، شناخت شما به کارتان نیامد.
۲. ایمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردید، اما باسنت او مخالفت کردید، پس فایده ایمان شما چیست؟
۳. قرآن را خواندید ولی عمل نکردید.
۴. گفتید از آتش جهنم می‌ترسید اما در هر وقت با گناهان خود بدن‌های خود را آماده عذاب ساختید.
۵. اظهار تمایل به بهشت کردید اما کاری که شما را از بهشت دور می‌کند انجام دادید.
۶. از نعمت‌های خدا استفاده کرده ولی سپاسگزاری نکردید.
۷. خداوند شما را به دشمنی شیطان امر کرده، شما با زبان با او دشمنی کردید ولی در عمل با او مخالفت نکردید.
۸. عیب‌های مردم را جلوی چشم خود قراردادید اما عیوب خود را پشت سر انداختید.



با توجه به این امور چگونه انتظار اجابت دعا دارید. پس خودتان را اصلاح و تقوایبش کنید تا دعاهای شما مستجاب شود.<sup>۱</sup>

## روزی حلال

امام علی علیه السلام وارد مسجد شد و به مردی فرمود: استر من را برایم نگه‌دار؛ اما او دهنه استر را در آورد و آن را بُرد. علی علیه السلام بعد از تمام کردن نماز از مسجد بیرون آمد و دو درهم در دست گرفته بود تا به آن مرد پاداش دهد، اما دید استر به حال خود رهاست. آن دو درهم را به یکی از غلامان خود داد که دهنه‌ای بخرد. غلام به بازار رفت و دهنه مسروقه را در آنجا دید و به دو درهم خرید و نزد حضرت برگشت. علی علیه السلام فرمود: *إن العبد لیحرم نفسه الرزق الحلال بترك الصبر و لا یزاد علی ما قدر له؛ آدمی به سبب بی‌صبری، خودش را از روزی حلال محروم می‌کند و بیشتر از روزی مقدّر هم نصیبش نمی‌شود.*<sup>۲</sup>

## بهترین همراه

سوید به غفله می‌گوید: از حضرت علی علیه السلام شنیدم که فرمود: هنگامی که آخرین روز زندگی انسان می‌رسد مال و فرزند و عمل شخص در برابر او مجسم می‌شود و با زبان حال به ثروت خود می‌گوید:

۱. أعلام الدین، ص ۲۱۹؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۶.

۲. شرح ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۱۶۰.

من در جمع آوریت حریص بودم و در مصرف تو بخل ورزیدم در این لحظه چه کمکی به من خواهی کرد؟ مال با همان زبان به او می‌گویند من کفن تو را تأمین می‌کنم و کاری به دیگر با تو ندارم.

سپس روی به فرزند نموده و می‌گوید: من سخت تو را در قبر می‌گذارم و پنهانت می‌کنم، پس از آن به عمل خود می‌گوید: من به تو بی‌میل بودم و بر من سنگینی داشتی امروز با من چه خواهی کرد؟ عملش پاسخ می‌دهد: من همیشه با تو هستم در قبر در حشر تا حضور در پای میزان عدل الهی.<sup>۱</sup>

### مهمانی به سه شرط

روزی فردی امیرالمؤمنین علیه السلام را به منزلش دعوت کرد، امام علی علیه السلام فرمودند «أَجَبْتُكَ عَلَى أَنْ تَضْمَنَ لِي ثَلَاثَ خِصَالٍ»  
به سه شرط می‌پذیرم؛ چیزی از بیرون منزل وارد نکنی، هرچه در خانه‌داری برای ما بیاوری و از آنچه در خانه‌داری دریغ نکنی، همسر و فرزندان را نیز به‌زحمت نیندازی.<sup>۲</sup> و<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۲۵

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

۳. داستان‌های این بخش برگرفته از کتاب هزار و یک داستان از زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام، رمزی اوحدی، محمدرضا، سعید نوین، قم، ۱۳۹۵.

## خطبه بدون الف و نقطه

خطبه «موتقه» خطبه‌ای که در آن از حرف «الف» که بیشترین و پرکارترین حرف است. استفاده نشده است. امیرالمؤمنین علیه السلام این خطبه را بالبداهه ایراد کردند و در آن از حرف «الف» استفاده نکردند. قسمتی از خطبه: «حَمِدْتُ مَنْ عَظُمَتْ مِثَّتُهُ وَ سَبَعَتْ نِعْمَتُهُ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُهُ وَ نَفَذَتْ مَشِيئَتُهُ وَ بَلَغَتْ حُجَّتُهُ وَ عَدَلَتْ قَضِيئَتُهُ وَ سَبَقَتْ غَضَبَهُ رَحْمَتُهُ...» خطبه طولانی است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۴۰. بیروت و بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۴۲ ایران. خطبه بدون نقطه. خطبه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را بالبداهه ایراد کردن و در آن از کلماتی استفاده کردند که نقطه ندارد. قسمتی از آن خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ أَهْلِ الْحَمْدِ وَ مَأْوَاهُ، وَ لَهُ أَوْكَدُ الْحَمْدِ وَ أَخْلَاهُ، وَ أَسْعَدُ الْحَمْدِ وَ أَسْرَاهُ، وَ أَظْهَرُ الْحَمْدِ وَ أَسْمَاهُ، وَ أَكْرَمُ الْحَمْدِ وَ أَوْلَاهُ. الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، لَاوَالِدَ لَهُ وَ لَاوَلَدًا. خطبه طولانی است. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ تمام نهج البلاغه، ص ۳۳۵.

الحمد لله رب العالمین